

فراز اندیشه‌ها



دولت گذشته چرا در پرداخت
پارانه‌ها به مشکل خورد؟

WHITE NOW

برای
آقایان



لبخندی سفیدتر
در یک آن*
با تکنولوژی پرتو آبی

برای
خانم ها

این دندان پودر با اولین عصر دندان‌های شما را با تکنولوژی سفید کننده قوی پودر شده است.
*برای مشاهده نتیجه کلی این محصول دندان پودر را به همراه مسواک استفاده کنید.

CREATED BY
Signal

www.KomakCharity.com

بنیاد نیکوکاری کمک (گیش مهر کتابون)

پشتیبان کودکان ناشنوای نیازمند جراحی کاشت حلزون گوش



شماره تماس: ۷۶۴۴۲۵۹۳۱۷ و ۷۶۴۴۲۵۹۳۱۵

شماره پاسارگاد کارت: ۵۰۲۲-۲۹۱۹-۰۰۰۱-۵-۳۱

کمک از طریق تلفن همراه: #۷۲۴۰۵۱۰=



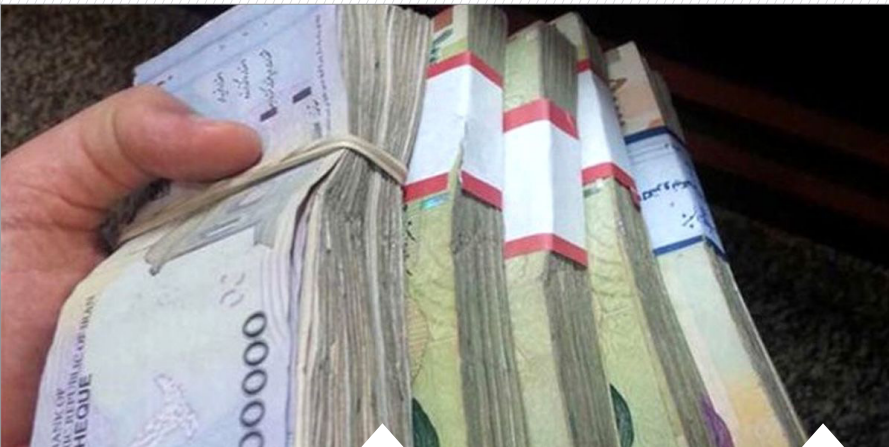
فرازانده پنداران



۶

دولت گذشته چرا در پرداخت یارانه‌ها به مشکل خورد؟

۱۰ نکته برای استفاده حرفه‌ای از شبکه اجتماعی کاری لینکدین؛ در وصف شبکه اجتماعی لینکدین همان بس که شرکت عظیم مایکروسافت با رقم خیره‌کننده ۲۶ میلیارد دلار تن به خرید این شبکه اجتماعی داد



۱۰

حرف‌های ارزی پُرس گرفته شد

۱۹

چرا منابع صندوق‌های خطرپذیر در اوراق و بانک سرمایه‌گذاری شد؟

۳۰

گذری بر نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار ایران

۴۲

میزان حداقل حقوق از نظر نماینده کارگران

۴۸

بررسی نظریات رشد اقتصادی در کشورهای مختلف

ماهنامه فرازاندیشان

سال ششم، شماره ۷۷

صاحب‌امتیاز: شرکت فرازاندیشان حساب

مدیرعامل: محمود ثنائی جوان

مدیرمسئول: محمود ثنائی جوان

سردبیر: مریم زاهدی

گرافیک و صفحه‌آرایی: وحید غفاری

دبیر اجرایی: محمد طالبیان

همکاران تحریریه: پیمان اکبرنیا، ابوالفضل الله‌دادی،

بهاره بدیعی، بهاره چراغی، مهیار حسنی، سپیده شعراباف،

محمد طالبیان، رامین طبرسی، حمیدرضا نوروزی.

ویرایش تصاویر: سهیلا کوردری

ویراستار: فرزانه اختیاری

چاپخانه: نگار نقش

نشانی: خیابان شریعتی، بالاتر از تقاطع خیابان مطهری،

کوچه سعدی، پلاک ۳، واحد ۸

تلفن و نمابر: ۸۶۰۲۸۶۹۳

عاقبت نفتی

...

موج دستگیری هادر خاندان سلطنتی سعودی، احتمال وقوع درگیری های داخلی در عربستان را افزایش داده است و پرتاب موشک های یمنی به خاک عربستان که از سوی مقامات سعودی به ایران نسبت داده شد موضوعاتی است که احتمال وقوع درگیری در منطقه را افزایش می دهد. رشد بهای نفت هر چند خبر خوبی برای صادرکنندگان نفتی محسوب می شود، اما ادامه جهش های پرشتاب می تواند ریسک هایی را به همراه داشته باشد در ادامه در مورد این ریسک ها بخوانید. ۱۶



سرمقاله

کمی تعهد ما را بس!

در بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی ایران، به چشم خود سندی را دیدم که یکی از مقامات امریکایی به شرکت چینی که قرار بود در نمایشگاه تهران شرکت کند، نامه ای رسمی و چند صفحه ای ارسال کرده و مخاطرات تحریمی حضور در تهران را به آنها یادآور شده است. مطلع شدم که امریکایی ها اسامی شرکت های متقاضی حضور در نمایشگاه تهران را از سایت نمایشگاه استخراج کرده و یک به یک فشار آورده اند تا به ایران نیایند. در مقابل تحریم های نفتی امریکا که از دیروز برقرار شده است، باید هوشمند، هدفمند و زیرک ایستاد.

۱- بعد از مراسم افتتاحیه نمایشگاه، سفیر هلند را دیدم که با وزیر نفت ایران دست داد و عکس یادگاری گرفت. همین کار را از سفارت انگلستان هم تکرار کردند. اما نه شرکت انگلیسی - هلندی رویال داچ شل به نمایشگاه تهران آمده بود نه اروپایی های قابل اعتنای دیگری. البته شرکت های روسی و چینی هم در نمایشگاه رویت نشدند. با صدایی بلند باید به اروپایی ها و سایر کشورها گفت که ما عکس یادگاری نمی خواهیم. کمی تعهد به امضای برجای تان ما را بس!

۲- حضور دبیرکل اوپک در تهران در این شرایط حساس برای ایران مهم بود. وقتی یک روز پیش از لغو معافیت های تحریمی امریکا اعلام کرد: «حذف ایران از بازار نفت غیرممکن است.» و وقتی صراحتاً گفت که: «(ایران) الگوی مهم برای صنعت نفت در منطقه است که (نشان داد) چگونه در شرایط سخت به اهداف خود رسیده است.» این حرف های محمد سینوسی بارکیندو مهم است. چه اینکه جدا از دبیرکلی اوپک، سابقه ای طولانی در این سازمان داشته و صنعت نفت را به خوبی می شناسد. وزیر نفت ایران در مراسم افتتاحیه نمایشگاه گفته بود: «برخی کشورها از بازارهای (نفت) شان به عنوان سلاح استفاده می کنند.» وقتی دبیرکل اوپک می خواست محل سخنرانی اش را ترک کند از او خواستم تا نظرش را در این باره بگوید. او دیپلماتیک پاسخ داد: «مصرف کنندگان نیاز به ثبات دارند به ویژه با توجه به تجربه ناخوشایندی که در چند سال گذشته شاهد آن بوده ایم. به ثبات دارند و اگر امریکا از بازار نفتش به عنوان سلاح استفاده کرده، نمی تواند تولیدکنندگان نفت را از شروع بازی های نفتی منع کند. و این همان چیزی است که مصرف کنندگان بزرگ چه بدون آنها.

تئوری های اقتصاد توسعه

۲۷

بورس مجازی

۴۳

نوآوری های تکنولوژی و تأثیر سود و درجه رقابت شرکت ها

۶۰

پرداخت ۸ درصد از وام کرونا به گردن دولت افتاد

۵۲



دولت گذشته چرا در پرداخت یارانه‌ها به مشکل خورد؟

مریم زاهدی - سردبیر

کتاب درس‌هایی از هدفمندی یارانه‌ها، حاوی نکات گوناگونی پیرامون چگونگی زمینه‌سازی و اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در قالب طرح تحول اقتصادی در زمان دولت‌های نهم و دهم است.

همین‌طور می‌زان اصلاح قیمت‌ها در دنیا بی‌نظیر بود. بنابراین تمام تجربه‌های قبلی سایر کشورها از این لحاظ نمی‌توانست مبنای کار دولت قرار گیرد. در یکی از جلسات بانک جهانی، مشاوران بانک جهانی کتابی در خصوص تجربه‌های مشابه تهیه کرده و در سال ۹۰ برای ما ارائه می‌کردند. زمانی که تجربه ایران را برایشان توضیح دادم همه آنها بر بی‌نظیر بودن طرح ایران صحنه گذاشتند و بسیار علاقمند بودند تا تجربه ایران در این حوزه مدون شود. همین انگیزه‌ای شد که بنده مقاله‌ای را در این خصوص با همکاری دو نفر از اقتصاددانان صندوق بین‌المللی پول به نام‌های زایتک و دومینیک تهیه کرده و در نشریه صندوق بین‌المللی پول منتشر کنم. در ابتدای ورود به بحث یارانه‌ها سؤالات زیادی بود که باید به آنها پاسخ و برنامه اجرای آنها تهیه می‌شد. اینکه باید چه کالاها و خدماتی مشمول اصلاح قیمت شوند؟ زمانبندی و توالی آنها چگونه باشد؟ اصلاح قیمت چگونه صورت پذیرد؟ اصلاحات غیرقیمتی لازم چیست و آیا اصلاً نیاز به اصلاحات غیرقیمتی وجود دارد یا نه؟ بازپرداخت یارانه‌ها باید چگونه باشد؟ برنامه‌های حمایتی و تکمیلی در سایر بخش‌ها مانند صنعت و کشاورزی چگونه باشد؟ چه نوع سیاست‌های پولی و مالی مورد نیاز است؟ سازماندهی اجرا چگونه باشد؟ و از همه مهم‌تر چگونه اطلاع‌رسانی شود؟ همه اینها سؤالاتی بود که باید به

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند یکی از مهم‌ترین دلایل اجرا نشدن هدفمندی یارانه‌ها در طول چند دهه اخیر، نگرانی و ترس ناشی از اجرای آن بوده است. این موضوع را قبول دارید؟ اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی مانند نان در تمام کشورهای جهان یک کار سخت و پرچالش بوده است. تجربه همه کشورها نشان می‌دهد که این کار در بستر یک برنامه زمانبندی و با فراز و نشیب‌های فراوان صورت پذیرفته است. بنابراین در ایران هم نگرانی از واکنش‌های مردمی از دغدغه‌های اصلی همه دولت‌ها در اجرای این طرح بوده است. البته این نگرانی در خصوص نان بیشتر بود چرا که نان قوت عمده مردم است. بسیاری از دولت‌ها با استفاده از سیاست‌های متفاوت در سمت تولید و مصرف توانسته‌اند اصلاحات لازم را در این زمینه انجام دهند به طوری که هنوز هم بسیاری از کشورها در این خصوص یارانه می‌پردازند. برای مثال اروپایی‌ها در حال حاضر بیشترین یارانه را در حوزه محصولات کشاورزی پرداخت می‌کنند.

برخی معتقدند دولت در ابتدا نمی‌دانست قرار است در هدفمندی یارانه‌ها چه کار کند و با گذشت زمان به روش‌هایی رسید. این امر طبیعی است. طرحی که در ایران اجرا شد از لحاظ ابعاد و گستره کالاها و



زمانی که تجربه ایران را برایشان توضیح دادم همه آنها بر بی‌نظیر بودن طرح ایران صحنه گذاشتند



دولت در این حوزه خیلی فعال بود و دائماً جلسه و همایش برگزار می‌کرد، به طوری که این نحوه اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌های دولت کم سابقه بود

کم سابقه بود. به نظر تان واقعاً این میزان اطلاع‌رسانی ضروری بود؟
بله، موضوع اطلاع‌رسانی برای ما بسیار مهم بود؛ به طوری که یکی از مهم‌ترین نکات ما پذیرش عمومی طرح در میان مردم بود. می‌خواستیم زمانی که طرح را اجرا می‌کنیم یک پذیرش عمومی در جامعه وجود داشته باشد. معتقد بودیم اگر تمام جوانب طرح گفته شود مردم با آن همراه خواهند شد. مردم باید بدانند وقتی یک طرح اقتصادی اجرا می‌شود قطعاً این طرح چه منفعی برای آنها دارد. به بیان دیگر باید برنامه‌های اقتصادی را به زبانی ترجمه کنیم که منافع مردم در آن مشهود باشد. برنامه‌های

آنها پاسخ داده می‌شد. بسیاری از مسئولان امنیتی کشور دغدغه امنیتی داشتند. به هر حال تجربه‌های تلخی از اصلاح قیمت بنزین در کشورهای دیگر وجود داشت که باعث افزایش این نگرانی‌ها می‌شد. اینکه مردم در مقابل این موضوع چه واکنشی نشان خواهند داد برای ما بسیار اهمیت داشت.

اجازه بدهید بحث را با اقدامات دولت در حوزه اطلاع‌رسانی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها ادامه دهیم. دولت در این حوزه خیلی فعال بود و دائماً جلسه و همایش برگزار می‌کرد، به طوری که این نحوه اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌های دولت

اطلاع‌رسانی در سطوح مختلف تعریف شده بودند و ما گروهی از اقتصاددانان دولتی و غیردولتی که برخی از آنها اعضای کارگروه‌های تخصصی بودند انتخاب و آنها را برای بیان طرح و ویژگی‌های آن به برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و همایش‌ها می‌فرستادیم. از طرفی برای اینکه تناقضی در صحبت‌های این افراد نباشد تمام مطالب در دبیرخانه تهیه می‌شد. برای این کار یک پاورپوینت تهیه کرده بودیم که در آن تمام ضرورت‌ها، اهداف و سیاست‌های طرح را توضیح داده بودیم و تمام افراد یک نسخه از این PowerPoint را در اختیار داشتند و در خصوص طرح در چهارچوب آن نسخه صحبت می‌کردند. یکی از اقدامات صورت گرفته در اطلاع‌رسانی گسترده طرح، برگزاری ۲ همایش در هر استان با حضور استاندار، مسئولان استانی، نخبگان و مردم در آن استان بود. به این منظور ابتدا چند جلسه در وزارت کشور با حضور استانداران برگزار و طرح و ابعادش برای آنها توضیح داده شد. در این جلسات علاوه بر رئیس جمهور، برخی از وزرا بویژه وزیر اقتصاد نیز حضور داشت و بخش عمده‌ای از زمان جلسه به پرسش و پاسخ اختصاص می‌یافت. پس از برگزاری این همایش‌ها، اولین دور استانی شروع شد و نمایندگان دبیرخانه با حضور در استان‌ها در خصوص طرح صحبت می‌کردند. پس از اینکه دور اول استان‌ها تمام شد و این جلسات در تمام استان‌ها برگزار شد مجدداً در سال بعد دور دوم آغاز و در دور دوم ابعاد تفصیلی‌تر طرح توصیف شد. در کنار آن برنامه‌های طراحی شد تا با کلیه نهادها، مجامع علمی، فرهنگی و سیاسی، اصناف و فعالان اقتصادی، شهرداری‌ها و بویژه گروه‌های مرتبط با طرح مانند خبرگزاری‌ها، مدیران صدا و سیما، صنف‌های مربوط به حمل و نقل بویژه رانندگان، اتاق بازرگانی و تعاون، مدیران و مسئولان امنیتی کشور بویژه سپاه و بسیج و ائمه جمعه کشور جلساتی برگزار و طرح را برای آنها توضیح دهیم. در بسیاری از این نشست‌ها و همایش‌ها شخص رئیس جمهور هم شرکت می‌کرد.

عمده نگرانی‌تان در آن مقطع چه بود؟

نگران سیاه‌نمایی‌هایی بودیم که در خصوص طرح صورت می‌گرفت. البته با حجم بالای اطلاع‌رسانی و نشست‌هایی که برگزار می‌کردیم این سیاه‌نمایی‌ها را کم‌رنگ می‌کردیم. صحبت کردن با مردم و نخبگان کشور چندین ویژگی مثبت

داشت. اول اینکه آنها نظرات و دیدگاه‌هایی داشتند که با واقعیت‌های طرح آشنا می‌شدند. دوم اینکه عموماً می‌توانست در اجرا خیلی به ما کمک کند. ضمن اینکه با این کارها تا حد زیادی جلوی شایعات را هم می‌گرفتیم. برای مثال به یاد دارم که پس از انجام طرح خوشه‌بندی‌ها برای سخنرانی در بین روحانیون به مدرسه فیضیه قم رفتم. در آنجا پس از پایان صحبت‌های من تعدادی از طلبه‌های جوان مرا به صرف شام دعوت کردند. طبیعتاً آنها حقوق‌های بسیار پایینی داشتند به طوری که در آن سال حقوق ماهانه آنها بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان بود، با این حال بعد از اعلام نتایج طرح خوشه‌بندی بسیاری از آنها در خوشه سوم قرار گرفته بودند. به من می‌گفتند: «ما در خوشه سوم قرار گرفتیم اما کسبه محل یا برخی از آشنایان ما که ده‌ها برابر ما درآمد دارند در خوشه اول هستند.» در جلسه دیگری که با مدیران بخش‌های مختلف صداوسیما داشتیم نیز شاهد وجود چنین مشکلات و اعتراضاتی بودم. مشاهده این موارد و انعکاس‌های مردمی اینچنینی باعث شد تا بعدها در روش و چگونگی توزیع یارانه تغییراتی ایجاد کنیم.

در آن سال‌ها مجلس شورای اسلامی هم کمیسیون در این زمینه تشکیل داد و موضوع در آنجا هم پیگیری می‌شد. تعامل دولت با مجلس چگونه بود؟

بله، مجلس کمیسیون ویژه‌ای تشکیل داد که در این کمیسیون هر هفته اجرای طرح و موضوعات مختلف آن بحث می‌شد.

چه کسانی اعضای این کمیسیون بودند؟

تمامی رؤسای کمیسیون‌های مجلس در آن عضو بودند. البته تعدادی از اعضا نیز رئیس کمیسیون نبودند. آقایان غلامرضا مصباحی مقدم، احمد توکلی، علی اصغر زارعی، کاتوزیان، باهنر، تابش، روح‌الله حسینیان، رضا عبداللهی، فرهنگی، دلخوش، رجایی و اکبری از طرف مجلس در این کمیسیون حضور داشتند. از طرف دولت هم من و آقای زاهدی‌وفا که در آن زمان معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد بود حضور داشتیم. ضمن اینکه سایر معاونان وزیر هم به فراخور موضوع در جلسات شرکت می‌کردند. جلسات بسیار خوبی بود. ابتدا مباحث به صورت کلی مطرح می‌شد اما هر چه جلوتر رفتیم به موضوعات اجرایی و تفصیلی‌تر طرح بویژه در خصوص هدفمندسازی یارانه‌ها رسیدیم. در این مرحله



تمامی رؤسای کمیسیون‌های مجلس در آن عضو بودند. البته تعدادی از اعضا نیز رئیس کمیسیون نبودند. آقایان غلامرضا مصباحی مقدم، احمد توکلی، علی اصغر زارعی، کاتوزیان، باهنر، تابش، روح‌الله حسینیان، رضا عبداللهی، فرهنگی، دلخوش، رجایی و اکبری از طرف مجلس در این کمیسیون حضور داشتند.

آن بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی دیدگاه دیگری داشت.

دیدگاه وزارتخانه‌های دولت مانند وزارت نفت و نیرو، بازرگانی، صنعت و معدن، رفاه و سازمان برنامه و وزارت اقتصاد نسبت به طرح چگونه بود؟

از ابتدا بدنه دولت یک موضع انتقادی داشت و به تدریج با تقویت بحث‌های کارشناسی در جلسات کارگروه‌ها، بدنه کارشناسی هم همراه شد و تا پایان طرح هم همکاری خوبی داشتند. وزارتخانه‌های نفت و نیرو دهه‌ها بود که معتقد به افزایش قیمت حامل‌ها بودند ولی خوب بدیهی بود که می‌خواستند سهم عمده افزایش، نصیب دستگاه خودشان شود. اینجا محل اختلاف ما با آنها در کارگروه بود. لذا در سهم‌بری دستگاه‌هایی مانند وزارت نیرو از برق و وزارت نفت، بحث حسابرسی و محاسبه قیمت تمام شده را مطرح کردیم. با شروع طرح در اخذ درآمد یارانه‌ها از این دو وزارتخانه دچار مشکل شدیم. به همین دلیل نظام مالی طرح را به گونه‌ای طراحی کردیم که درآمد حاصل از فروش حامل‌ها مانند بنزین، گازوئیل، برق، گاز و سایر به حسابی در خزانه واریز می‌شد و کارگروه ابتدا سهم یارانه‌ها را برمی‌داشت و سپس سهم این دو دستگاه را می‌داد. چیزی که در شروع دولت آقای روحانی به مذاق وزرای این دو دستگاه خوش نیامد و روال آن را ابتدا تغییر دادند. به همین دلیل وزارت اقتصاد در پرداخت یارانه‌ها در سال‌های ۹۲ و ۹۳ دچار مشکل شد. به طور کلی وزیر نفت جدید آقای بیژن

بود که اختلاف دیدگاه‌های دولت و مجلس مانند موضوعاتی چون قیمت حامل‌ها، نحوه بازتوزیع، زمان‌بندی اجرای طرح، آثار طرح بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، بیکاری و نرخ رشد و حتی ابعاد امنیتی طرح آشکارتر می‌شد. بنابراین کمیسیون در این مقطع از وزرای مربوطه مانند وزیر اطلاعات، وزیر بازرگانی و سایر وزرا و حتی افرادی مانند قالیباف به عنوان شهردار تهران دعوت کرد تا دیدگاه‌های آنها را نیز درباره مسائل مختلف مربوط به طرح جویا شود. در نهایت پس از ارائه لایحه هدفمندسازی یارانه‌ها به مجلس در دی ماه ۱۳۸۷ ابتدا قرار شد موضوع در تمام کمیسیون‌های تخصصی مجلس مطرح و در آن کمیسیون‌ها نیز تصویب شود و پس از تصویب اولیه در صحن علنی مجلس مطرح شود. در این دوران نیز کار فشرده‌ای برای اقناع نمایندگان انجام شد تا اینکه در نهایت در صحن علنی با بیش از دو سوم آرای نمایندگان تصویب شد. البته در تمام این سال‌ها که بسیار هم طولانی شد اختلافاتی در زمینه‌های مختلف وجود داشت که گاهی رئیس‌جمهور و رئیس مجلس به موضوع ورود می‌کردند.

مخالفان طرح هدفمندی در مجلس چه کسانی بودند؟

طرح ابعاد گسترده‌ای داشت. بنابراین ممکن بود برخی از نمایندگان با بخشی از آن مخالف باشند. اما کسی که با کلیت طرح مخالف بود احمد توکلی رئیس وقت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بود. توکلی در خصوص آثار تورمی طرح و همچنین اثر



ابتدا بدنه دولت یک موضع انتقادی داشت و به تدریج با تقویت بحث‌های کارشناسی در جلسات کارگروه‌ها، بدنه کارشناسی هم همراه شد و تا پایان طرح هم همکاری خوبی داشتند.



زنگنه، نگاهش به وزارت نفت تیولداری بود. یعنی آقای زنگنه فکر می‌کرد تمام تصمیمات در حوزه نفت باید توسط شخص وی اتخاذ شود و گوش شنوایی هم نداشت! لذا جای هرگونه تفاهم و تبادل نظر را بسته بود و به بزرگترین مانع اجرای طرح تبدیل شده بود.

فارغ از مخالفت‌های گسترده آقای توکلی در ماجرای هدفمندی یارانه‌ها، آیا جریان سیاسی مخالف دولت موسوم به اصلاح‌طلبان هم با اجرای این طرح مخالفت می‌کردند؟ مخالفان این طرح هم در جریان اصولگرا و هم در میان اصلاح‌طلبان بودند. اما اصولگراهای مجلس به صورت فراکسیونی از طرح حمایت می‌کردند. در حالی که در بین اصلاح‌طلبان موافقت فراکسیونی وجود نداشت. با این حال اگر چه تعدادی از اصلاح‌طلبان در مجلس مخالف طرح بودند اما مخالفت فراکسیونی نیز میان آنها وجود نداشت. در مجموع تعدادی از اصلاح‌طلبان موافق و برخی نیز مخالف بودند. برای مثال من هرگز مخالفت جدی با کلیت طرح از سوی فردی مانند تابش که یک اصلاح‌طلب بود ندیدم.

در طرح هدفمندی یارانه‌ها اختلافات شما با مجلس بسیار زیاد بود. خاطر من است در مقطعی نه شما کوتاه می‌آمدید و نه مجلسی‌ها. لطفاً توضیح دهید که شما چه می‌گفتید و مجلسی‌ها چه می‌خواستند؟ در طول حدود ۱،۵ سال یعنی ۶ ماه قبل از ارائه لایحه و یکسال بعد از ارائه لایحه دیدگاه‌های ۱۵ عضو کمیسیون ویژه را می‌توان حول چند محور اساسی تقسیم‌بندی کرد: اول اینکه تعدادی از اعضای کمیسیون بر تقدم اصلاحات غیرقیمتی بر اصلاحات قیمتی تأکید داشتند. آنها معتقد بودند علاوه بر اینکه شیب اصلاحات قیمتی باید شیب کندی باشد حتی قبل از آغاز این اصلاحات، باید اصلاحات غیرقیمتی آغاز شود. اینکه تعدادی از نمایندگان به اصلاحات قیمتی در بخش کشاورزی حساسیت ویژه‌ای داشتند و معتقد بودند: با عنایت به وضعیت خاص بخش کشاورزی، اصلاحات قیمتی در آن باید با تأخیر معناداری نسبت به سایر بخش‌ها آغاز شود. سوم اینکه برخی از نمایندگان در خصوص سیاست‌های بازتوزیع گروهی به سیاست‌های بازپرداخت مستقیم و نقدی به خانوارها اعتقاد نداشتند و معتقد بودند: اصلاحات باید با شیب کند مشابه

آنچه در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه در کشور آغاز شده و منابع حاصله تقریباً مورد توجه واقع شده بود، صرف ایجاد، تکمیل و آماده‌سازی زیرساخت‌های کشور شود. چهارم اینکه دیدگاه غالب نمایندگان در خصوص منابع مالی طرح، تمرکز وجوه در بودجه سنناتی و بررسی سالانه منابع و مصارف در مجلس شورای اسلامی در چهارچوب فرایندهای معمول بودجه‌ای بود.

استدلال دولت در این موارد چه بود؟ در خصوص بند اول کاملاً همفکر بودیم. دولت از سال ۸۶ با سه‌میه‌بندی بنزین و طراحی کارت سوخت برخی از اصلاحات غیرقیمتی را آغاز کرده بود و بقیه اصلاح را نیز می‌توانستیم با امکان اعمال تبعیض میان بخش‌ها انجام دهیم. ما با برخورد تدریجی مخالف بودیم. معتقد بودیم برخورد تدریجی باعث افزایش هزینه‌های اصلاحات در کشور خواهد شد. احمدی‌نژاد معتقد بود تمام طرح باید در یک مرحله انجام شود، اما در نهایت آنچه پیشنهاد کردیم اجرای این طرح در ۲ یا نهایت ۳ فاز و نهایتاً طی ۳ سال بود. در خصوص باز توزیع هم معتقد بودیم پرداخت‌ها باید مستقیم به خانوارها و خارج از دیوان‌سالاری‌های دولتی صورت گیرد. نکته دیگر اینکه سهم دولت از یارانه‌ها باید حداقل و سهم خانوارها حداکثر باشد.

نگاه دولت درباره مدیریت منابع مالی حاصل از اجرای این طرح چه بود؟ دیدگاه دولت در خصوص سازکار مدیریت منابع مالی این بود که منابع حاصله از اجرای این طرح باید توسط صندوقی مدیریت شود، به گونه‌ای که درآمدهای حاصله و سود آن وارد فرایند معمول بودجه دولت نشود. ضمن اینکه نظارت بر این صندوق هم می‌تواند از سوی دولت، مجلس و سایر نهادهای قانونی کشور صورت گیرد.

تفاوت‌های اساسی لایحه پیشنهادی دولت با نظر کمیسیون ویژه و در نهایت مصوبه مجلس دقیقاً چه بود؟ چند مورد است که خدمتان عرض می‌کنم. نکته اول این بود که در لایحه پیشنهادی دولت اصلاح قیمت کالاها و خدمات طی یک دوره حداکثر ۳ ساله پیش‌بینی شده بود اما این سه سال که مورد تأکید دولت بود در مصوبه مجلس به ۵ سال و به‌صورت تدریجی تغییر کرد. با دانش امروزی‌ام عرض می‌کنم که‌ای کاش این تغییر را



در خصوص بند اول کاملاً همفکر بودیم. دولت از سال ۸۶ با سه‌میه‌بندی بنزین و طراحی کارت سوخت برخی از اصلاحات غیرقیمتی را آغاز کرده بود.

نمی‌پذیرفتیم. ما الان در نیمه دوم سال ۹۸ هستیم و هنوز این مسأله از موضوعات اساسی کشور است که طی این سال‌ها منجر به هدر رفتن بخش زیادی از منابع انرژی کشور شده است. این موضوع در مجلس به اختلافی بزرگ‌تر تبدیل شد. به گونه‌ای که در لایحه دولت میزان درآمد ناشی از اصلاح قیمت‌ها در سال اول ۴۰ هزار میلیارد تومان بود که مجلس برای جلوگیری از سرعت اجرای اصلاح قیمت‌ها در چهارچوب همان ایده‌ای که معتقد به تدریجی بودن این اصلاح داشت آن را به ۸۴۰۰ میلیارد تومان تغییر داد. این موضوع و اختلاف چند باره با تعامل بین کمیسیون و صحن علنی دست به دست شد اما توافق حاصل نشد. در نهایت با نظر رئیس جمهور و رئیس مجلس این موضوع نهایی و عدد ۲۰ هزار میلیارد تومان در لایحه گنجانده شد. اینجا باز اختلاف دیگری پیش آمد. اختلاف بعدی در خصوص این بود که آیا ۲۰ هزار میلیارد تومان با محاسبه مالیات و عوارض یا بدون احتساب آن است. همان‌طور که می‌دانید مالیات بر ارزش افزوده بنزین ۳۰ درصد و گازوئیل حدود ۲۰ درصد است. یعنی همین الان هم قبل از احتساب درآمد هدفمندسازی یارانه‌ها از این حامل‌ها ابتدا مالیات آن که درآمد بسیار زیادی برای دولت است کسر می‌شود. دولت معتقد بود اگر مالیات و عوارض هم در این عدد باشد، بخش زیادی از این رقم باید بابت عوارض و مالیات پرداخت شود. در واقع این ارقام به جیب دولت و نه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها می‌رود. در نهایت آقای احمدی‌نژاد نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب نوشتند و با دستور ایشان موضوع بین رئیس جمهور و رئیس مجلس مطرح و در قالب توافق آنها موضوع حل شد. یعنی نظر آقای احمدی‌نژاد پذیرفته شد. نکته بعدی این بود که مجلس از دولت می‌خواست قیمت‌های اصلاحی حامل‌ها مثلاً بنزین، گازوئیل و سایر حامل‌ها برای سال اول در متن لایحه گنجانده شود. اما دولت مخالف بود چرا که معتقد بود اگر قیمت‌ها در آن تاریخ مطرح می‌شد مدیریت بعدی آن غیرممکن بود. برای مثال اگر ما در آن سال می‌گفتیم می‌خواهیم قیمت بنزین را از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان افزایش دهیم بر اساس تجربه‌های موجود آثار منفی آن کاملاً محسوس بود. مخالفت دولت باعث اضافه شدن تبصره‌ای در خصوص سقف و کف درآمد حاصل از تغییر قیمت حامل‌ها در قانون شد. موضوع بعدی فرمول پیشنهادی دولت در باز توزیع درآمد بود به طوری که نظر دولت ۶۰ درصد خانوار، ۲۵ درصد تولید و ۱۵ درصد دولت بود. از این رو در لایحه دولت پیشنهاد شده بود که منابع خانوار با سازکار خاصی میان خانوارهای جامعه هدف توزیع شود که بر اساس لایحه تعیین جامعه هدف نیز برعهده دولت بود. البته از همین جا اختلاف دیگری در خصوص سطح پوشش خانوارها شکل گرفت. دولت معتقد بود پرداخت یارانه باید به حداقل ۷۰ درصد مردم ایران صورت پذیرد و این کار می‌تواند آسیب‌های ناشی از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در سال‌های اولیه را کاهش دهد. از طرف دیگر مطالعات نشان می‌داد که مردم تا دهک ۷ از طبقه متوسط کشور هستند، لذا معتقد بودیم یارانه‌ها تا دهک هفتم جمعیتی باید پرداخت شود. اما کمیسیون و بخصوص شخص آقای مصباحی مقدم معتقد بود که پرداخت نقدی باید صرفاً برای ۲ دهک جامعه بوده و برای ۵ دهک بعدی کمک‌ها به صورت تأمین اجتماعی صورت پذیرد. مطالعات ما نشان می‌داد با اصلاح قیمت حامل‌های انرژی طبقات متوسط متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند که در ابتدای اجرای طرح، تعادل بودجه‌ای آنها را به هم می‌ریزد. البته طبقات غنی بیشتر متحمل هزینه می‌شدند اما آنها تاب و تحمل افزایش هزینه‌ها را داشتند (بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید طبقات متوسط را نیز حمایت کنیم). واقعیت این بود که اگرچه در ظاهر دهک ۵ دهک میانی است اما از لحاظ درآمدی دهک ۷ دهک میانی کشور است. نکته بعد مربوط به سازکار مالی و اجرایی قانون هدفمندی یارانه‌ها بود که به‌عنوان عمده‌ترین اختلاف میان دولت و مجلس مطرح بود. نظر دولت این بود که منابع یارانه‌ها باید به صندوقی که به صورت هیأت امنایی اداره می‌شود واریز شود اما مجلس معتقد بود این منابع باید به حساب خاصی تحت عنوان «حساب هدفمندسازی یارانه‌ها» واریز شده و در قالب قوانین بودجه سنواتی برای مصارف پیش‌بینی شده اختصاص یابد. اما دولت معتقد بود این منابع نباید وارد بودجه سنواتی شوند زیرا مجدداً نگاه بخش دولتی و همچنین نگاه منطقه‌ای نمایندگان آن را به سمت دیگر موضوعات مورد نظر آنها سوق می‌دهد. این اختلاف در ابتدای هدفمندسازی یارانه‌ها منجر به تشکیل کمیته کاری ۶ نفره برای حل اختلاف شده و سپس ارجاع کار به شورای نگهبان کشید و در نهایت روش فعلی به وجود آمد. به طوری که در حال حاضر هرساله منابع هدفمندسازی یارانه‌ها توسط

دولت معتقد بود اگر مالیات و عوارض هم در این عدد باشد، بخش زیادی از این رقم باید بابت عوارض و مالیات پرداخت شود. در واقع این ارقام به جیب دولت و نه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها می‌رود. در نهایت آقای احمدی‌نژاد نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب نوشتند و با دستور ایشان موضوع بین رئیس جمهور و رئیس مجلس مطرح و در قالب توافق آنها موضوع حل شد. یعنی نظر آقای احمدی‌نژاد پذیرفته شد. نکته بعدی این بود که مجلس از دولت می‌خواست قیمت‌های اصلاحی حامل‌ها مثلاً بنزین، گازوئیل و سایر حامل‌ها برای سال اول در متن لایحه گنجانده شود. اما دولت مخالف بود چرا که معتقد بود اگر قیمت‌ها در آن تاریخ مطرح می‌شد مدیریت بعدی آن غیرممکن بود. برای مثال اگر ما در آن سال می‌گفتیم می‌خواهیم قیمت بنزین را از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان افزایش دهیم بر اساس تجربه‌های موجود آثار منفی آن کاملاً محسوس بود. مخالفت دولت باعث اضافه شدن تبصره‌ای در خصوص سقف و کف درآمد حاصل از تغییر قیمت حامل‌ها در قانون شد. موضوع بعدی فرمول پیشنهادی دولت در باز توزیع درآمد بود به



دولت معتقد بود اگر مالیات و عوارض هم در این عدد باشد، بخش زیادی از این رقم باید بابت عوارض و مالیات پرداخت شود.

نمایندگان مجلس در قالب قوانین بودجه سنواتی بازتوزیع می‌شود و عملاً سازکار مشخصی بر آن حاکم نیست. این سازکار منابع مالی موجود هدفمندسازی یارانه‌ها را به حذف یارانه‌ها تبدیل کرده است.

نگاه تیولداری زنگنه به وزارت نفت!

چیزی که در شروع دولت آقای روحانی (واریز منابع درآمدی حامل‌ها به حساب خزانه) به مذاق وزرای این دو دستگاه (نفت و نیرو) خوش نیامد و روال آن را ابتدا تغییر دادند. به همین دلیل وزارت اقتصاد در پرداخت یارانه‌ها در سال‌های ۹۲ و ۹۳ دچار مشکل شد. به طور کلی وزیر نفت جدید آقای بیژن زنگنه، نگاهش به وزارت نفت تیولداری بود؛ یعنی آقای زنگنه فکر می‌کرد تمام تصمیمات در حوزه نفت باید توسط شخص وی اتخاذ شود و گوش شنوایی هم نداشت! لذا جای هرگونه تفاهم و تبادل نظر را بسته بود و به بزرگترین مانع اجرای طرح تبدیل شده بود.

اصلاح شیوه توزیع یارانه‌ها

نگران سیاه نمایی‌هایی بودیم که در خصوص طرح صورت می‌گرفت. البته با حجم بالای اطلاع‌رسانی و نشست‌هایی که برگزار می‌کردیم این سیاه نمایی‌ها را جبران می‌کردیم. صحبت کردن با مردم و نخبگان کشور چندین ویژگی مثبت داشت. اول اینکه آنها نظرات و دیدگاه‌هایی داشتند که با واقعیت‌های طرح آشنا می‌شدند. دوم اینکه عموماً می‌توانست در اجرا خیلی به ما کمک کند. ضمن اینکه با این کارها تا حد زیادی جلوی شایعات را هم می‌گرفتیم. برای مثال به یاد دارم که پس از انجام طرح خوشه‌بندی‌ها برای سخنرانی در بین روحانیون به مدرسه فیضیه قم رفتم. در آنجا پس از پایان صحبت‌های من تعدادی از طلبه‌های جوان مرا به صرف شام دعوت کردند. طبیعتاً آنها حقوق‌های

بسیار پایینی داشتند به طوری که در آن سال حقوق ماهانه آنها بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان بود، با این حال بعد از اعلام نتایج طرح خوشه‌بندی بسیاری از آنها در خوشه سوم قرار گرفته بودند. به من می‌گفتند: «ما در خوشه سوم قرار گرفتیم اما کسبه محل یا برخی از آشنایان ما که ده‌ها برابر ما درآمد دارند در خوشه اول هستند.» در جلسه دیگری که با مدیران بخش‌های مختلف صداوسیما داشتیم نیز شاهد وجود چنین مشکلات و اعتراضاتی بودم. مشاهده این موارد و انعکاس‌های مردمی اینچنینی باعث شد تا بعدها در روش و چگونگی توزیع یارانه تغییراتی ایجاد کنیم. در آن سال‌ها مجلس شورای اسلامی هم کمیسیونی در این زمینه تشکیل داد و موضوع در آنجا هم پیگیری می‌شد.

مقاومت برخی دستگاه‌ها در پرداخت سهم هدفمندی یارانه‌ها

از ابتدا بدنه دولت یک موضع انتقادی داشت و به تدریج با تقویت بحث‌های کارشناسی در جلسات کارگروه‌ها، بدنه کارشناسی هم همراه شد و تا پایان طرح هم همکاری خوبی داشتند. وزارتخانه‌های نفت و نیرو دهه‌ها بود که معتقد به افزایش قیمت حامل‌ها بودند ولی خوب بدیهی بود که می‌خواستند سهم عمده افزایش، نصیب دستگاه خودشان شود. اینجا محل اختلاف ما با آنها در کارگروه بود. لذا در سهم بری دستگاه‌هایی مانند وزارت نیرو از برق و وزارت نفت، بحث حسابرسی و محاسبه قیمت تمام شده را مطرح کردیم. با شروع طرح در اخذ درآمد یارانه‌ها از این دو وزارتخانه دچار مشکل شدیم. به همین دلیل نظام مالی طرح را به گونه‌ای طراحی کردیم که درآمد حاصل از فروش حامل‌ها مانند بنزین، گازوئیل، برق، گاز و سایر به حسابی در خزانه واریز می‌شد و کارگروه ابتدا سهم یارانه‌ها را برمی‌داشت و سپس سهم این دو دستگاه را می‌داد.



لذا در سهم بری دستگاه‌هایی مانند وزارت نیرو از برق و وزارت نفت، بحث حسابرسی و محاسبه قیمت تمام شده را مطرح کردیم.

رؤسای اتاق‌های بازرگانی استانی بررسی شد

گندم؛ قربانی بزرگ سیل

رجانه یاسینی

کشور چین طی چهار دهه با رشد مستمر و بالا، به بزرگ‌ترین اقتصاد تولیدکننده، تجارت‌کننده کالا، همچنین بزرگ‌ترین نگهدارنده ذخایر ارزی در جهان تبدیل شده است سوال اساسی این است که دولت چین چگونه از سرمایه‌گذاری و تولید حمایت کرده و با چه سیاست‌هایی توانست به چنین پیشرفت عظیم اقتصادی دست پیدا کند فرضیه‌ها و پاسخ‌های احتمالی زیادی برای این سوال مطرح می‌شود که در ادامه می‌خوانید.

است. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، ۲۸،۲ درصد از شاغلان گلستان در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. جدیدترین گزارش از وضعیت اشتغال به پاییز ۹۷ برمی‌گردد. در این فصل نرخ بیکاری در استان گلستان ۱۰،۷ درصد بوده است.

به گفته او شهرک صنعتی آق قلا هم آسیب زیادی دیده است. یوسفی می‌گوید: «از طرف دیگر لایه‌های غنی خاک دچار آسیب شدید می‌شوند و به جز از بین رفتن محصولات، کشاورزان آسیب‌های بلندمدت این چینی هم می‌بینند. به جز زمین‌های کشاورزی، بخش زیادی از آسیب‌ها هم به شهرک صنعتی آق قلا برمی‌گردد. بخش زیادی از این شهرک دچار آب گرفتگی شد و خسارت خیلی زیادی به ماشین‌آلات، زیربناها و تجهیزات کارخانجات وارد شد و حالا بسیاری از آن‌ها غیرقابل استفاده است. بیشتر این کارخانجات در حوزه صنایع غذایی فعال بوده‌اند.»

بنا بر توضیحات نایب رئیس اتاق گرگان، اقتصاد کل کشور از سیل در استان گلستان متأثر خواهد شد. یوسفی می‌گوید: «ما دومین استان در کل کشور برای تولید گندم هستیم و بعد از استان فارس بالاترین میزان تولید گندم را داریم. با توجه به آسیب مزارع کشاورزی استان ما، عملاً برای تأمین بخشی از نیاز کشور دچار کمبود خواهیم شد. توجه داشته باشید که سیل به صورت آب‌های روان است و از قسمتی به قسمت دیگر منتقل می‌شود و مزارع زیادی باز هم تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. به جز محصولاتی که تا به حال از بین رفته، باز هم تلفات محصول خواهیم داشت.»

سیل بیکاری؛ بزرگترین خطر پیش روی خوزستان

فرامرز احمدی، نایب رئیس اتاق بازرگانی اهواز در گفت‌وگو با «ایران» تبعات سیل برای اقتصاد استان خوزستان را چنین توضیح می‌دهد: «طبیعی است

سیل ۶ هزار و ۱۶۶ میلیارد تومان تا روز گذشته به کشاورزی ۱۶ استان خسارت زد. این عدد نه تنها بسیار بزرگ، بلکه ترسناک و دامنه تبعات آن برای اقتصاد کل کشور گسترده است. گفت‌وگوی «ایران» با رؤسای اتاق‌های بازرگانی ۶ استان که شدیدترین جریان سیل را تجربه کرده‌اند، جریان سیل ابعاد مختلف این آسیب‌های اقتصادی را روشن می‌کند. بهار، فصل برداشت محصولات کشاورزی بوده و حالا از این محصولات در استان‌های گلستان، ایلام، خوزستان و لرستان چیز زیادی باقی نمانده است. بیشتر این محصولات هم گندم بوده و پیش‌بینی می‌شود که در کوتاه مدت واردات گندم لازم شود. از طرف دیگر نرخ بیکاری در بعضی از استان‌هایی که سیل بیشترین آسیب را به اقتصاد آنها وارد کرده، بالاست و با از بین رفتن محصولات و تخریب زمین‌های کشاورزی، اوضاع اشتغال در آنها سخت‌تر خواهد شد.

کشاورزی گلستان و شهرک صنعتی آق قلا زیر آب

امیر یوسفی، نایب رئیس اتاق بازرگانی گرگان به می‌گوید: «با توجه به این‌که اقتصاد استان کشاورزی است و تمام مشاغل مرتبط با آن باز هم به وضعیت کشاورزی استان برمی‌گردد، تمام این سیل اولین آسیبی که رسانده است به زمین‌های کشاورزی استان بوده است. به جز این‌که منازل مسکونی دچار خسارت خیلی زیادی شدند ولی بخش کشاورزی مان کامل از بین رفته است. بالغ بر ۲۳۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی دچار سیل زدگی شدند که نزدیک به ۱۳۰ هزار هکتار از محصولات شان کاملاً غیرقابل برداشت است. بیشترین آسیب هم در زمان برداشت این محصولات که در بهار است، خورده است. گندم، جو و کلزا عمده این محصولات بوده‌اند. اردیبهشت ماه به بعد زمان برداشت محصولات بوده اما حالا کل محصولات شان از بین رفته است و غیرقابل استفاده



خوزستان بین ۵ استان اول کشور از نظر بیکاری جا می‌گیرد. با توجه به این‌که خیل عظیمی از جمعیت کشور از طریق کشاورزی ارتزاق می‌کردند، حالا آنها هم به جمعیت بیکار قبلی افزوده می‌شوند.

که خاصیت سیل مهار نشده، ویرانگری است. بخش عظیمی از مزارع استان خوزستان و تأسیسات آن از بین رفته و بخش کشاورزی خسارت هنگفتی متحمل شده است. در حال حاضر دستور داده‌اند که علاوه بر ۱۰ روستا ۶ شهر هم باید تخلیه شود تا از جان انسان‌ها محافظت شود. در مرحله بعد هم اقداماتی انجام می‌شود که تا جای ممکن از تأسیسات محافظت شود. احمدی با تأکید بر این که کشاورزان محصولات پر باری داشتند، ادامه می‌دهد: «عمده محصولات این مزارع گندم و صیفی‌جات بوده اما مهم‌ترین محصولی که از بین رفته، گندم بوده است.

از قضا امسال سال بسیار پرمحصولی برای کشاورزان بوده و در سال‌های اخیر هرگز چنین محصولی نداشته‌اند. اما حالا تمام آن از بین رفته است.» بر اساس صحبت‌های نایب رئیس اتاق اهواز، اقتصاد کل کشور تحت تأثیر سیل اخیر قرار خواهد گرفت. احمدی می‌گوید: «خوزستان یکی از بزرگترین تولیدکننده‌های گندم در کشور است و همیشه بالاترین میزان تولید را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر تأمین نیاز جمعیت ۵ میلیون نفری خوزستان، به استان‌های دیگر هم گندم صادر و سیلوهای بقیه را پر می‌کرده است. به همین خاطر در اثر سیل هم به اقتصاد استان لطمه شدیدی وارد و هم به اقتصاد کشور آسیب رسیده است.

در سال‌های اخیر محصولات خوزستان در خودکفایی گندم نقش بسیار زیادی داشته اما حالا که این محصولات از بین رفته، پیش‌بینی می‌کنیم که شاید در آینده نزدیک مجبور شویم که برای گندم هم واردکننده باشیم.» بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، ۲۰.۱ درصد از جمعیت خوزستان در بخش کشاورزی اشتغال دارند. همچنین گزارش نیروی کار پاییز ۹۷ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در استان خوزستان ۱۴.۷ درصد و ۳ درصد بالاتر از میانگین کشوری است.

در حال حاضر هم خطر دیگری که شهرهای استان‌های جنوبی را تهدید می‌کند، سیل بیکاری در پس سیل ویرانگر اخیر است.

احمدی می‌گوید: «متأسفانه مردم ما تنها ممر زندگی شان همین کشاورزی و دامداری بوده است. خوزستان بین ۵ استان اول کشور از نظر بیکاری جا می‌گیرد. با توجه به این که خیل عظیمی از جمعیت کشور از طریق کشاورزی ارتزاق می‌کردند، حالا آنها هم به جمعیت بیکار قبلی افزوده می‌شوند.» او با بیان این که خرابی‌ها رو به افزایش است، می‌گوید: «به همین خاطر نیاز است که دولت و مسئولین توجه ویژه به وضعیت اشتغال این استان داشته باشند و بخش زیادی از مردمی را که بیکار شده‌اند، در بخش‌های مختلف به کار بگیرند. طبق اعلام سازمان جهاد کشاورزی تا پریشب چیزی حدود ۷۴۹۰ میلیارد تومان بخش کشاورزی آسیب دید. تا به حال قطعا این خسارت‌ها بیشتر شده چرا که میزان خرابی‌ها گسترش پیدا

می‌کند. به موازات این که از درجه سدها میزان دبی آب افزایش پیدا می‌کند، خسارات هم بیشتر می‌شود.»

تخریب زمین‌های کشاورزی شدیدترین خسارت اقتصادی ایلام

شعبان فروتن، رئیس اتاق بازرگانی ایلام به «ایران» می‌گوید: «بخش کشاورزی ما بسیار آسیب دیده است. منابع آبی و لوله‌گذاری‌ها خسارت دیده‌اند. زیرساخت‌های بعضی از شهرستان‌ها از بین رفته و پل‌ها تخریب شده‌اند.

خیلی از زمین‌های کشت گندم، جو و کلزا از بین رفته‌اند. حساب کنید که یک فرد بومی اگر زمین داشته، زیر آب رفته است.

اگر دام داشته، از بین رفته است. در هر زمینی هم صاحب آن بیکار شده هم کارگرهایی که روی آن کار می‌کنند.» او ادامه می‌دهد: «آمار دقیق‌شان را نداریم ولی در شهرهای ما در طرف‌های دهلران، ایوان و... میزان تخریب زمین‌های کشاورزی خیلی زیاد بوده است. با این حال اگر اطلاع‌رسانی‌ها انجام نمی‌شد، شاید اتفاقات خیلی ناگوارتری پیش می‌آمد و الآن خسارات جانی بسیار زیادی هم داشتیم.»

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، ۲۳.۵ درصد از شاغلان ایلام در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش پاییز ۹۷، نرخ بیکاری در استان ایلام ۱۰.۶ درصد بوده است.

فروتن معتقد است که با این تخریب‌ها، قیمت محصولات افزایش خواهد یافت و برای مدیریت کالاهای اساسی باید جلوی صادرات برخی محصولات را گرفت.

او می‌گوید: «تخریب مزارع حتماً در قیمت محصولات کشاورزی بسیار مؤثر خواهد بود.

پیارا را دیدید که قیمت آن چطور بالا رفت. من فکر می‌کنم برای تأمین نیاز داخلی، امروز که کشاورزی و زیرساخت‌های ما از بین رفته‌اند، جلوی صادرات را باید گرفت.»

رئیس اتاق بازرگانی ایلام ادامه می‌دهد: «من خودم متولی صادرات هستم ولی حالا که ممکن است مردم متضرر شوند و برای کالاهایی مثل گوجه، پیاز و سیب زمینی مشکل ایجاد شود، باید جلوی صادرات را گرفت تا به تعادل عرضه و تقاضا برسیم. این طبیعی است که سیل آمده و همه دشت‌ها را گرفته و قطع به یقین قربانی‌هایی دارد اما از این جای کار به بعد دیگر بالای طبیعی نیست. باید مدیریت کرد تا برای مردم کم درآمد و آنهایی که مشکلات معیشتی دارند، سختی‌های بیشتری ایجاد نشود.»

صنعت و کشاورزی شیراز و همدان؛ مصون از سیل



ما دومین استان در کل کشور برای تولید گندم هستیم و بعد از استان فارس بالاترین میزان تولید گندم را داریم. با توجه به آسیب مزارع کشاورزی استان ما، عملاً برای تأمین بخشی از نیاز کشور دچار کمبود خواهیم شد.

شوک این سیل و آسیب‌های آن از روند معمولی پیش از نوروز خارج شده و نیاز به بازسازی در ذهن و عمل دارد. زندگی اقتصادی غیر عادی در لرستان دست کم تا بهار امسال ویژگی اقتصادی این استان است و باید منتظر ماند و دید که مدیران دولتی چه تمهیداتی می‌اندیشند.»

۶۰۰۰

میلیارد تومان

سیل به کشاورزی

۱۶ استان تا روز گذشته

آسیب زد.

۴۷۹

میلیارد تومان

کمک بلاعوض برای جبران خسارت سیل به کشاورزی گلستان و مازندران

۱۸۰

درصد بارندگی‌ها

در نیمه نخست سال آبی افزایش یافت.

۱۳۰۰۰

کیلومتر راه

در سیلاب‌های اخیر استان‌های کشور خسارت دیدند.

یوسفی، نایب رئیس اتاق بازرگانی گرگان: بالغ بر ۲۳۰ هزار هکتار از زمین‌های کشاورزی دچار سیل زدگی شدند که نزدیک به ۱۳۰ هزار هکتار از محصولات شان کاملاً غیرقابل برداشت است. عمده این محصولات گندم، جو و کلزاست.

فروتین، رئیس اتاق بازرگانی ایلام: خیلی از زمین‌های کشت گندم، جو و کلز از بین رفته‌اند. برای تأمین نیاز داخلی، امروز که کشاورزی و زیرساخت‌های ما از بین رفته‌اند، جلوی صادرات را باید گرفت.

احمدی، نایب رئیس اتاق بازرگانی اهواز: مهم‌ترین محصولی که از بین رفته، گندم است.

امسال سال بسیار پرمحصولی برای کشاورزان بوده و در سال‌های اخیر هرگز چنین محصولی نداشته‌اند. سلاح ورزی، رئیس اتاق بازرگانی لرستان: از کل خسارت سیل به کشاورزی کشور نزدیک به ۱۲ درصد به بخش کشاورزی لرستان بوده که رقمی معادل ۵۰۰ میلیارد تومان است که جبران آن برای کشاورزان این استان دشوار است.

علی اصغر زبردست، رئیس اتاق بازرگانی اتاق همدان می‌گوید: «در استان همدان در حوزه‌های اقتصادی مربوط به معیشت مردم مانند کشاورزی خسارت زیادی نداشتیم. بیشتر خسارات، برای راه‌ها بوده است.»

به گفته جمال رازقی، رئیس اتاق بازرگانی شیراز، اقتصاد این استان هم آسیب زیادی ندیده است. او چنین توضیح می‌دهد: «داستان سیل شیراز، خسارت بزرگ اقتصادی نیست. بیشتر خسارات این شهر اقتصادی بود.»

البته در حوزه مسکن در شمال شرقی شهر اثراتی داشته که هلال احمر، دولت و مقام رهبری اعلام کرده‌اند که کمک‌های اضطراری انجام می‌دهند ولی برای کشاورزی و صنعت استان آثار اقتصادی به جا گذاشته است. اما آنچه در سایر استان‌ها پیش آمده، به اعتقاد رئیس اتاق شیراز قیمت کالاها را در سایر استان‌ها هم تحت تأثیر قرار خواهد داد. رازقی می‌گوید: «وضعیت کشاورزی استان‌های مجاور در کوتاه مدت یقیناً روی قیمت کالاها و برخی مواد غذایی اثر می‌گذارد اما به نظر می‌رسد که در بلندمدت از این بخش، دچار زیان نشویم.»

آسیب به اقتصاد لرستان، بیشتر از استان‌های دیگر

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار، ۲۴ درصد از شاغلان لرستان در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش پاییز ۹۷ نرخ بیکاری در استان لرستان ۱۲٫۸ درصد و ۱۰٫۱ درصد بالاتر از میانگین کشوری بوده است.

حسین سلاح ورزی، رئیس اتاق بازرگانی لرستان هم روز گذشته در بخش‌هایی از صحبت‌ها گفته بود: «واقعیت این است که سطح و عمق تخریب زیربنای استان حتی شاید بیشتر از برخی استان‌های دیگر باشد.

با توجه به اینکه اقتصاد لرستان در مقایسه با استان فارس یا استان خوزستان ضعیف‌تر و سطح توسعه یافتگی آن کمتر است به همان نسبت آسیب‌های وارده به نسبت تولید ناخالص داخلی استان بیشتر خواهد بود. برآوردهای نخستین نشان می‌دهد از کل خسارت ۴۵۰۰ میلیارد تومانی بر بخش کشاورزی نزدیک به ۱۲ درصد آن به بخش کشاورزی لرستان بوده است که رقمی معادل ۵۰۰ میلیارد تومان است که جبران آن برای کشاورزان این استان دشوار است.

بدیهی است که فعالیت‌های اقتصادی شامل فعالیت بنگاه‌ها و خانوارهای لرستانی در روزهای آتی به دلیل



اولین ریسک، تهدید پایداری بازار نفت است؛ چراکه با رشد قیمت‌ها احتمال بازگشت تولیدات نفت شیل و افزایش سطح عرضه تقویت می‌شود. موضوعی که می‌تواند روند

عاقبت نفتی...

موج دستگیری‌ها در خاندان سلطنتی سعودی، احتمال وقوع درگیری‌های داخلی در عربستان را افزایش داده است و پرتاب موشک‌های یمنی به خاک عربستان که از سوی مقامات سعودی به ایران نسبت داده شد موضوعاتی است که احتمال وقوع درگیری در منطقه را افزایش می‌دهد. رشد بهای نفت هرچند خبر خوبی برای صادرکنندگان نفتی محسوب می‌شود، اما ادامه جهش‌های پرتاب می‌تواند ریسک‌هایی را به همراه داشته باشد در ادامه در مورد این ریسک‌ها بخوانید.

رشد قیمت نفت به معنای بودجه بیشتر برای واردات تسلیحات نظامی نیز هست، این یعنی احتمال افزایش تنش‌ها در منطقه بیشتر می‌شود. اینها ریسک‌های احتمالی است که ممکن است به دنبال شوک قیمتی در بازار نفت رخ دهد؛ ریسک‌هایی که تحولات اخیر منطقه احتمال وقوع آنها را بیشتر می‌کند.

*** نفت چطور ۶۴ دلاری شد؟

نفت روز دوشنبه نزدیک به ۳ درصد رشد کرد و به بیشترین سطح طی دو سال و نیم گذشته رسید. بر این اساس، بهای نفت خام آمریکا در پایان این روز با ۱۰٫۷ دلار رشد به ۵۷٫۳۵ بر بشکه رسید و شاخص نفت برنت نیز با رشد ۲٫۲ دلاری در قیمت ۶۴٫۲۷ دلار بر بشکه به فروش رسید. روز گذشته نیز نفت توانست این سطوح قیمتی را حفظ کند و حول و حوش همین قیمت‌ها نوسان کرد. دو ریسک ژئوپلیتیک عامل افزایش قیمت‌ها بود؛ اول تحولات داخلی عربستان و دوم حمله موشکی یمن به این کشور.

محمد بن سلمان، ولیعهد قدرت طلب عربستان سعودی، در دستور دستگیری تعدادی از وزرا، شاهزادگان و سرمایه‌گذاران سعودی را صادر کرد که برخی از آن با عنوان «فاز اول مبارزه با فساد» یاد کردند. در واقع گفته می‌شود بن سلمان این اقدام را برای مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام داده است. این در حالی است که شواهد بسیاری از بالا گرفتن جنگ قدرت در لایه‌های خاندان سعودی خبر می‌دهند و دستگیری‌های اخیر نیز از نشانه‌های وقوع این جنگ است. این تحولات در حال حاضر بر سیاست‌های نفتی عربستان تاثیر نخواهد داشت، چراکه بن سلمان پیش از این خود از تمديد توافق اوپک حمایت کرده بود. با این حال وقایع اخیر عربستان احتمال بیشتر شدن تنش در داخل عربستان و وقوع درگیری‌های

اولین ریسک، تهدید پایداری بازار نفت است؛ چراکه با رشد قیمت‌ها احتمال بازگشت تولیدات نفت شیل و افزایش سطح عرضه تقویت می‌شود. موضوعی که می‌تواند روند افزایشی قیمت نفت را دچار گسست کند. دوم آنکه، اصلاحات اقتصادی اجباری در زمان افت قیمت‌ها و کاهش سهم نفت در بودجه کشورهای نفتی ممکن است با رشد قیمت نفت نیمه‌کاره رها شود و وابستگی این کشورها به نفت مجدداً افزایش یابد. ریسک آخر که می‌تواند از دو مورد قبلی پرمخاطره‌تر باشد، احتمال افزایش درگیری‌های منطقه‌ای است؛ چراکه با افزایش قیمت‌ها کشورهای منطقه هم پول بیشتری برای هزینه‌های نظامی خود دارند و هم اینکه ترغیب می‌شوند با تشدید تنش‌های منطقه قیمت نفت را بالا نگه دارند.

«قیمت نفت ۶۴ دلار شد.» این خبری است که روز دوشنبه فضای رسانه‌ای دنیا را پوشش داد. اما هرچند رشد قیمت‌ها خوشحالی کشورهای تولیدکننده نفت را به دنبال دارد، همزمان آژیر خطر را نیز در این کشورها به صدا در می‌آورد. بهای نفت ظرف ۴ ماه گذشته بیش از ۴۲ درصد رشد کرده است، این رشد شدیدی است و در صورت تداوم می‌تواند فتیله تحولات دیگری را روشن کند.

در واقع با وجود حضور تولیدکنندگان نفت شیل در آمریکا، رشد قیمت نفت به معنای افزایش پتانسیل افت قیمت‌ها نیز هست؛ این یعنی خروج دوباره کنترل بازار نفت از دست اوپک. اما این تنها ریسک بازاری رشد قیمت‌ها است. تهدیدهای نفت‌گران برای کشورهای منطقه ممکن است بسیار خطرناکتر از تهدیدهای بازاری آن باشد. رشد قیمت نفت می‌تواند موجب رها شدن اصلاحات اقتصادی باشد که ظرف دو سال گذشته در کشورهای نفت خیز آغاز شده است، این یعنی وابستگی بیشتر به نفت و ادامه مسیری که سال‌ها است این کشورها طی کرده‌اند. اما



محمد بن سلمان، ولیعهد قدرت طلب عربستان سعودی، در دستور دستگیری تعدادی از وزرا، شاهزادگان و سرمایه‌گذاران سعودی را صادر کرد که برخی از آن با عنوان «فاز اول مبارزه با فساد» یاد کردند. در واقع گفته می‌شود بن سلمان این اقدام را برای مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام داده است.

قیمت نفت در مسیر افزایشی قرار گرفته و تاکنون حدود ۴۲ درصد رشد کرده است. رشد شدید تقاضا برای نفت، کاهش موجودی انبارهای نفتی، احتمال تمدید توافق اوپک و ریسک های ژئوپلیتیک (احتمال تحریم مجدد ایران، درگیری بین اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق و وقایع اخیر) مهم ترین اهرم رشد قیمت نفت محسوب می شوند. اما رشد ۴۲ درصدی نفت در بطن خود خطراتی را نیز برای بازار و همچنین شرایط کشورهای منطقه دارد. تهدیدهایی که به سه دسته تقسیم می شوند. دسته اول خطر متزلزل شدن مجدد بازار نفت است.

*** سه ریسک بازاری رشد قیمت نفت

ریسک های بازاری رشد شدید قیمت ها را می توان در سه دسته تقسیم کرد. اول اینکه در حال حاضر احتمال افزایش تولید نفت شیل و بازگشت مازاد عرضه به بازار نفت بیش از هر زمان دیگری شده و این می تواند بار دیگر کنترل بازار نفت را از دست اوپک خارج کند. تعداد دکل های حفاری در آمریکا هفته گذشته ۸ مورد کاهش یافت و به ۷۲۹ دکل رسید، برخی با استناد به آمار ماهانه تولید نفت این کشور که به شکل قابل توجهی از آمار هفتگی کمتر است و همچنین توقف رشد تولید دکل ها، اعلام می کنند که تولیدکنندگان شیل بالاخره به بحران تولید رسیده اند و آقدری که گمان می شد نمی توانند تولید کنند.

این نظرات در حالی مطرح می شود که تعداد دکل های فعال در میدین نفتی آمریکا همچنان حدود ۶۲ درصد بیشتر از تعداد آنها در سال گذشته است. این موضوع به معنای پتانسیل بالای رشد تولید نفت آمریکاست. تولید نفت این کشور بر اساس گزارش هفته گذشته اداره اطلاعات انرژی آمریکا ۴۶ هزار بشکه افزایش یافته و به ۹/۵۵ میلیون بشکه در روز رسیده و بسیاری از برآوردها از ادامه آن و رسیدن به ۱۰ میلیون بشکه در روز در سال آینده خبر می دهند. نفت ۶۰ دلاری می تواند قدرت رشد تولیدات شیل را بیشتر کند و کنترل بازار بار دیگر در دستان تولیدکنندگان شیل قرار گیرد.

عامل دوم به بازار آتی باز می گردد. در حال حاضر تعداد معاملات انتظار برای رشد قیمت ها در بازار آتی نفت به رکورد کم سابقه ای رسیده و این خود هرچند تا کنون به رشد قیمت ها کمک کرده است اما در حال حاضر تهدید بزرگی نیز برای بازار نفت محسوب می شود. در واقع با انباشته شدن تعداد قراردادهای در موقعیت انتظار برای رشد قیمت نفت یا همان آپشن خرید (Long Position) احتمال فروش این قراردادها و افت قیمت ها بسیار زیاد می شود. از این رو کارشناسان UBS در یادداشتی اعلام کردند: «در صورتی که تهدیدهای عربستان و تنش های این کشور با یمن افزایش نیابد، قیمت نفت به زیر ۶۰ دلار خواهد رسید.»

داخلی در این کشور را افزایش داده است. موضوعی که می تواند به شدت بر بهای نفت اثر گذار باشد. اما این تنها بخشی از وقایع روزه های گذشته است. همزمان با وقایع عربستان، نیروهای ارتش یمن و انصارالله، ریاض را مورد حمله موشکی قرار دادند. هرچند که موشک پرتاب شده توسط پدافند ضد موشکی ریاض منهدم شد و خسارتی به دنبال نداشت، اما این اتفاق نگرانی ها از افزایش تنش در منطقه به خصوص بین ایران و عربستان را افزایش داده است. چراکه ابتدا دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و سپس مقامات سعودی با طرح ادعاهایی این حمله موشکی را به ایران ربط دادند. عربستان سعودی می گوید موشک دوربرد حوثی های یمن را اقدام نظامی مستقیم از طرف ایران تلقی می کند و حق تلافی را برای خود محفوظ می داند.

احتمال وقوع جنگ در منطقه ای که قلب ذخایر نفت جهان محسوب می شود عاملی نیست که بازار نفت آن را نادیده بگیرد. توماس وارگا، تحلیلگر PIV OIL در گفت وگو با رویترز می گوید: مجموع تولید دو کشور حدود ۱۴ میلیون بشکه در روز است، طبیعی است که زمانی که این دو کشور روبه روی هم قرار می گیرند و مستقیم به هم خیره می شوند قیمت نفت جهش کند. به گفته ناظران بازار احتمال وقوع درگیری بین ایران و عربستان حتی از وقایع رخ داده در خاندان سعودی نیز برای بازار نفت با اهمیت تر است. به گزارش رویترز، اولیور یاکوب، استراتژیست موسسه Petromatrix، می گوید: «عربستان سعودی واقعا قصد دارد اقداماتی علیه ایران شروع کند و این به نظر من بسیار بیشتر از مساله داخلی این کشور بر بازار نفت اثر گذار است.» به گفته این کارشناس بازار نفت، این موضوع می تواند به دو شکل در بازار اثر گذار باشد. اول اینکه ریسک های ژئوپلیتیک عرضه جهانی نفت را افزایش می دهد و دوم، نگرانی داشتن توافق و اجماع در اوپک را دشوارتر می کند. اشاره یاکوب به توافقی است که اعضای اوپک با برخی متحدانشان در خارج از این سازمان انجام دادند تا عرضه جهانی نفت در روزانه ۱۰۸ میلیون بشکه کاهش دهند. این ایده در حالی مطرح می شود که اوپک معمولا تلاش می کند مشکلات و درگیری های داخلی بین اعضا بر تصمیمات این سازمان اثر گذار نباشد. به طور مثال در زمان جنگ ایران و عراق با وجود اینکه تنش ها بین دو کشور در بیشترین سطح خود قرار داشت اما این اختلافات در نشست های اوپک و تصمیمات این سازمان تاثیرگذار نبود.

*** ۴۲ درصد رشد قیمت نفت

بهای نفت برنت ۲۲ ژوئن مصادف با اول تیر به ۴۵ دلار بر بشکه رسید. در آن زمان نگرانی از افزایش تولید نفت شیل، رشد تولیدات لیبی و نیجریه و ضعف در سمت تقاضای بازار نفت در نیمه اول سال موجب افت قیمت ها شده بود. با این حال درست از آن زمان



این نظرات در حالی مطرح می شود که تعداد دکل های فعال در میدین نفتی آمریکا همچنان حدود ۶۲ درصد بیشتر از تعداد آنها در سال گذشته است. این موضوع به معنای پتانسیل بالای رشد تولید نفت آمریکاست.

جهانی در آخرین گزارش خود اعلام کرده، نقطه سر به سری قیمت نفت در غالب کشورهای حاشیه خلیج فارس در سال جاری بین ۵۰ تا ۷۰ دلار خواهد بود. به این معنا که بودجه این کشورها در قیمت های یادشده تامین می شود. این در حالی است که در سال ۲۰۱۴ یعنی زمانی که قیمت نفت شروع به کاهش کرد قیمت سربه سری این کشورها غالباً بالای ۱۰۰ دلار بود. با این حال از آنجا که این اصلاحات به دنبال فشارهای اقتصادی ناشی از افت قیمت نفت رخ داده، با افزایش مجدد قیمت ها احتمالاً بسیاری از آنها رها شده و وابستگی کشورهای تولیدکننده نفت به طلای سیاه مجدداً افزایش یابد.

*** افزایش تنش های خاورمیانه؟

خاورمیانه همواره محل درگیری و نزاع بوده است. دخالت قدرت های جهانی در نظم منطقه و همچنین اختلافات قومی و مذهبی موجب شده که همواره ریسک وقوع درگیری در این منطقه در سطح بالایی قرار داشته باشد. افت قیمت نفت و به دنبال آن فشارهای اقتصادی می تواند به کاهش تنش های منطقه ای چه از بعد داخلی و چه از بعد خارجی منجر شود. چراکه در شرایطی که به دلیل افت درآمدهای نفتی، کشورها نمی توانند هزینه های جاری خود را جبران کنند، وقوع جنگ های داخلی و خارجی می تواند هزینه ها را چند برابر کرده و دولت های منطقه را در تنگنای بیشتری قرار دهد. اما در شرایطی که قیمت نفت رشد می کند.

کشورهای منطقه از پشتوانه مالی بهتری برخوردارند و با این پشتوانه مالی جسارت بیشتری برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی خود دارند.

این موضوع می تواند یکی از عوامل وقوع تنش های داخلی عربستان در روزهای اخیر باشد. اما این درگیری ها همان طور که این روزها می بینیم به رشد قیمت نفت در بازارهای جهانی نیز منجر شده است.

از این رو می تواند این سیگنال را به کشورهای منطقه و به خصوص عربستان سعودی که پسر سلمان در آن مشغول یگه تازی است بدهد که تندروری بیشتر می تواند به رشد قیمت نفت و درآمد بیشتر منجر شود و این کشورها را به صرافت افزایش درگیری های منطقه ای بیندازد.

از سوی دیگر، هر چند گفته می شود نفت کالایی کم کشش است و رشد یا کاهش قیمت ها در کوتاه مدت نمی تواند بر میزان تقاضا برای آن اثرگذار باشد، با این حال رشد های اخیر می تواند رشد تقاضا برای نفت را که عامل افزایش قیمت ها بود متوقف کند. به طور مثال رشد شدید تقاضای چین یکی از عوامل افزایش قیمت نفت و کاهش مازاد عرضه در بازار نفت در ماه های اخیر بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۵ یعنی زمانی که قیمت نفت حدود ۵۰ دلار بود حدود ۲۴ میلیارد دلار برای گسترش ذخایر نفتی خود هزینه کرده و در حال حاضر حدود ۸۵۰ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره سازی نفت دارد. چین در سال جاری به شدت واردات خود را افزایش داد به طوری که حدود نیمی از رشد تقاضای جهانی را به خود اختصاص داده است. واردات نفت این کشور بیشتر از رشد تقاضای داخلی آن بوده و بخشی از آن در انبارهای آن ذخیره شده است. از این رو این احتمال وجود دارد که با رشد قیمت ها این کشور خرید نفت برای پر کردن ذخایر خود را کاهش دهد و موجب کاهش تقاضای جهانی نفت شود. همچنین ممکن است برخی کشورهای واردکننده نفت برای کاهش هزینه های خود اقدام به استفاده از ذخایر خود کنند. اما این تنها تاثیر احتمالی کوتاه مدت و آنی رشد قیمت نفت بر تقاضا است. رشد قیمت نفت می تواند بر اقتصاد جهانی تاثیر داشته و کاهش رشد جهانی اقتصاد را به دنبال داشته باشد چراکه معمولاً در شوک های قیمتی نفت، شاهد افزایش هزینه تولید در صنایع هستیم که کاهش رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

*** توقف مسیر اصلاحات اقتصادی؟

فشار افت قیمت نفت بر اقتصاد کشورهای نفتی به شروع یک دسته از اقدامات اصلاحی در این کشورها منجر شد. در دو سال اخیر غالب کشورهای نفت خیز تلاش کرده اند که برای جبران کسری بودجه، هزینه های خود را کاهش دهند و یکسری از ریخت و پاش های خود را متوقف کردند. به طور مثال، حداقل ۱۰ کشور از کشورهای خاورمیانه به اصلاح قیمت بنزین و کاهش یارانه سوخت اقدام کرده اند. نتیجه این اقدامات کاهش هزینه سربه سری قیمت نفت در بودجه کشورهای نفت خیز بوده است. آنطور که بانک



اورمیانه همواره محل درگیری و نزاع بوده است. دخالت قدرت های جهانی در نظم منطقه و همچنین اختلافات قومی و مذهبی موجب شده که همواره ریسک وقوع درگیری در این منطقه در سطح بالایی قرار داشته باشد.



چرا منابع صندوق‌های خطرپذیر در اوراق و بانک سرمایه‌گذاری شد؟

چند سال است که صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در جمع منابع مورد نیاز کسب و کارهای ریسک‌دار ناتوان مانده‌اند و اندک منابعی که در آنها وارد شده در اوراق با درآمد ثابت سپرده شده است، در چنین شرایطی عده‌ای برخلاف قانون برنامه ششم توسعه سعی می‌کنند این صندوق‌ها را با منابع بانکی مردم عادی پر کنند.

سازمان بورس اعلام کرد که این ارزش‌گذاری‌های غیرواقعی هستند و به هیچ وجه آن‌ها را قبول ندارد. این ارزش‌گذاری‌های غیرواقعی که عده‌ای با هدف سوداگری ریشه آن را بنا نهادند سبب شد که دید سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر به کسب و کارهای نو و حتی ایده‌های نو تیره و تار شود به طوری که در این سال‌ها حتی صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر نتوانستند منابع چندانی جمع کنند و عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند.

حال که این صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر خالی ماندند مسئولان در بازار سرمایه خبر از تأسیس ابزارهای جدید همچون Fund of funds و private equity funds برای تأمین مالی استارت‌آپ‌ها می‌دهند در حالی که این ابزارهای مالی موجب نمی‌شود که اعتماد از دست رفته سرمایه‌گذاران حرفه‌ای باز گردد. بسیاری از کارشناسان معتقدند برای حل این مشکل باید اعتماد سازی کرد و نه ابزار سازی؛ این اعتماد به دست نمی‌آید مگر اینکه ارزش‌گذاری‌های غیر واقعی و سوداگری‌ها از بین برود.

در چنین شرایطی عده‌ای در بازار سرمایه و بازار پول سعی دارند که صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر را با سپرده‌های بانکی مردم پر کنند. استدلال آن‌ها این است که منابع مورد نیاز صندوق‌های خطرپذیر آنقدر نیست که منابع بانکی را با ریسک‌های فزاینده رو به رو کند اما در عین حال خود این افراد که سرمایه‌گذاران حرفه‌ای به حساب می‌آیند به دلیل ریسک‌های بالای این صندوق‌ها حاضر نیستند ریالی از منابع شخصی‌شان به این صندوق‌ها برود و این تناقضی آشکار در سیاست‌های سرمایه‌گذاری این افراد است. جالب اینکه در برنامه ششم توسعه هر گونه سرمایه‌گذاری بانک‌ها و شرکت‌هایی که سهامدار عمده شأن بانکی هستند در صندوق‌های سرمایه‌گذاری از جمله صندوق‌های خطرپذیر منع شده است.

چند سال است که در فرابورس ایران ابزاری مالی با نام صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر یا به بیانی صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه تأسیس شده است تا منابعی که در این صندوق‌ها جمع می‌شود در کسب و کارهای با ریسک بالا و استارت‌آپ‌ها سرمایه‌گذاری شود اما در این مدت منابع بسیار اندکی در آن‌ها جذب شده و قسمت عمده همین منابع اندک، در اوراق با درآمد ثابت یا سپرده‌های بانکی که بدون ریسک هستند سرمایه‌گذاری شده است.

اما چرا سرمایه‌گذاران خبره و حرفه‌ای به این صندوق‌ها اعتماد نمی‌کنند و طی این سال‌ها حاضر نشدند در صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر سرمایه‌گذاری کنند؟ این سوال، پرسش بسیاری از فعالان بازار سرمایه که در حوزه مدیریت ریسک مطالعه می‌کنند است. چرا با اینکه افرادی خلاق و صاحب ایده در ایران وجود دارند کسی حاضر نیست با ورود منابع به صندوق‌های خطرپذیر روی ایده‌های آن‌ها (که طبیعتاً ریسک‌دار هم است) سرمایه‌گذاری کند؟

در سال‌های گذشته برخی بدون هیچ ایده‌ای نو کسب و کارهای اینترنتی خارجی را کپی کردند و عین آن را به ایران آوردند، آن کسب و کارهای غربی از نظر ارزش بازار در سطح بالایی قرار داشتند و مشکل از آنجایی قوت گرفت که برخی از صاحبان کسب و کارهای کپی که در ایران آمدند سعی کردند برای منافع شخصی با معاملاتی صوری اقدام به بالا بردن ارزش سهام خود کنند و با علم به این که ارزش نمونه خارجی بالاست سعی کنند ارزش خود را به صورت صوری بالا برند و ارزش‌گذاری‌هایی غیر واقعی را برای خود قائل شوند. آن‌ها تصور می‌کردند چون پلتفرم را کپی کردند می‌توانند ارزش بازاری آن کسب و کارها را هم کپی کنند و با این کار پولی به جیب زده و از کسب و کار خارج شوند اما وقتی آن‌ها سعی کردند از طریق عرضه در بورس یا فرابورس از قسمتی از سرمایه‌گذاری خود خارج شوند



در سال‌های گذشته برخی بدون هیچ ایده‌ای نو کسب و کارهای اینترنتی خارجی را کپی کردند و عین آن را به ایران آوردند، آن کسب و کارهای غربی از نظر ارزش بازار در سطح بالایی قرار داشتند.

نگاهی به عملکرد شوراهای و بررسی آنها

روابط کار از مباحثی است که به ویژه پس از انقلاب صنعتی در نظام اداره جوامع نقش کلیدی و مهمی داشته است. این نقش به خصوص از جنگ جهانی دوم به بعد، با توسعه صنعت و تکنولوژی و ایجاد توسعه خدمات، بسیار پیچیده تر و متنوع تر شده و در اداره جوامع اهمیت زیادی پیدا کرده است.

بیشتری قائل شد. زیرا انسان است که هویت وجودی سازمان را تشکیل می‌دهد و می‌تواند طبق میل و اراده خود محیطی به دور از تنش را ایجاد و در جهت روابط مطلوب، همکاری و مشارکت نماید.

افزایش کارآیی هر سازمان در گرو وجود یک محیط مناسب کاری به دور از تنش و برخورد بین طرفین کار می‌باشد. این مهم به انجام نمی‌رسد مگر از طریق یک سیستم مناسب که بتواند روابط بین کارگر و کارفرما را به صورت مطلوب تنظیم نماید. شوراهای اسلامی کار که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای قانون اساسی که توجه خاصی به نظام شورایی داشته است با سه هدف عمده (تأمین قسط اسلامی، همکاری کارگران در تهیه و هماهنگی اجرای برنامه‌ها و افزایش میزان مشارکت) به وجود آمده و در صدد هستند تا روابط مناسب کار را بین کارگران و کارفرمایان در محیط کار حاکم نموده و محیطی به دور از تنش و برخورد به وجود آورند. باتوجه به موارد فوق و اهداف پیش‌بینی شده، نقش شورای اسلامی کار از دو جنبه حائز اهمیت می‌باشد:

(۱) جنبه اول:

نقش نظارتی، برنامه‌ریزی است که بیشتر جنبه همکاری با مدیریت در جهت پیشرفت کارهای اجرایی بوده و شورا به موازات فعالیت‌ها در سازمان نقش خود را ایفا می‌نماید.

(۲) جنبه دوم:

ایجاد زمینه همکاری و مشارکت کارکنان می‌باشد. بدیهی است این نقش شورای اسلامی کار در زدودن تنش‌های احتمالی که ناشی از

شوراهای اسلامی کار که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای قانون اساسی که توجه خاصی به نظام شورایی داشته است؛ با سه هدف عمده تأمین قسط اسلامی، همکاری کارگران در تهیه و هماهنگی اجرای برنامه‌ها و افزایش میزان مشارکت به وجود آمده و در صدد هستند تا روابط مناسب کار را بین کارگران و کارفرمایان در محیط کار حاکم نموده و محیطی به دور از تنش و برخورد به وجود آورند.

در این مقاله ضمن اشاره به تحولات روابط کار و نظام روابط کار در جهان و الگوهای روابط کار... بررسی نقش شورای اسلامی کار در بهبود روابط کار شرکت پلی‌اکریل اشاره می‌شود. نقش شورای اسلامی کار از طریق فعالیت‌هایی همچون شرایط مناسب کار، بررسی و پیگیری شکایات و موارد امور حقه کارکنان، ایجاد زمینه همکاری بین کارکنان و مدیریت، بالابردن سطح آگاهی کارکنان، گسترش امکانات رفاهی (متغیرهای مستقل) و بهبود روابط کار (متغیر وابسته) می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آماری از روش توصیفی و استنباطی و آزمون تک متغیری، تحلیل واریانس چند متغیری و کروسکال والیس فرضیه‌ها چنین استنتاج گردید که شورای اسلامی کار شرکت پلی‌اکریل در ایجاد زمینه همکاری بین کارگران و مدیریت، پیگیری شکایات در سطح متوسط و در ایجاد شرایط مناسب کار، گسترش امکانات رفاهی، بالابردن سطح آگاهی کارکنان کمتر از سطح متوسط در بهبود روابط کار نقش داشته است.

در بین عوامل مختلفی که وسیله و ابزار مدیریت می‌باشند، باید برای نقش نیروی انسانی اهمیت



نقش شورای اسلامی کار از طریق فعالیت‌هایی همچون شرایط مناسب کار، بررسی و پیگیری شکایات و موارد امور حقه کارکنان، ایجاد زمینه همکاری بین کارکنان و مدیریت، بالابردن سطح آگاهی کارکنان، گسترش امکانات رفاهی (متغیرهای مستقل) و بهبود روابط کار (متغیر وابسته) می‌باشد.

برخی مسائل جزئی صنفی است؛ مؤثر می‌باشد. از طرفی تحقق اصل مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خود که از اهداف نظام جمهوری اسلامی بوده و به کارگران این فرصت را می‌دهد تا از این راه در صحنه‌های تصمیم‌گیری حضور پیدا نموده و پیشنهادهای خود را در جهت رشد و توسعه کارگاه و بهره‌وری تولید به ثمر رسانند؛ از این طریق میسر خواهد گشت.

سیر تحولات روابط کار

اولین آثار مفهوم روابط کار که تعریف اجمالی آن مطالعه و شناخت مشکلات موجود در روابط بین کارکنان و کارفرمایان (مدیران) و ارائه و اجرای طرح‌هایی برای رفع آن است را نه بر طبق مفهوم امروزی، بلکه با شکل ابتدایی‌تر، می‌توان در زمانی حدود پانصد هزار سال قبل جستجو کرد (عراقی، حقوق کار ۱۳۵۶، ۲۴). برای شناخت تحولات روابط کار، ابتدا به تحولات آن در دوران قبل از انقلاب صنعتی و پس از آن اشاره می‌شود:

الف) قبل از انقلاب صنعتی

شاید اولین آثار تنظیم روابط کار را بتوان به کار حمورابی در سال ۳۷۰۰ سال قبل از میلاد در بابل نسبت داد که به تعیین فهرست دستمزدها و حداقل‌های آن اقدام کرد (صفائیه، تاریخچه مطالعه کار، ۱۳۷ ص ۲۶). پس از آن مفهوم غنی و گسترده روابط کار در زمان هخامنشیان قابل ذکر است که برای کارگران، قرارداد کار کتبی تنظیم می‌شد و نوعی نظام دستمزد وجود داشت که در آن طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت حقوق مساوی برای کار مساوی، عدم تفاوت بین کارگر زن و مرد، حداقل سن کار (۱۵ سال) و پاداش یا عیدی پیش‌بینی شده بود. به علاوه در روابط کارفرما (دولتی و خصوصی) عدالت استخدامی، تسهیم منافع بین کارگران و کارفرمایان و مشارکت اعمال می‌شد (بشارت، سیر اندیشه‌های اداری ۱۶۹).

از نظر اسلام نیز هر مقوله مادی وسیله‌ای است برای نیل به یک نتیجه اخلاقی که رضای خالق و مصلحت جامعه بشری است. هر عملی باید به خیر محض و جوهر تقوی نظر داشته باشد. بنابراین در هر تفکر و عملی، کرامت انسانی اصل و هدف است (ظهوری، روابط کار، ص ۲).

به طور کلی حقوق اسلام در مورد کار انسان، دیدی وسیع‌تر از حقوق کار در معنای مصطلح دارد و احکام آن منحصر به کارگران تنها نیست؛ بلکه کار کلیه طبقات جامعه را در بر می‌گیرد. در هر حال غیر از هدف تأمین حقوق کسانی که کار می‌کنند، نتیجه آن کار را برای جامعه نیز در نظر می‌گیرد. مطالعه در احکام و دستورات اسلامی نشان می‌دهد که تنها مالکیتی از نظر اسلام معتبر است که نتیجه کار و فعالیت انسان باشد (لیس للانسان الا ما سعی).

ب) بعد از انقلاب صنعتی

انقلاب صنعتی که تحولات و نوآوری‌های شگرف و وسیعی در همه زمینه‌های اجتماعی تکنولوژی و سیاسی به وجود آورد، در واقع ریشه اصلی روابط کار امروزی است. روابط صنعتی در این دوران بر دو مینا شکل گرفت:

۱) تکنولوژی

۲) باور.

ضمناً انقلاب فرانسه نیز مجموعه‌ای از تفکرات آزادی‌خواهانه و ضد استثماری را عرضه نمود و آنچنان قوی بود که خیلی سریع به بیرون از مرزهای فرانسه صادر شد و همه کشورهای صنعتی آن روز را فرا گرفت. یکی از ابعاد این تفکرات، حمایت از حقوق طبقه کارگر و توجه به روابط صنعتی که از حقوق کارگران و آزادی‌های آنان حمایت نماید، جدی شد و محتوای جدید یافت. در تفکر جدید به تدریج حمایت‌ها افزایش یافت تا امروز که لزوم و فواید مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌های مدیریت تا حدود قابل توجهی پذیرفته شده است.

دوران بعدی در بستر رشد انقلاب صنعتی، سوسیالیسم بود. سوسیالیسم ابعاد و جنبه‌های اجتماعی وسیعی به مفهوم روابط صنعتی داد و طبقه کارگر را به عنوان طبقه‌ای مهم از جامعه مطرح نمود و توزیع عادلانه سود ناشی از عملیات تولیدی را برای کارگر چه در فلسفه و چه در عمل خواستار گردید.

از حدود سال ۱۹۰۰ دولت‌ها به ناچار به درخواست‌ها پاسخ دادند که نتیجه آن وضع قوانین گسترده در زمینه‌های رفاهی و اجتماعی برای کارگران و الزاماتی برای کارفرمایان بود. کار زنان و کودکان، حداقل دستمزد، تأمین افراد از کار افتاده و باسواد کردن افراد از جمله این مصادیق رفاهی بود (ظهوری، روابط کار ۱۳۷۸، ص ۵).

نظام روابط کار در جهان

نظام روابط کار در جهان از تنوع زیادی برخوردار است. در برخی از کشورها مانند فرانسه و سوئیس، روابط کار در بستر وسیع مبارزات طبقاتی بررسی می‌شود که در اغلب موارد نیز به منازعات شدید در نیروی کار منجر می‌گردد. در کشورهای دیگر مانند ژاپن، بیشتر تطابق و هم‌نوایی و سازگاری، قاعده اصلی است. اگر چه در این کشور نیز قبل از جنگ جهانی دوم میزان تعارضات و برخوردهای موجود در نظام روابط کار بسیار بالا بوده است (پل و جنکینز، ۱۹۹۱).

در آمریکا، انقلاب صنعتی اثرات مهمی بر جامعه و نظام روابط کار داشته است که نه تنها کارگران را از مزعه‌ها به کارخانه‌ها کشانیده، بلکه سبب تغییرات بنیانی در ساختار جامعه‌ی آمریکا شده است. در این کشور معمولاً مدیران مخالف اتحادیه‌های کارگری هستند و آنها را برای بهره‌وری مؤسسه و عملکرد اقتصادی کشور، مضر



به طور کلی حقوق اسلام در مورد کار انسان، دیدی وسیع‌تر از حقوق کار در معنای مصطلح دارد و احکام آن منحصر به کارگران تنها نیست؛ بلکه کار کلیه طبقات جامعه را در بر می‌گیرد. در هر حال غیر از هدف تأمین حقوق کسانی که کار می‌کنند

می‌شمارند. از طرف دیگر کارگران نیز به مدیران اعتماد ندارند و بر این باورند که اگر مقررات خاصی برای کنترل کارفرمایان وجود نداشته باشد؛ آنان را استثمار می‌کنند. در کشور آمریکا میزان عضویت در اتحادیه‌ها پایین‌تر از سایر کشورهای توسعه یافته است، ولی قوانین دولت فدرال، وجود اتحادیه‌ها را به رسمیت می‌شناسد و آنها را به عنوان نمایندگان قانونی کارگران قبول دارد (بامیر و لانزبری، ۱۹۹۸) ۲

در بریتانیا چون حزب کارگر از احزاب قدرتمند سیاسی است، کارگران از قدرت زیادی برخوردارند. در دهه ۱۹۸۰ با سیاست‌های محافظه‌کارانه دولت، خانم مارگارت تاچر که پس از نارآمی‌های فراوان و رکود اقتصادی ممتد به قدرت رسید، تا حدود زیادی قدرت حزب کارگر کاهش یافت ولی با روی کار آمدن حزب کارگر، دوباره قدرت کارگران رو به فزونی نهاد.

در ایتالیا نظام روابط کار از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از جمله موارد قابل توجه در این کشور، سیستم مذاکرات جمعی است که در سه دهه اخیر تغییرات ساختاری مهمی در آن پیش آمده و با طبقه‌بندی‌های موسوم در مذاکرات جمعی در سایر کشورهای جهان متفاوت است. معمولاً مذاکرات جمعی در سه سطح کارگاه، صنعت و کشور انجام می‌شود؛ اما چون وظایف و مسائل مربوط به سطوح مزبور نامشخص و مبهم است، مذاکرات در هر سه سطح انجام می‌گیرد. در فرآیند مذاکره ممکن است یکی از سطوح، تسلط خود را بر سایر سطوح اعمال کند و در طی مذاکره بر دیگران غالب شود (بگ لینونی، ۱۹۹۱) ۳.

تغییرات نظام روابط کار در جهان تغییرات عمده‌ای که در چند دهه‌ی اخیر در نظام‌های روابط کار در جهان رخ داده‌اند به طور کوتاه از این قرارند:

قوانینی در جهت گسترش دموکراسی صنعتی در برخی از کشورها از جمله آلمان، سوئد و ایتالیا به تصویب رسیده‌اند. تعداد اعضای اتحادیه‌ها در آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی کاهش یافته و در بعضی از کشورها نیز تقریباً ثابت مانده است. در کشور سوئد، وضعیت عضویت در اتحادیه‌ها روندی رو به افزایش داشته است. سوئد بالاترین درجه تشکل و فرانسه پایین‌ترین درجه عضویت اتحادیه‌ای را دارند (وان روسویت، ۱۹۹۶) ۴. در کشور ژاپن، اتحادیه‌های کارگری در مقایسه با بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی در موضع ضعیف‌تری قرار دارند و میزان عضویت در آنها حدوداً بین میزان

عضویت در آمریکا و بریتانیا است. فلسفه مدیریت در ژاپن بر عدم مواجهه و برخورد مبتنی است و دخالت دولت نیز در حدی بین آمریکا و بریتانیا قرار دارد و بیشتر به منظور کسب اطمینان از کارآیی جریان سرمایه در سطح کلان اقتصاد کشور است. مقررات مربوط به قراردادهای کار خیلی کلی و الزام‌آور هستند. اختلافات حرفه‌ای معمولاً به طور دوستانه حل و فصل می‌شوند و گاهی نیز از داوری طرف ثالث استفاده می‌شود. کمیسیون‌های کار که بر اساس قانون ایجاد شده‌اند، همانند سایر دادگاه‌ها می‌توانند به حل و فصل مشکلات ناشی از مذاکرات جمعی بپردازند. در ژاپن بر خلاف اکثر کشورهای اروپایی، دموکراسی صنعتی به طور مستقیم با فلسفه سیاسی ارتباطی ندارند؛ بلکه بر فلسفه عملیاتی بهترین راه انجام دادن کار برای تحقق عملکرد بالای کارکنان استوار است (زاهدی، ۵).

روابط کار در ایران

قبل از انقلاب اسلامی ایران

روابط کار قبل از انقلاب اسلامی ایران را به سه دوره مختلف تقسیم نموده‌اند:

۱) براساس سنگ‌نوشته‌ها و لوحه‌های موجود، پدیده ایجاد روابط کار از دوره هخامنشیان در ایران وجود داشته است. به این ترتیب که روابط کار و حقوق و دستمزد کارگران صنایع مختلف به وسیله کارفرما که دولت هخامنشی بوده، مشخص شده است.

۲) دوره بعدی که نشان می‌دهد روابط کار در ایران وجود داشته، دوران صفویه است که دوران استیلای اجانب، به ویژه مغول، پشت‌سر گذاشته شد. شواهدی از اجرای نظام منطقی و عادلانه روابط کار مشاهده می‌شود. وجود کارگاه‌های تولیدی در بیشتر شهرهای کشور و تولید محصولات مختلف، به ویژه نساجی که به کشورهای دیگر نیز صادر می‌شده است.

۳) عصر پهلوی. در شهریور ماه ۱۳۲۰ روابط کارگر و کارفرما در ایران وارد مرحله نوینی شد. اشغال ایران توسط متفقین، شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود را به کلی بر هم زد. حقوق زیادی که متفقین به دلیل کمبود کارگر می‌دادند موجب شد که کارگران، کارخانه‌ها و مزارع را رها نمایند و در خدمت متفقین درآیند. تورم و کمبود کالاهای مصرفی باعث بالارفتن هزینه زندگی می‌شد و همزمان عده‌ای از کارفرمایان با آن که استفاده‌های کلان داشتند؛ از پرداخت حقوق کارگران خودداری می‌کردند و همین امر موجب اختلاف شدید بین کارگران و کارفرمایان شد



اکثر کشورهای اروپایی، دموکراسی صنعتی به طور مستقیم با فلسفه سیاسی ارتباطی ندارند؛ بلکه بر فلسفه عملیاتی بهترین راه انجام دادن کار برای تحقق عملکرد بالای کارکنان استوار است



رشد اقتصادی برونزا و درونزا

چیستی، چگونگی و سیاستگذاری رشد اقتصادی، از گذشته در فهرست مسائل بسیار مورد توجه علم اقتصاد بوده است

محدود می‌ساخت، تلاش کردند تا نشان دهند که نظام سرمایه داری ذاتاً ناپایدار است. از آنجا که مقالات آنها در خلال سال‌های رکود بزرگ انتشار یافت، این مقالات با اقبال مواجه شدند. اگرچه این مقالات یک جریان تحقیقاتی را به دنبال خود ایجاد کردند اما بخش کوچکی از تحلیل‌های این جریان در شکل‌گیری تفکر جاری نقش بازی کرد.

مقالات تاثیرگذار بعدی در حوزه رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۶ از سوی سولو و سوان ارائه شد. فرم نئوکلاسیک تابع تولید، جنبه کلیدی مدل سولو-سوان بود که فرض بازدهی ثابت به مقیاس، بازدهی کاهنده نسبت به هر عامل تولید منفرد و کشش جایگزینی مثبت میان عوامل تولید را در دل خود داشت. این تابع تولید در کنار قاعده نرخ پس‌انداز ثابت، یک الگوی تعادل عمومی بسیار ساده را خلق می‌کرد. یکی از فرضیات تجربی مهم الگوی سولو-سوان، همگرایی مشروط بود. تحت مدل سولو-سوان، هرچه درآمد سرانه در سطح پایین‌تری قرار داشت، نرخ رشد اقتصادی بالاتر می‌بود. لذا درآمد سرانه کشورهای با درآمد کم، می‌بایست به دلیل رشد اقتصادی بالا، به سمت درآمد سرانه اقتصادهای توسعه یافته همگرا می‌شد. این همگرایی مشروط به شباهت نرخ پس‌انداز، نرخ رشد جمعیت و ویژگی‌های تابع تولید اقتصادها بود. با این حال، یافته‌های تجربی حاکی از آن است که سطح درآمد سرانه کشورها طی سالیان متمادی فاصله قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر داشته است و برای توضیح این اختلاف درآمد سرانه، نیازمند رجوع به سایر تفاوت‌های بین‌کشوری نظیر تفاوت در سیاست‌های دولت و سرمایه‌انسانی خواهیم بود.

چیستی، چگونگی و سیاستگذاری رشد اقتصادی، از گذشته در فهرست مسائل بسیار مورد توجه علم اقتصاد بوده است. مجموعه‌ای از تلاش‌های انجام شده برای پاسخ به این مساله، به شکل‌گیری ادبیاتی تحت عنوان نظریه رشد اقتصادی انجامیده است که نوشتار حاضر مروری بر ادبیات مذکور خواهد بود. بسیاری از اجزای بنیادی نظریات مدرن رشد اقتصادی از سوی اقتصاددانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت (۱۷۷۶)، دیوید ریکاردو (۱۸۱۷)، توماس مالتوس (۱۷۹۸) و بعدها از سوی فرانک رمزی (۱۹۲۸)، الین یانگ (۱۹۲۸) فرانک نایت (۱۹۴۴) و ژوزف شومپیتر (۱۹۳۴) فراهم شد. این ایده‌ها مواردی نظیر رفتار رقابتی، پویایی‌های تعادلی، نقش بازدهی کاهنده در انباشت سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، اثر متقابل میان درآمد سرانه و نرخ رشد جمعیت، اثر پیشرفت فنی بر تخصص‌گرایی فزاینده نیروی کار و کشف ابزارها و روش‌های جدید تولید و نیز نقش قدرت انحصاری به عنوان انگیزه تلاش برای دستیابی به پیشرفت‌های تکنولوژیک را در بر می‌گیرد.

مدل‌های رشد اقتصادی برونزا و درونزا از منظر تاریخی، مقاله کلاسیک رمزی (۱۹۲۸) نقطه آغاز نظریه مدرن رشد اقتصادی است که رهیافت بهینه‌یابی بین دوره‌ای خانوارها در طول زمان را معرفی کرد. رهیافت وی در سال‌های ۱۹۶۰ به طور گسترده مورد استفاده اقتصاددانان قرار گرفت.

در فاصله ارائه مقاله رمزی تا اواخر سال‌های ۱۹۵۰، هارود (۱۹۳۹) و دومار (۱۹۴۶) تلاش کردند تحلیل‌های کینزی را با عناصر رشد اقتصادی ترکیب کنند. آنها با استفاده از توابع تولیدی که امکان جانشینی عوامل تولید را



به طور کلی حقوق اسلام در مورد کار انسان، دیدی وسیع‌تر از حقوق کار در معنای مصطلح دارد و احکام آن منحصر به کارگران تنها نیست؛ بلکه کار کلیه طبقات جامعه را در بر می‌گیرد. در هر حال غیر از هدف تأمین حقوق کسانی که کار می‌کنند

بنیادین در مدل رشد اقتصادی نئوکلاسیک است به نحوی که تحلیل رقابت ناقص در آن تعبیه شود. این اتفاق تا زمان ارائه مقاله رومر (۱۹۸۷، ۱۹۹۰) در پایان سال های ۱۹۸۰ رخ نداد. مدل پایه ای رشد نئوکلاسیک در کار کس (۱۹۶۵) و کوپ من (۱۹۶۵) تکمیل شد. پس از آن، نظریه رشد بیش از حد فنی شد و به طور مداوم ارتباط خود با کاربردهای تجربی را از دست داد. برخلاف نظریه پردازان رشد، اقتصاددانان توسعه که برای ارائه توصیه به اقتصادهای بیمار آماده می شدند، رهیافت کاربردی را حفظ کردند و به استفاده از مدل هایی گرایش یافتند که به لحاظ فنی غیر پیچیده و به لحاظ تجربی مفید بود. لذا مسیر اقتصاد توسعه و اقتصاد رشد کم کم جدا شد و این دو حوزه به کلی از یکدیگر تفکیک شدند. نظریه رشد، احتمالاً به دلیل عدم توجه به یافته های تجربی عملاً در اوایل سال های ۱۹۷۰ در آستانه انقلاب انتظارات عقلایی و شوک قیمت نفت مُرد. پژوهش های اقتصاد کلان برای ۱۵ سال بر تحلیل نوسانات کوتاه مدت، به کارگیری انتظارات عقلایی در مدل های ادوار تجاری و استفاده از رهیافت تعادل عمومی در نظریه ادوار تجاری حقیقی متمرکز شد. با عبور از میانه های دهه ۱۹۸۰، موج جدیدی از تحقیقات با مقالات رومر (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) آغاز شد. انگیزه این موج از تحقیقات به مواجهه با این پدیده مربوط می شد که شناخت عوامل تعیین کننده نرخ رشد اقتصادی بلندمدت بسیار حیاتی تر از تعیین مکانیسم وقوع ادوار تجاری و اثرات ضد چرخه ای سیاست های پولی و مالی است. موج جدید تحقیقات رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده بود که باید از فرضیه برونزایی رشد تکنولوژیک رهایی یابد. این امر به طراحی «مدل های رشد درونزا» منجر شد. رومر (۱۹۸۶)، لوکاس (۱۹۸۸) و رِبَلو (۱۹۹۱) بر مبنای کارهای آرو (۱۹۶۲)، ششینسکی (۱۹۶۷) و اوزاوا (۱۹۶۵) مقالات برجسته این موج بودند که درونزایی رشد تکنولوژی را پیگیری کردند. سپس وارد کردن نظریات R&D و رقابت ناقص به چارچوب رشد اقتصادی توسط رومر (۱۹۸۷، ۱۹۹۰) آغاز شد و با دستاوردهای برجسته آقون و هویت (۱۹۹۲) و گراسمن و هلپمن (۱۹۹۱) دنبال شد. در این مدل ها، پیشرفت تکنولوژیک محصول فعالیت هدفمند R&D بود که با اعطای یک حق انحصاری در صورت موفقیت آمیز بودن پروژه های R&D جبران می شد. اگرچه این رهیافت به نرخ رشد مثبت و نسبتاً پایداری می رسید اما به هر حال به دلیل انحراف ایجاد شده در تولید کالاهای جدید و روش تولید، این نرخ رشد فاقد شرایط بهینگی پرتو بود. این برنامه های تحقیقاتی در سال های ۱۹۹۰ نیز فعال باقی ماند و در حوزه

توقف رشد اقتصادی در صورت عدم تداوم رشد تکنولوژیک، از دیگر پیش بینی های مدل سولو-سوان بود. این در حالی است که مشاهدات نشان می دهد رشد مثبت درآمد سرانه می تواند تا یک قرن تداوم داشته باشد و تمایل آشکاری به افت ندارد. نظریه پردازان رشد اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و سال های ۱۹۶۰ متوجه ناکارایی های این نوع الگوسازی شدند و عموماً این ناکارایی را با توسل به فرض پیشرفت تکنولوژیک خود به خودی و برونزا، رفو می کردند. این رفوکاری تا حدودی می توانست از طریق تولید یک نرخ رشد مثبت و نسبتاً باثبات، تئوری رشد را با داده ها وفق دهد اما حتی با این ابزار نیز مساله پیش بینی همگرایی مشروط به قوت خود باقی بود. نقص اصلی این الگوها در آن بود که رشد اقتصادی بلندمدت را معلول متغیری به نام رشد تکنولوژیک معرفی می کرد، بدون آنکه هیچ معرفتی در خصوص رشد تکنولوژیک به دست دهد یا توضیحی از چگونگی وقوع آن ارائه کند. در واقع رشد تکنولوژیک به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی در این نوع الگوها در نظر گرفته می شد، متغیری بود که در «بیرون از مدل» رشد اقتصادی، در یک جعبه سیاه و به شکل نامعلومی تعیین می شد. از این رو این مدل ها به مدل های رشد برونزا شهرت یافتند. لذا در آن برهه از زمان، «تلاش اقتصاددانان به مدل هایی ختم شده بود که هر چیزی را توضیح می داد، الا رشد اقتصادی بلندمدت!».

کس (۱۹۶۵) و کوپ من (۱۹۶۵) تحلیل رمزی از بهینه یابی مصرف کننده را به مدل رشد نئوکلاسیک وارد کردند و از این طریق امکان تعیین درونزای نرخ پس انداز را فراهم ساختند. لیکن به رغم درونزا شدن نرخ پس انداز، نرخ رشد تکنولوژیک همچنان برونزا تعیین می شد و مساله همگرایی مشروط نیز به قوت خود باقی بود.

آرو (۱۹۶۲) و ششینسکی (۱۹۶۷) مدل هایی ساختند که در آنها، پیشرفت تکنولوژیک از طریق یادگیری حین کار رخ می داد. در این مدل ها، مکاشفات هر فرد در حین کار در زمینه بهبود شیوه تولید و خلق ابزار جدید، به دلیل رقابت ناپذیری دانش، به سرعت در اقتصاد منتشر شده و اثرات آن بر سایر بخش ها سرریز می کرد. بعدها رومر (۱۹۸۶) نشان داد که می توان برای تعیین یک نرخ رشد تکنولوژیک تعادلی، چارچوب رقابتی را حفظ کرد اما چنین نرخ رشدی، عموماً بهینه پرتو نخواهد بود. به طور کلی، اگر کشفیات به R&D هدفمند وابسته باشند و اگر نوآوری های فردی تدریجاً به سمت سایر تولیدکنندگان منتشر شود، چارچوب رقابتی در هم می شکند. در چنین شرایط واقعی، ابداع یک تئوری پیشرفت فنی غیر متمرکز مستلزم تغییرات



موج جدید تحقیقات رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده بود که باید از فرضیه برونزایی رشد تکنولوژیک رهایی یابد.

نشان می دهد که نوآوری، سرمایه گذاری در آموزش، انباشت سرمایه فیزیکی و که در مدل های متعارف رشد اقتصادی به عنوان علل رشد در نظر گرفته می شوند، معلول ساختار نهادی جامعه هستند.

اما نهادها دقیقاً چه چیزی هستند؟ نورث (۱۹۹۰) این تعریف را پیشنهاد می دهد: «نهادها همان قواعد بازی در یک جامعه هستند یا به عبارت رسمی تر عبارتند از قیودی وضع شده از سوی انسان که نحوه بر هم کنش و تعامل انسانی را شکل می دهند.» او در ادامه بر دلالت کلیدی نهادها تاکید می کند چرا که «در نتیجه این تعریف برای نهادها، ساختار انگیزشی در مبادلات انسانی توسط نهادها شکل می گیرد؛ خواه این نهادها سیاسی باشند، خواه اقتصادی یا اجتماعی.»

آنچه نسبت به خروجی اقتصاد از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نهادهای اقتصادی درون جامعه نظیر ساختار حقوق مالکیت و وجود و درجه تکامل بازارهاست. نهادهای اقتصادی از آن رو اهمیت دارند که بر ساختار انگیزه های اقتصادی یک جامعه تاثیر می گذارند. بدون وجود حقوق مالکیت، افراد انگیزه سرمایه گذاری در سرمایه های انسانی یا فیزیکی یا انگیزه منطبق شدن با تکنولوژی های کارآمدتر را ندارند. علاوه بر این، نهادهای اقتصادی به این دلیل اهمیت دارند که کمک می کنند تا منابع به کارآمدترین کاربردهایشان تخصیص یابند، و اینکه تعیین می کنند سودها، عواید و حقوق کنترل متعلق به چه کسی است. در زمان فقدان یا حذف بازارها (به عنوان مثال همان طور که در اتحاد جماهیر شوروی رخ داد) عواید ناشی از مبادله مورد بهره برداری قرار نگرفته و منابع به طور نامناسب تخصیص می یابند. در این میان جوامعی کامیاب می شوند که دارای نهادهای اقتصادی تسهیلگر و مشوق امر انباشت عوامل تولید، نوآوری و تخصیص کارآمد منابع باشند. عجم اوغلو (۲۰۰۵) نشان داد که چگونه تفاوت در کیفیت نهادهای کشورهای مختلف، از طریق ایجاد تفاوت در انباشت عوامل تولید، انگیزه نوآوری و تخصیص کارآمد منابع، فاصله نرخ رشد اقتصادی بلندمدت و سطح توسعه یافتگی را تعیین می کند. وی با معرفی نهادهای فراگیر در مقابل نهادهای بهره کش در کنار شواهد متکثر تاریخی نشان داد رشد تکنولوژی، انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، پس انداز و محصول استقرار نهادهای فراگیر و مشوق فعالیت های مولد اقتصادی هستند و لذا ریشه و بنیان اصلی رشد بلندمدت اقتصادی را تشکیل می دهند.

رشد فراگیر

هایی نظیر درک اثرات مقیاس بر فرآیند رشد (جونز، ۱۹۹۹) و ارزیابی سرمایه بر بودن یا کاربر بودن رشد (عجم اوغلو، ۲۰۰۲) به کار گرفته شد. تحقیقات جدیدتر نیز مدل های انتشار تکنولوژی را مورد بررسی قرار داده اند.

نهادها و رشد اقتصادی

مدل های سنتی رشد نئوکلاسیک، متعاقب سولو (۱۹۵۶)، کس (۱۹۶۵) و کوپمن (۱۹۶۵)، تفاوت در درآمد سرانه را به وسیله مسیریهای مختلف انباشت عوامل تولید توضیح می دهد. در این مدل ها، تفاوت های بین کشوری انباشت عوامل به تفاوت در نرخ پس انداز (سولو)، ترجیحات (کاس کوپمن) یا دیگر متغیرهای برونزا نظیر رشد بهره وری عوامل نسبت داده می شود. در این مدل ها نهادهایی مثل تضمین حقوق مالکیت و وجود بازارهای رقابتی، به طور ضمنی، از پیش تامین شده در نظر گرفته شده اند، و لذا فرض بر عدم تفاوت کشورهای مختلف از حیث چنین نهادهایی است.

اولین موج خوانش اخیر از نظریه رشد، پس از رومر (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) از این لحاظ با مدل های سنتی متفاوت بود که بر نقش آثار بیرونی انباشت سرمایه انسانی و فیزیکی در رشد بلندمدت تاکید می کرد. اما به هر حال این موج نیز بدون هیچ انحرافی در مسیر اصلی سنت نئوکلاسیک برای توضیح اختلاف میان نرخ های رشد با استفاده از ترجیحات و مواهب اولیه باقی مانده بود. موج دوم مدل ها، مشخصاً رومر (۱۹۹۰)، گراسمن و هلمپن (۱۹۹۱) و اقیون و هویت (۱۹۹۲)، نرخ رشد حالت پایدار و پیشرفت های فنی را درونزا کردند اما توضیح دهندگی آنها در خصوص اختلاف درآمد، همانند نظریه های قدیمی تر بود. به عنوان مثال در مدل رومر (۱۹۹۰) یک کشور می توانست کامیاب تر از دیگری باشد اگر منابع بیشتری را به نوآوری اختصاص می داد، اما آنچه این تخصیص را تعیین می کرد لزوماً همان ترجیحات و ویژگی های فناوری خلق ایده ها بود. اگرچه این سنت نظری هنوز در علم اقتصاد فعال است و در خصوص مکانیسم رشد اقتصادی، بینش های متعددی را ارائه کرده لیکن برای مدتی طولانی است که به نظر می رسد این سنت قادر به ارائه توضیح بنیادین پدیده رشد اقتصادی نیست. به گفته نورث و توماس (۱۹۷۳): عواملی که ما فهرست کرده ایم (نوآوری، صرفه های مقیاس، آموزش، انباشت سرمایه و غیره) علل وقوع رشد نیستند بلکه آنها خودشان رشد هستند. در واقع، انباشت سرمایه و نوآوری صرفاً «سبب نزدیک» رشد هستند. در دیدگاه نورث و توماس، تفاوت میان نهادهاست که رشد نسبی را توضیح می دهد. در واقع نظریه اقتصاد نهادگرا



اولین موج خوانش اخیر از نظریه رشد، پس از رومر (۱۹۸۶) و لوکاس (۱۹۸۸) از این لحاظ با مدل های سنتی متفاوت بود که بر نقش آثار بیرونی انباشت سرمایه انسانی و فیزیکی در رشد بلندمدت تاکید می کرد.

توجه نظریات متعارف رشد اقتصادی، تنها به رشد تولید ناخالص معطوف است. به عبارت دیگر، تقریباً تمامی نظریه پردازان رشد اقتصادی، تنها به مدلسازی چگونگی رشد اندازه یک اقتصاد می پردازند. در این رهیافت غالب، تحلیل شیوه تقسیم یک یا همان توزیع درآمد و ثروت، امری قابل تفکیک از تحلیل اندازه یک در نظر گرفته می شود. لذا به طور ضمنی فرض بر آن است که شیوه تقسیم یک اقتصاد، تاثیری بر سرعت انبساط یا انقباض اندازه یک اقتصاد یا به عبارتی رشد اقتصادی ندارد. این در حالی است که یافته های برخی مطالعات اخیر، حاکی از تاثیر منفی نابرابری بر رشد اقتصادی است.

در پی مواجهه با اثرات نامطلوب سیاست هایی که تحقق رشد اقتصادی را بدون توجه به محروم ماندن بخش قابل توجهی از جامعه از مواهب رشد، پیگیری می کرد، مفهوم رشد فراگیر معرفی شد و مورد توجه قرار گرفت. رشد فراگیر به طور کلی به معنی اطمینان یافتن از آن است که تمامی اعضای جامعه در فرآیند رشد اقتصادی، فارغ از طبقه

اقتصادی- اجتماعی، سن، نژاد، جنس، مذهب و دربر گرفته می شوند. به عبارت دیگر رشد فراگیر، مستلزم مشارکت حداکثری افراد جامعه و بخش های مختلف اقتصادی در تحقق رشد و بهره برداری از منافع ناشی از آن است. رشد فراگیر بر اشتغال مولد تمرکز دارد و لذا مفهومی فراتر از یک بازتوزیع ساده به منظور افزایش درآمد گروه های محروم و جا مانده از رشد اقتصادی است. دولت می تواند در کوتاه مدت در واکنش به اثرات نامطلوب رشد غیرفراگیر اقدام به اجرای طرح های توزیع درآمد کند اما بازتوزیع نمی تواند راهکاری بلندمدت در نظر گرفته شود.

با توجه به تعریف بانک جهانی، رشد اقتصادی زمانی فراگیر تلقی می شود که گستره وسیعی از بخش های اقتصادی و نسبت قابل توجهی از جمعیت فعال را در فرآیند رشد مشارکت دهد. فراگیر و مشارکتی بودن رشد اقتصادی در گرو دسترسی برابر تمامی افراد و شرکت ها به فرصت ها، بازارها، منابع و محیط قانونی و حقوقی عادلانه، ناریب و غیررانتی است. فراگیر بودن رشد اقتصادی از ملزومات رشد پایدار است. کمیسیون رشد و توسعه (۲۰۰۸) نابرابری نظام مند فرصت ها را سمی مهلک خوانده است که فرآیند رشد اقتصادی را از طریق تضادهای سیاسی از ریل

خارج می کند.

شکی نیست که رشد اقتصادی سریع لازمه کاهش فقر است اما تامین پایداری این رشد، مستلزم آن است که تمامی بخش های اقتصاد به طور متناسب رشد کرده و اکثریت جمعیت فعال در تحقق آن مشارکت داده شده باشند. این تعریف از رشد فراگیر، ارتباط میان عوامل کلان و خرد رشد اقتصادی را نشان می دهد. ابعاد خرد رشد اقتصادی، مواردی نظیر تخریب خلاق شومپیتری شغل ها و بنگاه ها در فرآیند گذار ساختاری اقتصاد را شامل می شود. بدون توجه به این ابعاد خرد، اجرای سیاست هایی که رشد اقتصادی، می تواند منجر به به جا ماندن برخی بخش ها و طبقات شده و پایداری رشد اقتصادی را با مشکل مواجه سازد.

سیاست های رشد فراگیر در اجرای استراتژی های رشد پایدار نقش محوری ایفا می کنند. به عنوان نمونه، می توان کشورهای دارای منابع طبیعی را مد نظر قرار داد. این کشورها عموماً متکی به صنایع استخراجی هستند. صنایع استخراجی نیز غالباً از نوع صنایع سرمایه بر بوده و رشد آنها نیازمند مشارکت دادن بخش قابل توجهی از جمعیت فعال نیست. از طرفی سایر بخش های اقتصادی این کشورها در دوران رونق درآمد منابع طبیعی، در سایه بیماری هلندی، دچار انقباض می شوند. لذا رشد اقتصادی مبتنی بر بخش استخراج منابع طبیعی، منجر به به جا ماندن سایر بخش ها و نیروی کار فعال در آنها می شود. از این رو تامین رشد فراگیر در این نوع از کشورها، به مراتب دشوارتر بوده و سیاستگذاری دقیق تری را طلب می کند. فراگیر بودن رشد اقتصادی مستلزم استقرار نهادهای فراگیر به جای نهادهای بهره کش است. نهادهای فراگیر آن دسته از قواعد بازی در زمین اقتصاد و سیاست هستند که دسترسی تمامی افراد و شرکت های جامعه به فرصت ها را باز کرده و انگیزه و اجازه بروز و ظهور پتانسیل های مولد تمامی افراد و شرکت های جامعه را می دهد. در مقابل نهادهای بهره کش به آن دسته از قواعد اطلاق می شوند که دسترسی به فرصت ها را تنها برای بخش اندکی از جامعه فراهم ساخته و دسترسی سایرین به این فرصت ها را محدود می سازد. عدم توجه به استقرار نهادهای فراگیر، رشد اقتصادی بلندمدت را با چالش مواجه می سازد.



نهادهای فراگیر آن دسته از قواعد بازی در زمین اقتصاد و سیاست هستند که دسترسی تمامی افراد و شرکت های جامعه به فرصت ها را باز کرده و انگیزه و اجازه بروز و ظهور پتانسیل های مولد تمامی افراد و شرکت های جامعه را می دهد.



تئوری های اقتصاد توسعه

از آدام اسمیت به عنوان اقتصاد دان پیشتاز مکتب کلاسیک یاد می کنند مهمترین کتاب وی در زمینه علم اقتصاد، تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل است که به طور خلاصه ثروت ملل نیز خوانده می شود

ثروت اجتماع را به حداکثر خواهند رسانید. آدام اسمیت طبیعتاً مخالف هر گونه دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی بود. او پشتیبان سر سخت سیاست تجارت آزاد در سطح بین المللی و داخلی و طرفدار سیاست آزاد کامل اقتصادی برای تمام مردم جامعه بود. دست نامرئی به طور خودکار از طریق اعمال مکانیسم رقابت کامل، ثروت ملت را نیز به حداکثر خواهد رسید.

تقسیم کار

تقسیم کار نقطه آغازین تئوری رشد اقتصادی آدام اسمیت است. تقسیم کار است که به بهترین وجه سبب بهبود نیروی کار می شود. وی معتقد بود که این قدرت بهره وری نیروی کار است که: ۱- موجب افزایش مهارت هر کارگر خواهد شد. ۲- سبب افزایش میزان پس اندازها برای تولید بیشتر کالا خواهد بود. ۳- سبب ابداع تعداد زیادی ماشین آلات برای صرفه جویی در استفاده از نیروی کار خواهد شد. آخرین مورد بازدهی نه از نیروی کار بلکه از سرمایه سرچشمه می گیرد.

پروسه تمرکز سرمایه

آدام اسمیت تاکید می کند که تمرکز سرمایه قبل از شروع روند تقسیم کار صورت گیرد. اسمیت از تمرکز سرمایه به مثابه شرط لازم برای توسعه اقتصادی یاد می کند. بنابراین حل مشکل توسعه اقتصادی تا حد زیادی بستگی به تواناییهای مردم به پس انداز بیشتر و سرمایه گذاری های بیشتر در یک کشور دارد. به عقیده وی نرخ سرمایه گذاری از طریق نرخ پس انداز تعیین می شود.

از آدام اسمیت به عنوان اقتصاد دان پیشتاز مکتب کلاسیک یاد می کنند. مهمترین کتاب وی در زمینه علم اقتصاد، تحقیق درباره طبیعت و علل ثروت ملل است که به طور خلاصه ثروت ملل نیز خوانده می شود. در این کتاب در سال ۱۷۷۶ میلادی توشته شده و در مورد توسعه اقتصادی نیز مطالبی را در بر دارد. هر چند وی یک تئوری رشد اقتصادی کامل و اصولی عرضه نمی کند ولیکن اقتصاددانان مکتب کلاسیک در سالهای بعد با استفاده از نوشته های وی تئوری رشد اقتصادی موسوم به اسمیت را تنظیم نمودند.

قوانین طبیعی

آدام اسمیت معتقد به دکترین قوانین طبیعی در امور اقتصادی بود. او باور داشت که هر فردی در جامعه می تواند بهترین داور در مورد منافع شخصی خود باشد، بنابراین می بایست هر فرد در جامعه را ترغیب کرد تا دنبال منافع خود باشد. چون هر فرد بهترین داور در مورد منافع خود هست، بنابراین جامعه نیز در بهترین مسیر افتاده و بهترین شکل بندی روابط اقتصادی نصیب چنین جامعه ای خواهد شد. به عقیده وی هر فرد به وسیله یک دست نامرئی که راهنمای مکانیسم بازار است هدایت می شود. این حس نوع پرستی نیست که نانو را وا می دارد که نان تولید کند، بلکه خدمت به منافع شخصی خودش است که او را وا می دارد تا نان بپزد و بفروشد. از آنجا که هر فرد اگر آزاد گذاشته شود سعی می کند حداکثر ثروت را کسب کند، بنابراین تمام افراد اگر آزاد گذاشته شوند، در مجموع



آدام اسمیت معتقد به دکترین قوانین طبیعی در امور اقتصادی بود. او باور داشت که هر فردی در جامعه می تواند بهترین داور در مورد منافع شخصی خود باشد، بنابراین می بایست هر فرد در جامعه را ترغیب کرد تا دنبال منافع خود باشد.

روند رشد

با در نظر داشتن عوامل سیاسی، نهادی و طبیعی در اندیشه، آدام اسمیت تعریف روند یا مسیر حرکت اقتصادی را با این پیش فرض آغاز می کند که یک گروه اجتماعی (که آنرا ملت می نامیم) نرخهای مشخصی از رشد اقتصادی را آزمون می کند که از طریق افزایش در میزان پس اندازها اندازه گیری می شود. این خود سبب گسترش بازارها می شود که خود تقسیم نیروی کار را افزایش می دهد و در نهایت بازدهی نیز افزایش خواهد یافت در این تئوری اقتصاد ملی مانند یک درخت رشد می کند. بی شک این روند در مقابل تهدیدات عوامل خارجی آسیب پذیر است، البته این عوامل غیر اقتصادی هستند، ولی روند رشد کماکان بصورت آرام و مداوم حرکت خود را ادامه می دهد. مسیر حرکت اقتصادی در شرایط گوناگون قرار گرفته و ره رشد خود کماکان ادامه می دهد. نحوه عمل یکایک افراد، مجموعه عمل جامعه را می سازد، عمل هر فرد مانند یک سلول از درخت رشد است. به نظر او تمام این شرایط تنها در موقعیت ترقی و پیشرونده آدام اسمیت رخ خواهد داد که یک موقعیت مناسب و آماده برای پیشرفت در تمام زمینه های موجود در بازار است.

در این تئوری اقتصاد ملی مانند یک درخت رشد می کند

موقعیت ساکن یا رکودی

همانطور که آدام اسمیت یادآوری میکند موقعیت پیشرونده و مترقی دائمی نیست. پایان موقعیت پیشرونده مصادف است با ظهور موقعیت رکودی. توقف رشد اقتصادی تنها به دلیل کمیابی منابع طبیعی است. در شرایط رونق اقتصادی یا دوران موقعیت پیشرونده رقابت برای اشتغال دستمزدها را حتی از سطح حداقل معیشت نیز کمتر می کند و رقابت میان تجار سبب کاهش سودها به پایین ترین سطح خواهد شد. در این حالت تمرکز سرمایه متوقف می شود و رشد جمعیت ساکن شده و سوددهی به حداقل خود می رسد. به عقیده آدام اسمیت موقعیت رکود بسیار کسل کننده است و شور زندگی را می کاهد.

تجارت خارجی به مثابه موتور رشد اقتصادی آدام اسمیت معتقد است که تنها آن دست از ملت ها رشد اقتصادی خواهند داشت که شرایط اقتصاد آزاد را بپذیرند. وی برای ملل عقب افتاده تنها یک راه برای رشد و توسعه اقتصادی پیشنهاد می کند و آن تجارت آزاد با مناطق پیشرفته تر است.

هر چند آدام اسمیت چندان در این مورد ننوشت،

تعیین می شود و تمام پس اندازها نیز سرمایه گذاری می شوند. در نتیجه زمانی اقتصاد در تعادل است که میزان پس اندازها برابر با سرمایه گذاری ها باشد.

زمانی اقتصاد در تعادل است که میزان پس اندازها برابر با سرمایه گذاری ها باشد.

به اعتقاد وی اگر کل وجوه دستمزدها در هر مانی از حداقل معیشت بیشتر شود، عرضه نیروی کار زیاد شده و به حداقل معاش خواهد رسید. در چنین شرایطی تغییر استاندارد زندگی به ویژه کاهش سطح زندگی برای برخی از کارگران مشکلاتی ایجاد خواهد نمود، لذا از مصرف خود نمی کاهند بلکه یا پس انداز منفی کرده و از مایه خواهند خورد و یا از مخارج جنبی جلوگیری خواهند کرد، بدین صورت از مواردی مانند ازدواج و یا داشتن فرزند صرفنظر خواهند کرد. اگر سطح دستمزدها از سطح حداقل معاش کمتر باشد، عرضه نیروی کار کاهش یافته و در نتیجه ثابت بودن و یا افزایش تقاضا برای نیروی کار، دستمزدها افزایش می یابد تا به نقطه تعادل یا سطح حداقل معاش برسد.

بنابراین آدام اسمیت معتقد است: تحت شرایط رکود، سطح دستمزدها آنقدر کاهش می یابد تا به سطح حداقل معاش برسد و در زمان رونق اقتصادی آنقدر کاهش می یابد تا مجدداً به حالت تعادل برسد. میزان افزایش سطح دستمزدها محدود و بستگی به نرخ تمرکز سرمایه و نرخ رشد جمعیت دارد.

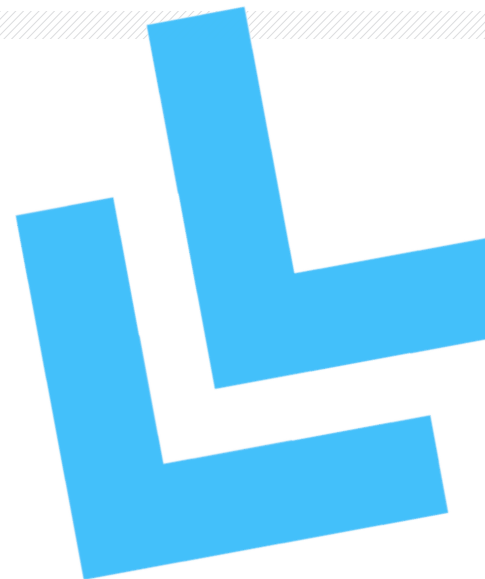
عوامل رشد

به عقیده آدام اسمیت کشاورزان، تولیدکنندگان و تجار عوامل اصلی پیشرفت اقتصادی هستند. این تجارت آزاد با آزادی مالکیت و رقابت است که کشاورزان، تولیدکنندگان و تجار را وادار می دارد تا بازارها را گسترش دهند، که این نیز به نوبه خود توسعه اقتصادی را ممکن می سازد. وظایف این سه عامل رشد با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

برای آدام اسمیت توسعه کشاورزی افزایش فعالیت های ساختمانی و تجارت را به دنبال خواهد آورد. وقتی که بازار تولید کشاورزی در نتیجه توسعه اقتصادی ایجاد گردد، تقاضا برای خدمات تجاری و گسترش فعالیت های صنعتی خواهد شد. از طرف دیگر توسعه بخش تجارت و صنعت خود موجب رشد تولید کشاورزی می شود، چون دهقانان از روشهای نوین تولید در کشاورزی استفاده می کنند. بنابراین تمرکز سرمایه و توسعه به دلیل تشکیل اقشار تاجر، کشاورز و تولیدکننده است.



عمل هر فرد مانند یک سلول از درخت رشد است. به نظر او تمام این شرایط تنها در موقعیت ترقی و پیشرونده آدام اسمیت رخ خواهد داد که یک موقعیت مناسب و آماده برای پیشرفت در تمام زمینه های موجود در بازار است.



راه تجارت بین المللی نیز به وجود آمده است. پس انداز یک جانبه: بر اساس تئوری آدام اسمیت تنها سرمایه داران، زمین داران و نزول خواران می‌توانند پس انداز کنند. این نمایانگر یک طرفه بودن تجزیه و تحلیل وی در مورد پس انداز است. در حالی که در جوامع مدرن پس انداز کنندگان، سرمایه داران نیستند بلکه صاحبان درآمدند.

غفلت از قوه ابتکار: آدام اسمیت نقش قوه ابتکار در توسعه اقتصادی را نادیده می‌گیرد. این مسئله شدیداً تئوری وی را در زمینه رشد و توسعه اقتصادی آسیب پذیر کرده است. در حقیقت یکی از عوامل موثر در توسعه اقتصادی وجود قوه خلاقیت و ابتکار است. پیش فرض غیر واقعی موقعیت راکد یا رکودی: اسمیت معتقد بود که یکی از ثمرات اقتصاد باز سرمایه داری ایجاد شرایط راکد اقتصادی است.

تغییر در یک چنین شرایطی ولیکن تغییرات محدود به دایره کوچکی در حدود نقطه تعادل است. به عقیده وی پیشرفت وجود دارد، اما به صورت آرام، یکپارچه و منظم مانند رشد یک درخت. بنابراین یک چنین تفسیری در مورد توسعه اقتصادی قابل قبول نیست، چون توسعه از طریق اعلام آمادگی آغاز می‌شود و یکپارچه و آرام نیست. بنابراین پیشفرض آن موقعیت راکد یا در جا زدن اقتصادی نمی‌باشد.

مدل ایستا: به عقیده هیکس مدل اسمیت هر چند که مانند یک مدل رشد اقتصادی است ولی به مثابه یک مدل امروزی نیست زیرا سیستم پیوستگی توالی را رعایت نمی‌کند. بنابراین نه یک مدل پویا بلکه یک مدل ایستای رشد اقتصادی است.

ولی پیروان نوین وی و سایر اقتصاددانان پایه گذار مکتب کلاسیک معتقدند که هر ملتی قادر است که در تولید یک یا چند کالا در سطح بین المللی از نظر هزینه برتری نسبی پیدا کند. در نتیجه آنها می‌توانند همچنان برتری خود را حفظ کرده و از طریق مبادله آن با سایر کالاها و خدمات مورد نیاز خود، به آن دسته از کالاها و خدمات دست یابد که برای رشد اقتصادی ضروری است.

یک ارزیابی انتقادی از تئوریهای آدام اسمیت تئوری آدام اسمیت در مورد توسعه اقتصادی سعی بر این دارد که مشخص کند چگونه رشد اقتصادی صورت می‌گیرد و چه عوامل و سیاستهایی آن را تهبیج و تشویق می‌کند. با اینهمه دارای نقاط ضعف زیادی نیز هست:

خشکی و انعطاف ناپذیری جامعه: تئوری اسمیت بر اساس شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر بریتانیا و برخی دیگر از نقاط اروپا بنا شده است. او معتقد به انعطاف ناپذیر بودن تقسیم جامعه بین سرمایه داران و کارگران است. در حالی که طبقه متوسط نقش مهمی در جوامع مدرن دارد. بنابراین، این تئوری از نقش طبقه متوسط که در توسعه اقتصادی نقش مهمی دارد غافل می‌باشد. پیشفرض وجود رقابت کامل: بر اساس نوشته های آدام اسمیت، کل تئوری وی در مورد رشد اقتصادی بر اساس این پیش فرض غیرواقعی است که شرایط رقابت کامل بر اقتصاد ملی حاکم است. سیاست آزادی مطلق کسب و کار و رقابت آرا را نمیتوان در هیچ اقتصادی یافت. از طرف دیگر با توجه به پدایش انحصارات محدودیتهایی بر فعالیت آزاد اقتصادی ایجاد شده است. همینطور یک چنین محدودیتهایی بر سر



خشکی و انعطاف ناپذیری جامعه: تئوری اسمیت بر اساس شرایط سیاسی اجتماعی حاکم بر بریتانیا و برخی دیگر از نقاط اروپا بنا شده است. او معتقد به انعطاف ناپذیر بودن تقسیم جامعه بین سرمایه داران و کارگران است.

گذری بر نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار ایران

بیان می داریم .

آموزش در ایران باستان

در فلات ایران، حدود پانزده هزار سال پیش، انسان حضور داشته است و نزدیک به چهار هزار سال قبل، آریایی‌ها و از آن جمله مادها، پارسی‌ها و پارتی‌ها به سرزمین ایران مهاجرت کردند. مادها در غرب و پارسی‌ها در جنوب و پارتی‌ها در شرق فلات ایران ماندگار شدند و حکومت‌هایی تشکیل دادند. مادها در حدود هفتصد سال پیش از میلاد در سرزمین‌های غرب ایران زندگی می کردند و دولت ماد را بنیان گذاشتند. در دوره مادها، کودکان و نوجوانان راه و رسم زندگی و کار و جنگاوری را در خانه و ایل فرا می گرفتند. آموزش رسمی مخصوص روحانیان بود. روحانیان، گذشته از خواندن و نوشتن، اصول و مراسم دینی، اختر شناسی و شیوه‌های پیشگویی سرنوشت دیگران را در مراکز دینی فرا می گرفتند. مردم دیگر از خواندن و نوشتن بی بهره بودند. مادها خطی شبیه خط میخی داشتند. امپراتوری ایران باستان توسط کوروش در سال ۹۵۵ قبل از میلاد تأسیس، و توسط مسلمانان در سال ۱۵۶ میلادی منقرض شد. از ویژگی‌های عمده تمدن ایران باستان که به ایرانیان احساسات ماجراجویی می داد می توان تأکید بر توانایی‌های فیزیکی و بدنی، مذهب، اخلاقیات و جنگاوری را نام برد. در زمان حکومت کوروش و جانشینانش، آموزش تحت تأثیر اخلاقیات زرتشتی و نیازهای نظامی جامعه بود. چهار طبقه اجتماعی نیاز هایشان را توسط آموزش بر طرف می کردند. روحانیون، جنگجویان، کشاورزان و بازرگانان. اخلاقیات زرتشتی آموزش را در جهت پرورش افکار خوب، کلام خوب و کارهای خوب می دیدند. تعلیم و تربیت در این دوران تأکید زیادی روی پیوندهای خانوادگی و احساسات گروهی، پذیرش حکومت، تعلیمات مذهبی، و آماده سازی‌های نظامی داشت. آموزش در دوران هخامنشی به صورت دولتی انجام نمی شد و آموزش‌های اولیه در خانه صورت می پذیرفت. فرزندان که به طبقات بالا متعلق بودند می توانستند در سن هفت سالگی به مدارس در دیوان‌ها بروند. در مراحل بالا ی آموزشی به دانش آموزان قوانین و

وقوع تحولات مهمی که در دهه های اخیر بخصوص بعد از انقلاب اسلامی به وجود آمد موقعیت فرد و جامعه را در جایگاهی قرارداد که بعنوان یک رویکرد رفتاری تربیتی، نسل جوان را به سوی مراکز آموزشی راهی نمود گرایش جدید خانواده در کنار گرایشهای سنتی و هجوم نسل جدید به دانشگاه ها و گسترش کمی آن در انواع مختلف در سال های اخیر کفه ترازو را به نفع گرایش های جدید متمایل ساخته است و موجبات حرکت آموزش و پرورش را به سوی گرایشهای جدید را فراهم ساخته است.

که از میان آنها می توان به راهکارهایی برای آموزش و پرورش کشور در هزاره ی سوم رسید. گسترش علم تکنولوژی علت کم رنگ شدن شد برخی از ارزش های جوامع ما قبل مدرن شد. مدرنیسم به مثابه شکلی خاص از زندگی، خود را بر تمامی جوامع تحمیل کرده و تغییراتی بنیادینی در ماهیت زندگی ایجاد می کند که در تغییر ارزش ها رخ می نماید جوانان این تغییر ارزشها را بی هیچ دغدغه ای می پذیرند و همین سبب گشته که در تمامی جوامع در حال توسعه، میان نسل های جدید تر و نسل های قدیمی تر (فرزندان و والدین) مناقشه و حتی بیگانگی از هم پدید آید. بسیاری از این دگرگونی ها در سطح ارزش های عرفی و قراردادی رخ می دهد و برخی در اعتقادات حادث می شود.

برخی از دگرگونی های ارزش از موجب تغییر صورت مناسبات زندگی اجتماعی می شود و برخی هم چنین نیستند. یک نظام تربیتی و آموزشی کارآمد باید توانایی درک ناگزیری دگرگونی ارزش ها با مدرن شدن جامعه را داشته باشد و همچنین ظرفیت برخورد فعالانه با دگرگونی ها را بوجود آورد یعنی بتواند تغییرات منفی و مثبت در ارزش ها را پالایش کند.

کم نیستند کسانی که عقیده دارند در چند ساله ی اخیر اوضاع و احوال نسل سوم انقلابی علی رغم اقداماتی که در جهت تربیت و هدایت ایشان با استفاده از کلیه امکانات اجتماعی صورت گرفته است و لیکن آنچه مطلوب و مورد نیاز کشور می باشد هنوز بطور کامل حاصل نگردیده است ما در این نوشتار در ابتدا به توصیف و بیان عناصر بطور اجمالی موضوعات مربوطه می پردازیم و سپس به عوامل متعدد داخلی و خارجی آن اشاره کرده و به بحث می گذاریم و در پی آن پیشنهاداتی را



برخی از دگرگونی های ارزش از موجب تغییر صورت مناسبات زندگی اجتماعی می شود و برخی هم چنین نیستند. یک نظام تربیتی و آموزشی کارآمد باید توانایی درک ناگزیری دگرگونی ارزش ها با مدرن شدن جامعه را داشته باشد و همچنین ظرفیت برخورد فعالانه با دگرگونی ها را بوجود آورد یعنی بتواند تغییرات منفی و مثبت در ارزش ها را پالایش کند.

بیشتر معلم محور است و کودک در جریان یادگیری بیشتر نقش انبار کننده را دارد. آموزش و پرورش ایران در پی این بوده است که تغییراتی اساسی در شیوه آموزش کودکان بوجود آورد ولی این تغییرات بیشتر جنبه کمیته داشته و کمتر به کیفیت آموزش توجه گردیده است.

با رسیدن به قرن بیست و یکم، باید مدیران نظامهای آموزش و پرورش به دقت تغییر و تحولات را ارزیابی نمایند تا برای آینده ای پرتحرک و تا حدی مطمئن آماده شوند. وجهی مشخصه ی این آینده، تغییرات سریع و تکنولوژی پیشرفته و تحول همه جانبه ی الگوهای زندگی اجتماعی، اقتصادی موجود می باشد. ایران امروز هنوز با مشکلات بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی، توزیع و مصرف مواد مخدر، رشد سریع جمعیت و برخی مشکلات دیگر دست به گریبان است که آموزش و پرورش آینده نیز با این مسائل درگیر خواهد بود و برنامه ریزان باید بتوانند این مشکلات را بطور شایسته ای که در شان یک کشور اسلامی است حل نمایند. بیش از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی کشورمان می گذرد و در این مدت تلاشهای بسیاری در جهت بهبود و اصلاح آموزش و پرورش در ایران صورت گرفته است. تهیه چند سند ملی، از جمله سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افاق ۱۴۰۴ درباره تنگناها، مسائل و مشکلات آموزش و پرورش، نشان دهنده بخشی از این تلاشهاست. به رغم این تلاشها و صرف نظر از صبغه فرهنگی نظام اسلامی، تغییرات و اصلاحات انجام شده به دلایل متعدد - اعم از درون سازمانی و برون سازمانی - به موفقیت مورد نظر دست نیافته است. به علاوه، بعضی از مشکلات آموزش و پرورش در خلال چهار دهه گذشته همچنان تداوم داشته و حل نشده باقی مانده اند؛ آموزش کتاب محور، نظام مدرک گرا، حفظ مطالب درسی، بی توجهی به تفاوت های فردی، بی توجهی به نیازها و خواسته های فراگیران، محتوای آموزشی نامناسب و نظام اداری متمرکز، از این جمله اند. به طور خلاصه، آموزش و پرورش به عنوان محور توسعه پایدار، وظیفه تربیت نیروی انسانی ماهر جهت کار و تلاش در بازار پر رقابت جهانی و تداوم آموزش آنها به همراه سایر نهادها و سازمان ها را به عهده دارد و در عین حال، مأموریت خطیر آماده کردن نسل جوان برای زندگی در قرن بیست و یکم و آموزش مهارتهای زندگی در ابعاد مختلف را عهده دار است.

بر این اساس، ضروری است که آموزش و پرورش با برنامه ریزی منسجم و آینده نگر در مورد توسعه آموزشها، نه تنها پاسخگوی مشکلات فعلی این نظام باشد، بلکه بتواند نیروی انسانی کشور را برای ورود به عصر دانایی و تبعات ناشی از این ورود در چهار بعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی آماده کند.

کم کار آمدی در آموزش و پرورش

امروزه آحاد جامعه نیاز به اجرای اصلاحات در نظام آموزشی و پرورشی را لمس کرده اند و جوامعی که از شتاب و شدت دگرگونیهای بیشتر در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و علمی برخوردارند به این امر باید بیشتر اهمیت دهند. عوامل زیر نشان می دهد که سال هاست نظام آموزش و پرورش ایران بدون تحول جدی باقی مانده است. کتاب های درسی: هر چند هر ساله شاهد تغییرات در کتاب های درسی هستیم اما اغلب

حقوق، پزشکی، ریاضی، جغرافیا، موسیقی، و نجوم یاد می داند. مدارس نظامی خاصی هم وجود داشت. با فتح ایران توسط اسکندر مقدونی، روشهای آموزشی یونانی جای روشهای آموزشی در دوران هخامنشی را گرفت. این رویه در دوران حکومت پارتیها نیز ادامه یافت. ولی باروی کار آمدن سلسله ساسانی در ایران، نحوه آموزش سنتی ایرانی مجدد احیا شده، توسعه و تکمیل شد.

آموزش در دنیای اسلام

آموزش در اسلام از ارزش زیادی برخوردار بوده است. با مسلمان شدن مردمان از نژادها و جوامع مختلف، آموزش نقش مهمی در تشکیل یک اجتماع به هم پیوسته و جهانی ایفا کرد. تا اواسط قرن نهم میلادی، تقسیم بندی مشخصی از دانش انجام شده بود: علوم به سه دسته تقسیم شده بودند:

- ۱- علوم اسلامی
- ۲- علوم فلسفی و طبیعی
- ۳- علوم ادبی و هنری. علوم اسلامی به بررسی منابع اسلامی مانند قرآن، احادیث و تفاسیر آن می پرداخت. علوم اسلامی از نظر فرهنگی از همه با ارزشتر به حساب می آمد؛ فلسفه و علوم طبیعی به اندازه علوم اسلامی مهم دیده می شد ولی کم فضیلت تر بود. به تدریج و از قرن ۱۱ میلادی به بعد، علاقه به علوم مذهبی به صورت عمده ای جای علوم دیگر را گرفت.

آغاز آموزش و پرورش نوین در ایران

اولین انگیزه ی تشکیل نظام تعلیم و تربیت جدید در ایران، انگیزه هایی از سر شکست های نظامی در برابر عثمانی ها و روس ها بود. دولت وقت و پاره ای از دلسوزان کشور به این فکر متمایل شدند که فلسفه و ادبیات و به طور عام، علوم متداول به تنهایی کار آمدی ندارند و اطلاع از فنون و ابزارهای جدید و نظامی نوین نیز لازم است. در اثر ارتباط با کشورهای دیگر، به تدریج به نیازهای دیگر نیز پی برده شد و اولین مدرسه ها شکل گرفت شروع آموزش به نحوه مدرن در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران به همت امیر کبیر رقم خورد. در دار الفنون علوم فنی، علوم طبیعی و همچنین برخی علوم انسانی توسط اساتید خارجی، و تحت نظارت رضا قلی خان، تدریس می شد. تأسیس این مدرسه باعث ترجمه آثار مختلفی از زبان های اروپایی به فارسی شد.

رضا خان به جهت الگو برداری از غرب بمنظور ترویج فرهنگ آنان، اقدام به ایجاد تغییرات عمده ای در سیستم آموزشی ایران کرد و دستور داد که تمامی افراد جامعه، دختر و پسر، بصورت اجباری به مدارس دولتی بروند، و محتوای کتابهای درسی به روش اروپایی تدوین شوند. او محلی برای تربیت معلمان ایجاد کرد و دانشگاه تهران را بنا نهاد.

با تأسیس دانشگاه تهران دانش آموزان توانستند، پس از به پایان رساندن دوره دبیرستان در رشته های ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی، پزشکی، حقوق، علوم طبیعی و ریاضی، علوم معقول و منقول و مهندسی به تحصیل بپردازند. آموزش و پرورش در ایران بیشتر متمایل به روش پیازه می باشد ولی در عمل شیوه هایی که پیازه بر آن تاکید کرده است عملی نمی شود آموزش در ایران



رضا خان به جهت الگو برداری از غرب بمنظور ترویج فرهنگ آنان، اقدام به ایجاد تغییرات عمده ای در سیستم آموزشی ایران کرد و دستور داد که تمامی افراد جامعه، دختر و پسر، بصورت اجباری به مدارس دولتی بروند، و محتوای کتابهای درسی به روش اروپایی تدوین شوند. او محلی برای تربیت معلمان ایجاد کرد و دانشگاه تهران را بنا نهاد.

انواع روش ها و تکنولوژی مانند فیلم های هالیوودی و غیر اخلاقی، ماهواره، اینترنت، مواد مخدر و بسیاری از موارد دیگر که عامل بروز ناهنجاری های اجتماعی می گردد را به درون جامعه و خانواده وارد کرده اند تا به تغییر فرهنگ، اعتقادات و الگوهای رفتاری و تربیتی نوجوانان و جوانان به اهداف سلطه گرانه خود دست یابند. از آنجا که یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش توجه به معلم و ایجاد فضایی مناسب برای آنان است باید تحول را از معلمان شروع کرد. شأن و منزلت معلم در صورتی نمود عینی پیدا می کند که جایگاه معلم در فرآیند تصمیم گیری تعریف و در نگاه مدیران به عنوان یک باور قلبی پذیرفته شود. تا زمانی که کلیه تصمیمات برنامه ریزان و مدیران آموزشی باید توسط معلمان در مدرسه به مرحله اجرا در بیاید تحول معنا و مفهومی ندارد. تا زمانی که معلم دغدغه مسائل رفاهی و معیشتی دارد و در تامین مایحتاج زندگی با مشکل روبه رو است و به ناچار باید شغل دوم یا سوم نیز داشته باشد انتظار کارآمدی و اثربخشی از او بیشتر شبیه آرزو است تا واقعیت. امروزه اداره مطلوب مدارس شامل اصول و قواعدی است که باید آنها را آموخت و به کار بست. با رشد روزافزون علم و تکنولوژی در دنیا، دوره اداره آموزش و پرورش به روش سنتی و متمرکز بدون پویایی و رویکرد تحولی و ناهماهنگ به سر آمده است.

کم کار آمدی نظام تربیتی

الف) تربیت در فضای بسته: در فضای بسته خلاقیت های مجالی برای ظهور پیدا نکرده، در نتیجه نظام تربیتی از همفکری و مشارکت همگانی محروم می گردد و از نظریات انتقادی و اسلامی نیز بی بهره می گردد.

ب) تکیه بر آموزش به جای تربیت: آموزش در یک نظام تربیتی سهمی کوچکی دارد و کارآمدی یک نظام با استفاده از روش های خاص تربیتی در قالب برنامه های متنوع افزایش می یابد.

ج) تربیت و تبلیغات: اگر چه تبلیغات در دنیای امروز از تأثیرات فراوانی برخوردار است، اما نمی تواند به درونی شدن ارزش ها کمک زیادی نماید، حال آنکه یک نظام تربیتی کارآمد باید بیش از هر چیز به درونی شدن آموزه های خود در افراد بیندیشد.

د) پاسخ به سؤالات: عدم مشارکت فعال دانش آموزان در کلاس های درس، موجبات بی تفاوتی و بی رغبتی آنان در امر آموزش می گردد. لذا ضروری است با فعال نمودن دانش آموزان در طرح سؤالات مرتبط و ترغیب آنان در جستجو و تحقیق می تواند در طراوت و نشاط تربیتی و آموزشی بسیار موثر باشد.

ه) تکیه بر پویایی مذهب: با توجه به بروز پرسش و شبهات در اعتقادات دینی در سنین نوجوانی و جوانی لازم است کارشناسان دینی به اینگونه سؤالات و شبهات پیش روی آنان بطور مستدل با رعایت میزان درکشان بر اساس نیاز روز پاسخ دهند و راه انحراف فکری را ببندند.

و) استفاده از تمامی سرمایه و امکانات: عدم بکارگیری مناسب از امکانات و ظرفیت های موجود و موازی کاری ها باعث هدر رفتن سرمایه های مادی و معنوی شده و حاصل بدست آمده کم اثر شده است که لازم است با بکارگیری سرمایه ها و امکانات موجود در جامعه، می تواند واجد تأثیرات عظیمی در بازدهی شیوه های تربیتی

آنها مفاهیم گویایی برای دانش آموزان ندارند، آنها را نقاد و تحلیلگر بار نمی آورند، کاربردی نیستند و کارهای علمی و آزمایشگاهی و تحقیقاتی جایگاه بسیار اندک در موضوعات درسی دارد. آموزش و پرورش امروز کشور ما معلم و کتاب درسی تصمیم گیرنده هستند. البته به علت ضعف علمی و همچنین تمرکز در سیستم آموزش و پرورش در واقع معلم نیز تنها توضیح دهنده ی کتاب درسی است و دانش آموز باید مسائل مطرح شده در کتاب و تحلیل های معلم را بپذیرد در حالی که یکی از رویکردهای جدید در آموزش و پرورش در جوامع پیشرفته تفکر خلاق است. شیوه ها و روش های تدریس: نظام آموزشی غیر هدفمند که همواره شیوه های تدریس سنتی را سرلوحه کار خود قرار می دهد معلم نقش محوری را در کلاس درس دارد و بیشتر مبتنی بر سخنرانی و استفاده از مهارت های کلامی است و این عامل سبب می شود دانش آموزان در فرآیند تدریس و یادگیری و ایفای نقش فعالی نداشته و فرصت مشارکت کمتری را پیدا کنند.

تغییر مدیران و اعمال سلیقه در نظام آموزشی: یکی از معضلاتی که دامنگیر آموزش و پرورش است این است که اغلب برنامه ها و تصمیمات اتخاذ شده با تغییر مدیران دستخوش تغییر و تحول می شود. نگاههای سلیقه ای، صدور بخشنامه ها و آیین نامه های متعدد، گرفتاری دروادی سلیقه شخصی و تن دادن به آزمون و خطا، ضربات جبران ناپذیری را بر پیکره نظام آموزشی وارد کرده است. هماهنگ نبودن با تکنولوژی روز دنیا: هر چند در قرن ۲۱ زندگی می کنیم و با دنیایی مدرن، کامپیوتر، ماهواره، اینترنت و... روبه رو هستیم اما متأسفانه تنها ابزار آموزشی ما در بسیاری از مدارس «گچ و تخته» است و هنوز سیستم آموزشی ما نتوانسته با دنیای تکنولوژی وفق پیدا کند. کم توجهی به نقش معلم: بی توجهی به نقش معلم در تحول آموزش و پرورش یکی از دلایل عقیم ماندن تحول نظام آموزشی است. تا زمانی که سه چالش اساسی مانند پایین بودن شأن و مقام معلم در جامعه، پایین بودن سطح دانش و مهارت حرفه ای آنان و پایین بودن سطح حقوق و مزایای معلمی وجود داشته باشد، نمی توانیم تحول بنیادی در آموزش و پرورش ایجاد کنیم زیرا تحول را باید از معلمان شروع کرد. توجه و نگاه کلی به کمیت ها در آموزش و پرورش: آموزش و پرورش در ایران آنقدر به حاشیه های سرگرم کننده از قبیل نوسازی و تجهیز مدارس، معیشت، مسکن، حقوق معلمان و به طور خلاصه درگیر مسائل کمی شده که از پرداختن به موضوع اصلی که فرآیند صحیح تعلیم و تربیت است دور مانده است.

کم رنگ بودن مشارکت مردم در مباحث آموزش و پرورش: مشارکت مردم در انجمن اولیا و مربیان در حد بسیار پایینی است و در بسیاری از خانواده ها گاهی دیده شده که به این انجمن با نگاه دیگری می نگرند. بی توجهی به مقوله فرهنگی و تهاجم فرهنگی: بی توجهی به مقوله فرهنگ در سال های اخیر آنقدر پیش رفته که سبب تغییر ذائقه جامعه شده و در واقع کارهایی از جنس فرهنگی کم سودترین یا حتی زیانبارترین کارها به حساب می آید و در این میان فرصت طلبان با استفاده از خलाهای موجود و سرمایه گذاری فراوان، آینده ملت و کشور را نشانه رفته اند که این مهم یکی از عوامل جدی توطئه ی دشمن خارجی و عوامل وایادی آن در قالب تهاجم فرهنگی است.

امروزه شاهدیم که دشمنان اسلام و ایران با بهره گیری از



امروزه اداره مطلوب مدارس شامل اصول و قواعدی است که باید آنها را آموخت و به کار بست. با رشد روزافزون علم و تکنولوژی در دنیا، دوره اداره آموزش و پرورش به روش سنتی و متمرکز بدون پویایی و رویکرد تحولی و ناهماهنگ به سر آمده است.

داشته باشد.

ز نگاه ونگرش مناسب به نسل جوان: نگاه آمرانه، از بالا به پایین، تحقیرآمیز و سرشار از بی اعتمادی، باعث بی‌اعتنایی و حتی موضع‌گیری مخاطبان، به ویژه نسل جوان نسبت به نظام تربیتی خواهد شد، زیرا در این نگاه جوانان افرادی ضعیف و نیازمندی هستند که باید بطور دائم خوبی‌ها و بدی‌ها را به ایشان گوشزد کرد و مراقبشان بود و از این منظر، افکار و اظهارنظرهای جوانان به حکم آنکه بچه‌اند قابل اعتنا نیست. بدیهی است واکنش طبیعی نسل جوان به چنین روشی انفعالی است.

حال با توجه به اهمیت نظام تربیتی و آموزشی باید یک برنامه آموزشی را طراحی نمود که در عین حفظ هویت و ارزش‌های اسلامی و ملی موجب تحول و تغییرات در جامعه شده و بتواند پاسخگوی نیازه‌های نسل‌های بعدی جامعه شود. از مسائلی که در آموزش و پرورش باید مدنظر قرار گیرد چهار رکن تعلیم و تربیت است. این چهار رکن عبارتند از ((یادگیری برای زیستن، یادگیری برای دانستن، یادگیری برای انجام دادن و یادگیری برای زیستن با دیگران است)) در واقع تأکید تعلیم و تربیت به بحث آموزش، هم‌اکنون منحصر شده به حفظ کردن برای گذراندن امتحان. ضرورت‌های بازنگری در آموزش و پرورش کشور: در دهه‌های گذشته، کشورهای توسعه یافته ویا در حال توسعه، با فراز و نشیب فراوانی در انجام رسالت اصلی آموزش و پرورش همچون توان بخشیدن به آحاد جامعه در جهت توسعه‌ی کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندیهای آنان کوشیده است. حصول این هدف هر چند دشوار و طولانی است، اما در جهت بهتر زیستن امری ضروری می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ارکان پیشرفت هر جامعه، نظام آموزش و پرورش آن جامعه است و تجربه نشان داده که چگونگی وضعیت آموزش و پرورش در کشورهای مختلف، در مسیر رشد ویا انحطاط هر کشور در طول حیات تاریخی آن، تأثیرگذار بوده است. هر جامعه پیشرفته‌ای باید از سیستم آموزشی مدرن و مترقی برخوردار باشد و این سیستم مترقی، مسلماً در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی و اخلاقی اثر گذار است.

برنامه ریزی آموزشی

از عمر برنامه ریزی آموزشی جدید نزدیک به یک قرن می‌گذرد. برنامه ریزی آموزشی جدید ابتدا در سال ۱۹۲۸ در اتحاد جماهیر شوروی سابق با تهیه و اجرای برنامه‌های پنجساله توسعه پا به عرصه وجود گذاشت. پس از آن در کشورهای اروپایی در خلال دهه ۱۹۴۰ مورد توجه قرار گرفت و کشورهای اروپایی کوشیدند برنامه ریزی آموزشی خود را به استانداردهای قابل قبول نزدیک کنند. در کشورهای در حال توسعه حدوداً از دهه ۱۹۵۰ که همزمان با تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این کشورها بود، برنامه ریزی آموزشی دستخوش تحولات قابل توجهی شد. برنامه ریزی در آموزش و پرورش در ایران از ۲ جنبه درونی (تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی) و بیرونی (انطباق روند آموزش با نیازهای جامعه) نظرات سلبی و ایجابی بسیاری را به همراه داشته است. پس از پایان انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاه‌ها، روند رو به تزاید گرایش جوانان به تحصیل در رشته‌های گوناگون علوم کاربردی و علوم دستوری ادامه

یافت. به طوری که نیازهای کشور به نیروی انسانی متخصص در رشته‌های مختلف به طور نسبی بر طرف شد. تأثیرگذاری جریان آموزش و پرورش کشور در این موفقیتها چشمگیر و قابل توجه است. اما پس از گذشت یک دهه، به علت کمبودهای موجود در عرصه اقتصاد آموزش و پرورش و در نهایت کمبود فضاهای آموزشی موجب شد در سال ۱۳۶۸ مدارس خصوصی غیرانتفاعی به عنوان مدارس غیر دولتی به فعالیت‌های آموزشی رسمی بپردازند اما به علت اینکه فعالیت‌های بخش خصوصی در زمینه‌های گوناگون درست برنامه ریزی نشده بود، مدارس خصوصی به علت نداشتن تعادل اقتصادی خانواده‌ها بر توزیع فرصت‌های کیفی آموزشی در میان دانش‌آموزان مورد انتقاد قرار گرفت.

برنامه ریزی برای پیشبرد هر گونه طرحی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما برنامه ریزی و توجه به جزئیات مرتبط با اجرای مراحل برنامه در سطح فعالیت‌های آموزش و پرورش از ظرافت و پیچیدگی خاص برخوردار است. اما با این همه، نمی‌توان از اثرگذاری مقتضیات اجتماعی موجود در کشور بر برنامه ریزی‌های آموزشی بی‌اعتنا گذشت. همانطوری که مایکل کرسنت می‌گوید: «سیاستگذاری برای مدارس وارد یک شبکه ماتریسی پیچیده شده که دارای زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.» پس برنامه ریزان باید پیش از برنامه ریزی به شرایط و امکانات موجود کشور توجه خاصی داشته باشند و متغیرهای تأثیرگذار و تداوم بخش یک برنامه آموزشی را با دقت مورد ارزیابی کارشناسانه قرار دهند تا برنامه‌های آموزشی با پشتوانه‌ای علمی، فرهنگی و اقتصادی بر بهبود کمی و کیفی آموزش نیروهای انسانی بیفزایند. اما علاوه بر کاستی‌های مالی و اقتصادی در آموزش و پرورش، آنچه در برنامه ریزی‌های کلان آموزش و پرورش از اهمیت خاصی برخوردار است، مطالعه و تحقیقی دقیق از وضعیت اجتماعی، روانشناسی و کنشگرهای جوانان در این برهه از زمان است تا بتوان در مسیر برنامه‌های آموزشی از حداکثر پتانسیل‌های علمی و آموزشی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در جهت بخشیدن اندیشه‌های جوانان استفاده کرد و به نوعی آموزش را در مسیر آموزشی هدفمند و همه‌جانبه در اختیار گرفت.

مدیریت در آموزش و پرورش

تحول و دگرگونی در عرصه تعلیم و تربیت باید از مدیریت آموزش و پرورش آغاز شود. (فیلیپ کومبز) توسعه پایدار، اقتصاد پویا، قضاوت صحیح، امنیت همیشگی و عدالت در سایه تعلیم و تربیت به وجود می‌آید. پس راه نجات هر جامعه و ملل داشتن نظام تعلیم و تربیت توانمند و نیروی ماهر است. مدیریت در آموزش و پرورش با سایر نهادها و دستگاه‌ها تفاوت فوق‌العاده دارد. در بعضی از ارگان‌ها مدیر به اجرای امور اداری و مصوبات دستورالعمل‌ها موظف و مشغول است در حالی که طبق این تعریف مدیریت آموزش و پرورش ایجاد زمینه و فراهم ساختن امکانات به منظور به کارگیری استعداد‌های افراد تحت تعلیم، تحکیم بخشیدن به روابط انسانی و اتخاذ روش و تعیین خط مشی اصولی در کلیه امور برای بارور ساختن هدفهای تربیتی را دنبال می‌کند. به عبارت دقیق‌تر وظیفه مدیر اتخاذ روش خاصی منطبق بر محیط تربیتی است که پرداختن به



حال با توجه به اهمیت نظام تربیتی و آموزشی باید یک برنامه آموزشی را طراحی نمود که در عین حفظ هویت و ارزش‌های اسلامی و ملی موجب تحول و تغییرات در جامعه شده و بتواند پاسخگوی نیازه‌های نسل‌های بعدی جامعه شود.

امور روزمره اداری یکی از وظایف محسوب می شود. اجرای صحیح مقررات و دستورالعمل‌هایستگی به رهبری فرد (مدیر) دارد پس برای نجات طوری دیگر غیر از این چیزی که در حال حاضر در بعضی از مدارس ما و ادارات آموزش و پرورش وجود دارد باید عمل کرد. با بکار گماردن افرادی که کمترین سابقه مدیریت را ندارند، طبقه بندی کردن مدارس به محل و خیابان، عدم تقسیم بندی صحیح معلمان در مدارس، عدم توجه به زندگی و معیشت فرهنگیان از جمله ضعف های نظام فعلی آموزش و پرورش محسوب می شود. در نظام آموزشی کنونی توانایی رسیدن به توسعه همه جانبه راکه در شان کشور اسلامی ما است حاصل نخواهد شد.

تازمانی که ما براساس سلیقه شخصی در نظام تعلیم و تربیت گام برداریم رسیدن به شاخصهای عنوان شده بسیار سخت خواهد بود. امروزه جهش آموزش و پرورش، ایجاد سیاستهای جدید تربیتی، نوسازی تعلیمات و دگرگونی سیستمهای آموزشی لزوم توجه به مدیریت آموزش و پرورش را بیش از پیش متذکر می شود و بهسازی مدیریت آموزشی را شدت می بخشد. همه جوامع مترقی پی برده اند که یک نظام آموزشی نمی تواند به خواسته های ترقی خواهانه و اصولی خود جامعه عمل بپوشاند مگر اینکه مدیریت به مسئولان آموزش دیده و با تجربه سپرده شود و علیرغم اینکه در این نظام که یکی از اصیل ترین و وسیع ترین قشر فرهنگی تاریخ کشور، یعنی معلمان، شرکت داشته اند و همه نهادها، گروهها و احاد جامعه به نوعی در تحقق اهداف آن مشارکت دارند، با این وجود اکنون با مشکلات و چالشها مواجه می باشد، به گونه ای که بسیاری از محققان و اندیشمندان جامعه، ریشه اغلب مشکلات، نابسامانیها، نارساییها و بحرانهای اجتماعی را در سیستم و فرایند آموزشی جستجو و معرفی می کنند. قریب به ۱۵ درصد بودجه کشور در آموزش و پرورش به مصرف می رسد برغم زحمات فراوان و بی شایبه قاطبه معلمان در مقایسه با کارمندان سایر سازمانها و نهادهای دولتی، بیشترین کار مفید را به انجام می رسانند، میزان کارآمدی و اثربخشی آن در حد جایگاه کشور نبوده است. به گمان برخی از منتقدان، نظام فعلی آموزش و پرورش پاسخگوی خیل عظیم مطالبات، نیازها و انتظارات جامعه نیست و نیازمند اصلاحات جدی و اساسی است. بحث مدیریت براساس یافته های علمی یکی از جمله اهدافی است که در برنامه های آموزشی ملل توسعه یافته دنبال می شود. مدیریت علمی ای که ابتدا از سوی فردریک تیلور (۱۹۱۱) مطرح شد، در سطح عملیاتی به اصول قابل توجهی چون «گسترش علم و آگاهی، انتخاب کارکنان بر مبنای علمی و افزایش توان علمی آنان، تقسیم منطقی کار و مسوولیت و انگیزه کار ناشی از شوق درآمد اقتصادی آنان» تاکید داشت واز نظر هانری فایول که بنیانگذار مدیریت جدید به شمار می رود، مدیریت عبارت است از کارکردهای برنامه ریزی شده، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل. اما با توجه به نظریه پردازی های تخصصی در مدیریت جدید، الگوبرداری از آنان بدون در نظر گرفتن ویژگی های فرهنگی، مذهبی و تاریخی درون جامعه نمی تواند در آن واحد تاثیرات اثر بخشی داشته باشد.

انواع مدیریت

اقتدار فرمند یا شخصیتی (مدیریت شخصیتی): این نوع مدیریت در برخی جوامع با توجه به ساختارهای سنتی موجود شکل گرفت. این نوع مدیریت بیش از این که بر پایه تجربیات مدیریتی و نظریات علمی و بر پایه یافته های علمی چون روانشناسی، جامعه شناسی و اقتصاد استوار باشد، بیشتر قائم به ذات شخصیت فرد است. این نوع مدیریت از دیرباز در کشورمان وجود داشته و دارد و کوشش کرده است در برخی حوزه های عملیاتی خود از یافته های مدیریت جدید بهره مند شود و بنیان مدیریت خود را سامان دهد. این نوع مدیریت در نظام آموزش و پرورش ایران در دوره های مختلف جلوه های تازه ای به خود گرفته و تصمیمات خود را در چگونگی بهره گیری و تخصیص منابع موجود اعمال می کند.

اقتدار سنتی (مدیریت سنتی): این نحوه مدیریت و رهبری بر مبنای سنت ها، عرف و عادات موجود در هر جامعه شکل می گیرد. این نوع مدیریت بر این نگرش تاکید. در ایران این نوع مدیریت بیش از انقلاب اسلامی بر میگرد و چون آموزش و پرورش قبل از مشروطه هنوز سامان یافته و سازماندهی نشده بود و عوامل تاثیرگذار بیرونی موجود در هدایت آموزش تاثیر نداشتند و محتوای آموزش نیز محدود به آنچه بود که مرشد یا معلم مورد نظر آنها را از پیش آموخته بودند و به نوآموزان جدید انتقال می دادند، لذا مدیریت به نوعی بر پایه سنتها و عرف معمول در جامعه و خاصه بر پایه آموزه های دینی استوار بوده است.

اقتدار عقلانی قانونی (مدیریت علمی)

این نوع مدیریت با تاکید بر هدایت سازمان یافته شکل گرفته و منشأ این نوع مدیریت ساختار نظام مند قوانین و مقرراتی است که هدایت سازمان را به عهده میگیرد و برای اعمال اقتدار و نظارت بر روابط درون سازمانی از تصمیم گیری تا عملیات را به عهده دارد. بی تردید کشور ژاپن به عنوان پیشگام کشورهای جهان در دنیای فناوری قرن بیست و یکم، توجه بسیاری از جهانیان را به خود جلب کرده است. یکی از دلایل موفقیت ژاپنی ها توجه به بحث مدیریت آموزشی است. در کشور ژاپن اعتقاد بر این است که اصلاح فرهنگ کشور و اجرای هرگونه برنامه تربیتی بستگی به همت والای مدیران دارد. در این کشور داوطلبان شغل مدیریت مدارس به وسیله آزمونی تحت نام آزمون تعیین صلاحیت حرفه ای مدیران و معاونان مدارس که از سال ۱۹۹۶ در سراسر ژاپن متداول گردیده گزینش می شوند. قبول شدگان این آزمون پس از گذراندن یک دوره ی یکساله در زمینه ی مدیریت آموزشی که در مراکز عالی تربیت معلم پاداشکدهای علوم تربیتی دانشگاههای ژاپن برگزار می گردد، مدیریت مدارس را برعهده می گیرند قابل ذکر است که داوطلبان شغلی مدیریت علاوه بر پذیرش در آزمون و گذراندن دوره باید واجد شرایط زیر باشند:

- ۱- دارا بودن پنجاه سال سن برای تصدی معاونت و پنجاه و چهار سال سن برای مدیریت مدارس
- ۲- دارا بودن حداقل بیست سال تجربه موفق آموزشی برای مدیران و پانزده سال برای تصدی شغل معاونت مدارس
- ۳- دارا بودن تألیفات و آثار علمی و تربیتی قابل قبول
- ۴- دارا بودن تحصیلات دانشگاهی (حداقل لیسانس)



مدیریت علمی ای که ابتدا از سوی فردریک تیلور (۱۹۱۱) مطرح شد، در سطح عملیاتی به اصول قابل توجهی چون «گسترش علم و آگاهی، انتخاب کارکنان بر مبنای علمی و افزایش توان علمی آنان، تقسیم منطقی کار و مسوولیت و انگیزه کار ناشی از شوق درآمد اقتصادی آنان» تاکید داشت واز نظر هانری فایول که بنیانگذار مدیریت جدید به شمار می رود،

دارندگان درجه ی علمی کارشناسی ارشد که صاحب گواهینامه درجه یک معلمی باشند در اولویت قرار می گیرند.

آموزش و پرورش و جایگاه معلم

هر چند قریب ۱۵ درصد از بودجه و منابع دولتی در آموزش و پرورش هزینه می شود، اما با توجه به رسالت خطیر و سنگین نظام آموزشی و گستره تحت پوشش آن، افزون بر نود درصد بودجه مزبور صرف هزینه های جاری و پرسنلی می شود و انگیزه های مالی، موجب جذب نشدن نیروهای کیفی از یکسو و عدم استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود از سوی دیگر خواهد شد و علاوه بر تاثیر بر کیفیت آموزش، ساختار بازارکار شاغلان این بخش حیاتی را نیز با پدیده های نامطلوبی چون چند شغلی و فقدان انگیزه برای توسعه ظرفیت های فردی، روبرو خواهد ساخت و در نهایت موجب تربیت نیروهای کم باز ده به سایر بخش ها کار و تولید می شود که معنای ضعیف شدن تدریجی خصایل معلمی خواهد بود. بسیاری از خانواده ها و اولیای دانش آموزان ما با سعی فراوان و به امید آینده بهتر برای فرزندان خود مشغول پرداخت هزینه تحصیلی فرزندان خود در بیرون از سیستم آموزش رسمی در قالب تهیه معلم خصوصی، خرید کتب، جزوات و نوارهای آموزشی و کمک آموزشی، ثبت نام در کلاسهای فوق العاده، کلاس زبان، کلاس کنکور و غیره می باشند و علی رغم این متاسفانه بسیار دیده می شود که یک دیپلمه حتی در مکالمه، توان بیان یک جمله انگلیسی را ندارد که نشان از ضعف سیستم آموزشی دارد. و این در حالی است که در دنیای معاصر سیستم آموزشی کانون توجه و تکیه گاه تمام دولت ها برای توسعه پایدار و همه جانبه است. از مسائل مهم در نظام آموزش و پرورش که باید مورد توجه مسئولین باشد، شان و منزلت معلم است برای مثال در ژاپن بها دادن به معلم امری جدی و مورد تاکید است. در فرهنگ ژاپن معلم از احترام و منزلت والایی برخوردار است. برای استخدام معلمان چند آزمون و مصاحبه برگزار می شود. حقوق معلمان مدارس بر

اساس دو عامل تحصیلات و سابقه مشخص می شود هر سال بر اساس قانون افزایش حقوق معلمان مدارس دولتی مصوب ۱۹۵۴ در حقوق معلمان تجدید نظری شود تا قدرت خرید و سطح رفاه مادی آنان کاهش نیابد.

علاوه بر آن هر دو سال یک بار معلمان از ارتقای پایه برخوردار میشوند و به معلمان شایسته ارتقای اضافی نیز داده می شود. کلیه معلمان علاوه بر حقوق ماهانه، کمک هزینه مسکن، کمک ایاب و ذهاب و پاداش دریافت می کنند. پاداش که هر سال سه بار به معلمان داده می شود معادل ۵/۳ برابر حقوق ماهانه هر معلم است. افزون بر تسهیلات مالی فوق، شورای مرکزی آموزش و پرورش ژاپن با توجه به این اصل که هیچ تغییر و تحول در نظام آموزش و پرورش صورت نمی گیرد مگر آنکه از همکاری معلمان شایسته و زده با سطح رضایتمندی بالایی نسبت به شغل خود استفاده شود، دست به اجرای طرحی در جهت ارتقای کیفیت برنامه های مراکز تربیت معلم و فراهم سازی امکانات رفاهی بیشتر برای معلمان زده است. و به همین جهت در حال حاضر تنها ۵/۸ درصد معلمان ژاپن دارای مدرک پایین تر از لیسانس هستند. از آنجا که در بیشتر جوامع، تولید کنندگان علم و دانش و آموزش دهندگان از سطوح فرهیختگان جامعه هستند و از نظر اقتصادی جزو لایه های میانی و پایین دست جامعه محسوب می شوند، باید ترتیبی اتخاذ شود تا تدوینگران و برنامه ریزان آموزش و پرورش از تاثیر گذاری عوامل اصلی آموزش، بی دغدغه و با بی تفاوتی گذر نکنند. چرا که در دنیای جدید تاثیر گذاری یک تصویر و یک فیلم، مجله، روزنامه و دهها ابزار دیجیتالی بر روند جامعه پذیری و آموزش و تربیت جوانان بسیار آسان تر از اثر گذاری یک رابطه و پس باید عوامل اصلی باز آفرین در امر آموزش و پرورش را به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم در برنامه ریزی های آموزش و پرورش از حمایت مادی معنوی برخوردار کرد تا معلم به دور از دغدغه های معیشتی، با دغدغه های علمی و آموزشی در عرصه آموزش کشور تاثیر گذار و مفید واقع شوند.

تحول در نظام آموزشی



مدیریت عقلانی، با تاکید بر هدایت سازمان یافته شکل گرفته و منشأ این نوع مدیریت ساختار نظام مند قوانین و مقرراتی است که هدایت سازمان را به عهده میگیرد و برای اعمال اقتدار و نظارت بر روابط درون سازمانی از تصمیم گیری تا عملیات را به عهده دارد.



آموزش و پرورش معنا می‌یابد از این‌رو، در نظام آموزشی، پویایی نظام می‌تواند از یک سو، از تغییر و اصلاح و نوآوری آغاز و با تأثیر بر ارتقای نظام به نقطه‌گایی خود یعنی تحول در نظام آموزشی ختم شود و از سوی دیگر، می‌تواند با تحول رویکردهای نظری و باز تعریف آرمان‌ها و دستاوردهای نظام آموزشی، منجر به تغییر، اصلاح و نوآوری شود تا به این وسیله ارتقای نظام آموزشی حاصل آید.

کارکرد نظام فلسفی آموزش و پرورش در ایجاد تحول

اصلی‌ترین کارکرد نظام فلسفی آموزش و پرورش در ایجاد تحول، تعریف ویژگی‌های نظام آموزش و پرورش مطلوب و خروجی‌های (فارغ‌التحصیلان) آن است. با تعریف ویژگی‌های یاد شده، امکان تعیین یا بازنگری در اصول کلی و اهداف (اعتقادی، اخلاقی، علمی، فرهنگی و هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی) آموزش و پرورش فراهم می‌شود. متناسب با هر یک از ویژگی‌ها و اهداف نظام آموزشی، بازخوردهای لازم برای تغییر یا اصلاح زیرمجموعه‌هایی از جمله برنامه‌ریزی درسی، روش‌های یاددهی - یادگیری، برنامه‌ریزی و مدیریت نظام آموزشی، تربیت و ارتقای منابع انسانی (به ویژه معلمان)، مشارکت‌های بین بخشی و بسترسازی قانونی در دسترس برنامه‌ریزان برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های رویکرد تحولی در آموزش و پرورش

- تحول موضوعی است پویا، جامع و مستمر به موازات تمام فرآیندهای آموزشی.
- تحول فرآیندی است نیازمند نهادینه شدن و دخالت تمام اجزای نظام و زیر نظام‌های آموزشی.
- برنامه‌ریزی تحولی در راستای تجربه‌های قبلی و استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود آموزش و پرورش به انجام می‌رسد.
- بسترسازی تحولی نیازمند رویکردهای فرابخشی با محوریت نهادهای تأثیرگذار بر بخش آموزش و پرورش است.
- برنامه‌ریزی تحولی نیازمند برنامه زمانی مشخص و سازمان اجرایی معین است.

حوزه‌های اجرایی تحول در آموزش و پرورش

- تدوین و طراحی نظام فلسفی آموزش و پرورش شامل تعاریف، مفاهیم، نقش و کارکرد، حوزه کاربرد، انطباق با ویژگی‌های دینی و فرهنگی.
- باز تعریف ویژگی‌ها و اهداف آموزش و پرورش بر اساس نظام فلسفی آموزش و پرورش متحول.
- بررسی شیوه‌های ایجاد ویژگی‌های رفتاری آموزش و پرورش مطلوب در خروجی‌های نظام آموزشی.
- عملیاتی کردن مفهوم تحول در نظام آموزشی و مجموعه‌های آن. - بازنگری در نظام آموزشی و تدوین راهکارهای مورد نیاز برای گذر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب طی یک برنامه زمانی مشخص.
- بررسی شیوه‌های دخیل کردن تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های بخش آموزش و پرورش در ایجاد تحول.
- بررسی و استقرار شیوه‌های مشارکت بین بخشی.
- ایجاد زمینه‌های نهادسازی و حمایت‌های قانونی نهادهای ذی‌ربط در ایجاد تحول در آموزش و پرورش.

از دیدگاه تحولی، نظام آموزشی را می‌توان دارای دو زیرنظام اصلی دانست: نظام فلسفی و نظام اجرایی. کارکردهای اصلی نظام آموزشی عبارت‌اند از: دسترسی به آموزش (تحت پوشش قرار دادن تمام افراد لازم‌التعلیم در دوره‌های مختلف تحصیلی)، عدالت آموزشی (دسترسی بهینه و یکسان تمام افراد جامعه به آموزش)، کیفیت آموزش (رعایت استانداردهای مورد نیاز در فرآیند آموزش)، کارایی داخلی (بهره‌وری در نظام آموزشی) و اثربخشی (ایجاد پیامدهای مورد نظر و مطلوب از نظام آموزشی و تأثیر آن بر سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی). به عنوان فرآیند، نظام آموزشی تحت تأثیر نظام اجرایی یا ابزارهای مورد نیاز برای حصول به نتایج و اهداف آموزشی قرار دارد.

این ابزارها، از یک سو نظام برنامه‌ریزی و مدیریت مجموعه نظام آموزشی را شامل می‌شود و از سوی دیگر، به روش‌های یاددهی - یادگیری (که تمام فرآیند تدریس، یادگیری و نظام ارزشیابی و امتحانات را شامل می‌شود) باز می‌گردد. همچنین سایر موارد دیگری که به حوزه به کارگیری منابع مالی، انسانی و فیزیکی، روش‌های تربیت و ارتقای حرفه‌ای معلمان و فرآیند برنامه‌ریزی درسی مربوط می‌شود، در این حیطه قرار دارد اما آنچه از همه مهم‌تر است و به نوعی محیط بر بخش آموزش و پرورش و نظام مربوط به آن بوده، نظام فلسفی آموزشی و پرورش است که طی آن، رویکردهای نظری ناظر بر آرمان‌ها، اهداف، روش‌ها، نتایج و دستاوردهای آن تعیین می‌شود. اینکه کارکردهای اصلی بخش آموزش و پرورش به صورت یکسان و در قالب حوزه‌های برابر دسترسی، عدالت، کیفیت، کارایی و اثربخشی مورد نظر و پی‌گیری تمام برنامه‌ریزان و سیاستگذاران بخش آموزش بوده امری بدیهی است اما تعریف و عملیاتی کردن هر یک از این موارد با توجه به ویژگی‌های خاص هر جامعه و هویت ملی و دینی هر کشور نقطه افتراق نظام‌های آموزشی است که از نظام فلسفی آموزش و پرورش نشأت می‌گیرد. در نظام اجرایی، تغییر و اصلاح و نوآوری برگرفته از ماهیت پویای آموزش و پرورش است که به ارتقای نظام منجر می‌شود و در اثر آن اهداف تعریف شده برای دسترسی، عدالت، کیفیت، کارایی و اثربخشی به نحو مطلوب‌تر، دست یافتنی‌تر و با صرفه‌تر تحقق می‌یابد و در خدمت نظام کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قرار می‌گیرد. این موارد اگر چه تا حدی ایجاد تغییر و اصلاح از طریق به کارگیری روش‌های نوآورانه بر نظام آموزش و پرورش تأثیر زیادی دارند اما به خودی خود موجب تحول در این نظام نمی‌شوند. تحول نیازمند نوآندیشی‌هایی در باز تعریف آرمان‌ها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که از طریق استقرار یک نظام فلسفی دقیق، علمی و مبتنی بر هویت ملی و دینی کشور امکان‌پذیر می‌شود. برای مثال، ویژگی‌های تعریف شده در نظام فلسفی آموزش است که نحوه عرضه آموزش و چگونگی در دسترس قرار دادن آن را در حوزه‌هایی مانند آموزش روستاییان، آموزش متوسطه و هدایت دانش‌آموزان به دوره‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کارو دانش تعریف می‌کند.

کیفیت آموزش، چه در بعد فرآیندهای آموزشی و چه در بعد خروجی‌هایی که بر جامعه تأثیرگذار هستند، به طور کلی در اثر ویژگی‌های به دست آمده از نظام فلسفی



از آنجا که در بیشتر جوامع، تولیدکنندگان علم و دانش و آموزش دهندگان از سطوح فرهیختگان جامعه هستند و از نظر اقتصادی جزو لایه‌های میانی و پایین دست جامعه محسوب می‌شوند، باید ترتیبی اتخاذ شود تا تدوینگران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش از تأثیرگذاری عوامل اصلی آموزش، بی‌دغدغه و با بی‌تفاوتی گذر نکنند

ایران و توسعه پایدار

اکنون قریب به نیم قرن ایران در مسیر برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه همه جانبه و پایدار می‌گذرد و در این راه منابع بیشماری صرف شده است. انقلاب اسلامی سال ۷۵، بساط تجدد و شبه مدرنیسم ناقص وسطی خاندان پهلوی را در نورددیدولیکن هنوز نتایج مورد نظر نظام اسلامی مادر تعلیم و تربیت حاصل نگردیده است. اکنون ایرانیان، به‌رغم داشتن یک عقبه و پشتوانه عظیم و غنی تاریخی، فرهنگی، و با وجود برخورداری از منابع سرشار طبیعی، متأسفانه حاصل آن تولید سرانه ای قریب ۱۵۰۰ دلار است که در مقایسه با درآمد سرانه قریب ۴۰۰۰۰ دلار کشورهای فاقد منابع طبیعی همچون سوئیس و ژاپن بسیار عقب تر می‌باشد. اگر توسعه را به یک تعبیر افزایش قابلیت و توان یک جامعه در بهره‌وری از ظرفیت‌های تاریخی، اجتماعی، انسانی، اقتصادی و طبیعی خود بدانیم، این بدان معناست که جامعه ما تا بحال فقط توانسته از حدود ۵ درصد ظرفیت خود بهره برداری کند. توسعه را فرایند تحول نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با حفظ اصول و مبانی جامعه ایرانی، اسلامی به منظور متناسب شدن با ظرفیت‌های جدید و ارتقاء کمی و کیفی قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی، آموزشی، اقتصادی و... باید دانست که نیل به چنین مرتبه‌ای، پیش از همه مستلزم تحول فرهنگی جامعه می‌باشد. مطالعات و تجربیات بین المللی، جملگی مبین و مؤید این نکته است که توسعه پایدار و همه جانبه، باید از بستر نیروی انسانی بگذرد و پیش شرط توفیق، تثبیت و تداوم هرگونه توسعه و تحولی، سرمایه گذاری در توسعه انسانی بمنزله رکن و هسته اصلی و محوری آن می‌باشد. دانش و دانایی ملی، رکن اصلی توسعه، و نظام آموزشی هم گذرگاه نیل به دانایی ملی بشمار می‌آید و جامعه زمانی به اهداف خود دست می‌یابد که از طریق توسعه انسانی مسیر خود را هموار کند، در واقع بنیاد حیات جمعی انسان را تعلیم و تربیت تشکیل می‌دهد از این رو، هر تعبیری که از توسعه داشته باشیم، برای رسیدن به آن تمامی تلاش‌ها بر دوش انسان‌هایی است که باید بار این غافله را به سر منزل مقصود برسانند، و از آنجایی که در دنیای معاصر، نهاد آموزش و پرورش مسئولیت تربیت نیروی انسانی در جامعه را بر عهده دارد که با توجه به نقش و شکل فراگیر امروزی آن، یکی از بنیادهایی است که با جامه عمل پوشاندن به کار کرده ای تعریف شده خود، اگر نگوئیم سهامدار اصلی، دست کم یکی از سهامداران عمده این فرایند به حساب می‌آید.

بر این اساس اهمیت آموزش و پرورش در زندگی اقتصادی، اجتماعی افراد و جوامع، از هزینه‌های آموزشی به عنوان یک سرمایه گذاری بنیادی یاد می‌شود. نظریه سرمایه انسانی، ضمن تأکید بر بهره‌وری از بودن سرمایه گذاری در منابع انسانی، استدلال می‌کند که این سرمایه گذاریها، سبب افزایش ظرفیت و توان تولید و بهره‌وری افراد می‌شود. از نقطه نظر اقتصادی، گرچه بازگشت سرمایه گذاری در نیروی انسانی، اغلب مستلزم فرایندی طولانی و بلند مدت است، لیکن بازدهی آن بسیار عمیق و گسترده بوده و در تمام کنش‌های فردی و جمعی افراد آموزش دیده، اعم از رفتار، گفتار،

خوراک، پوشاک، نرخ جمعیت و غیره و در نتیجه کاهش هزینه‌های اقتصادی، بهداشتی و سایر موارد انعکاس می‌یابد. همچنین از آنجا که نیروی انسانی از عوامل اصلی تولید می‌باشد، این نوع سرمایه گذاری با افزایش سطح مهارت و تخصص نیروی کار، موجب ارتقای کیفیت تولید و نیز بهبود و اثر بخشی در استفاده از منابع مادی و معنوی و بکارگیری بهینه آنها می‌شود. افزون بر این با توجه به شتاب هندسی تحولات جهان در چند دهه اخیر، گفته می‌شود که اینک جامعه جهانی در حال ورود به مرحله جدیدی از توسعه موسوم به «جامعه دانش» (knowledge society) و «اقتصاد مبتنی بر دانش» (knowledge based economy) وارد شده است که در اثر آن، هم سامانه‌های تولید، توزیع، تبدیل و ترویج دانش، در حال دگرگونیهای اساسی می‌باشد. این تحول در جامعه و اقتصاد جهانی، کشورهای کمتر توسعه یافته از جمله ایران توجه ویژه را به تحولات جدی در آموزش و تربیت معطوف می‌دارد. به اعتقاد برخی تحلیل‌گران، بهتر است ایران بدون طی فاز اقتصاد صنعتی و با یک گریز سریع و برنامه ریزی شده خود را به مرحله اقتصاد دانش پرتاب کند، و برای نیل به چنین جهش بلندی، باید سامانه اقتصادی خود را به یک سامانه یادگیرنده یعنی تبدیل کارخانه و صنعت به مدرسه و دانشگاه و بالعکس اقدام نماید. بدیهی است، در پی‌موندن مسیر فوق، بخش اعظم و اساسی تحولات متوجه سامانه دانش در جامعه، بویژه آموزش و پرورش که به منزله کانون و مرکز تعلیم و تربیت نیروی انسانی می‌باشد ظهور خواهد یافت و باید با سرعت و ویژگی‌های لازم جهت برداشتن چنین گام بلندی را فراهم آورد.

در دنیای معاصر، سیستم آموزشی ابزار و تکیه‌گاه تمامی کشور های پیشرفته برای نیل به توسعه پایدار و همه جانبه می‌باشد، از این رو، لازم است برنامه ریزان و مسئولین عالی آموزش و پرورش با تجدید نظر در برنامه های تعلیم و تربیت و توجه فراوان به جایگاه و منزلت آموزش و پرورش در سلسله مراتب سازمانی و اجتماعی، در توسعه کشور و پیشبرد امور و نیل به جامعه مطلوب تلاش کنند.

آموزش و پرورش و تربیت منابع انسانی برای توسعه پایدار کشور

تربیت منابع انسانی یکی از عمده ترین سرمایه گذاری است و مهمترین هدف آموزش و پرورش آماده کردن



تثبیت و تداوم هرگونه توسعه و تحولی، سرمایه گذاری در توسعه انسانی بمنزله رکن و هسته اصلی و محوری آن می‌باشد. دانش و دانایی ملی، رکن اصلی توسعه، و نظام آموزشی هم گذرگاه نیل به دانایی ملی بشمار می‌آید



فرایند یادگرفتن دانش، مهارت و آموزش، یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت جامعه محسوب می‌شود و امروزه در دنیای معاصر، سیستم آموزشی ابزار و تکنیک‌گاه تمامی دولت‌های مدرن برای نیل به توسعه پایدار و همه جانبه می‌باشد.

ولی این موضوع هنوز در سیستم آموزش و پرورش ایران نتوانسته به احراز جایگاه واقعی خود در ادبیات سیاسی-اجتماعی و فرهنگ برنامه نویسی و بودجه‌ریزی دست یابد و بیش از سایر نهادها دست خوش تغییرات شده و تا به امروز نتوانسته در حد مطلوب شیوه منظمی برای آموزش و ارزشیابی تنظیم کند. آموزش و پرورش ایران هنوز وامدار یک سیستم قدیمی و کهنه براساس آموزه‌های تعلیم و تربیت قرن گذشته است. چنین روشی شاید در زمان خودکارایی‌های خاص خود را داشت. اما به تدریج بایستی جای خود را به شرایط و الزامات جدید بسپارد.

در روش کنونی ما شاهد برخی اتلاف بودجه هستیم در حالی که آموزش و پرورش خود با کمبود اعتبار و بودجه رو به رو است. بعنوان مثال برای بازگشت دانش آموزان ردی و تکرار پایه تحصیلی، حدود یک ششم هزینه‌های تحصیل به بودجه تحمیل می‌شود. این در حالی است که بنا بر تحقیقات تکرار پایه نه تنها در یادگیری دانش آموزان مؤثر نیست، بلکه موجب افسردگی و احساس ناتوانی در دانش آموز می‌شود.

مطالعه تجربیات کشورهای پیشرفته نشان داده اگر رسیدن به سطح بالاتر تنها با ملاک نمره، ارزیابی شود، ولی دانش آموز نتواند مهارت‌های لازم اجتماعی، فرهنگی و فردی را برای حضور در جامعه فراگیرد، این نوع نظام تحصیلی موفق عمل نکرده است.

در نظام آموزش و پرورش نوین هر دانش آموز می‌تواند یک پرونده اخلاقی، شایستگی، لیاقت، نظم رفتار داشته باشد که آن ملاک ارتقا است. مدل سنتی آموزش و پرورش در غالب کشورهای موفق در امر توسعه سالیانه که منسوخ شده است. نظام امتحانات کشور ما یکی از سختگیرترین و مشکل‌ترین روشهای تعلیم و تربیت در جهان است و تاکید بر حافظه و انتقال اطلاعات عمومی همچنان محور نظام آموزشی ما را تشکیل می‌دهد ولی در جهان جدید پرورش دانش آموز خلاق بر پرورش دانش آموزی که فقط به انتقال ذهنی منابع می‌پردازد، برتری دارد. در برخی از کشور های موفق طبق استاندارد، تعداد دانش آموزان در هر کلاس نباید بیش از ۲۵ نفر باشد و همه مدارس باید مجهز به رایانه باشند و آموزش رایانه از کلاس ابتدایی جزو دروس مدارس قرار دارد. در این کشورها سطح توانایی‌ها این دانش آموزان در کارنامه‌هایی که به ۴ سطح زیر استاندارد - نزدیک به استاندارد - در سطح استاندارد - بالاتر از استاندارد تقسیم شده و ثبت می‌گردد، و اگر در نزدیک به استاندارد باشد باید دوباره به آموزش فقط در همان درس بپردازند. این‌رو، لازم است سیاست‌گذاران و مسئولین عالی نظام آموزشی با تجدید نظر در نگرش و روش‌های پیشین تعلیم و تربیت، و اعاده جایگاه و منزلت آموزش و پرورش در سلسله مراتب سازمانی و اجتماعی، حساب بیشتری بر روی نقش و سهم نظام آموزشی بازکنند. چرا که هیچ جامعه‌ای و هیچ حکومتی از طریق بی‌اعتنایی به نظام آموزشی به جایی نرسیده است و بدرستی گفته شده که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند فراتر از علم و معلم خود

کودکان و نوجوانان برای بعهدہ گرفتن مشاغل تخصصی در آینده و شرکت در نظام تقسیم کار است و مدرسه با آماده ساختن آنان برای حضور در جامعه است. برگزاری جشن شکوفه‌ها موید این نکته است که سرمایه‌گذاری بر روی آنها می‌تواند توسعه را هر چه بیشتر در ایران شدت ببخشد. زیرا در کشوری مانند ایران به دلیل نیاز توسعه به نیروی انسانی ماهر، این موضوع از نقش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

موضوعی که در بسیاری از کشورها همانند ژاپن و کره و مالزی نتیجه بخش بوده و مسیر توسعه کشورشان را فراهم نموده است. بعنوان مثال کشور مالزی در تلاش جهت توسعه آموزشی کشور، قوانین آموزشی مصوب سال ۱۹۶۱ مورد بازنگری قرار داد و پیشرفت برنامه‌های آموزش همگانی در مالزی مرهون توجه دولت به آموزش و اختصاص بودجه‌های کلان به این بخش است، چرا که بودجه‌های اختصاص یافته به بخش آموزش در قیاس با بودجه‌های عمومی دیگر، بیشتر است.

این کشورها استفاده صحیح از نیروی انسانی به مثابه ارزشمندترین و بزرگترین ثروت هر جامعه به صورت مسئله‌ای حائز اهمیت مورد توجه قرار داده اند و معتقدند که انسان هم هدف توسعه و هم عامل آن است و اگر کشوری نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحوی موثر بهره برداری کند، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد. در این کشورها آموزش و پرورش بعنوان یکی از اصیل‌ترین و وسیع‌ترین نظام فرهنگی که نقش آماده سازی نیروی انسانی را بر عهده دارد از اهمیت زیادی برخوردار است و سعی می‌شود بیشترین بودجه و سرمایه‌گذاری در این بخش صورت بگیرد. این اهمیت به گونه‌ای است که همه نهادها، گروه‌ها به نوعی که در تحقق توسعه کشور مشارکت دارند، ریشه اغلب مشکلات، ناپسامانی‌ها، نارسایی‌ها و بحران‌های اجتماعی را در فرایند آموزشی جستجو می‌کنند.

اگر قرار است جامعه در حال گذار ایران به سلامت از گردنه‌های صعب‌العبور تغییرات اجتماعی گذر کند، شایسته است که نظام آموزش و پرورش صرفنظر از تأخیرهایی که تاکنون در ورود به عرصه مهندسی اجتماعی داشته است، مسئولیت و سهم بیشتری در قبال جامعه بر عهده گیرد و نقش جدی‌تری را نیل به جامعه مطلوب ایفا نماید. این مهم میسر نمی‌شود مگر آنکه نظام آموزش و پرورش ما، ضمن کسب شأن و جایگاه شایسته و واقعی خود در نظام و سلسله مراتب اجتماعی و سازمانی کشور، بتواند خود را از قید و بندها و مشکلات بی شماری که با گریبانگیر است رها سازد و زمینه‌های شکل‌گیری آموزش و پرورش انسان‌گرا (متعالی)، توسعه همه جانبه و درون‌زا را بیش از پیش فراهم آورد تا بتواند نقش فعال تری در توسعه کشور که همانا نیروی انسانی است، بعهدہ بگیرد.

بازگشت سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، هرچند مستلزم فرایندی طولانی و بلند مدت است، لیکن بازدهی آن بسیار عمیق و گسترده بوده و در تمام کنش‌های فردی و جمعی افراد اعم از رفتار، گفتار، جمعیت و کاهش هزینه‌های اقتصادی، بهداشتی و غیره انعکاس می‌یابد لذا عبارت «ما آنگونه زندگی می‌کنیم که تربیت می‌شویم» به درستی انعکاسی از کیفیت آموزش و پرورش می‌باشد.



از آنجا که در بیشتر جوامع، تولیدکنندگان علم و دانش و آموزش دهندگان از سطوح فرهیختگان جامعه هستند و از نظر اقتصادی جزو لایه‌های میانی و پایین دست جامعه محسوب می‌شوند، باید ترتیبی اتخاذ شود تا تدوینگران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش از تأثیرگذاری عوامل اصلی آموزش، بی‌دغدغه و با بی‌تفاوتی گذر نکنند

برود واز این روست که می‌توان گفت که وضعیت فعلی نظام آموزش و پرورش ومعلمان ما در واقع نمود، برآیند وآینه‌ای تمام نما از روش،منش،بینش وتوان برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی کشوراست .

نتیجه بحث

همانگونه که رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به این مضمون فرمودند که راه اصلاح یک مملکت اصلاح فرهنگ آن مملکت است.باعنایت به این کلام حکیمانه و شریف ، راه سعادت و نجات و توسعه پایدار کشور در گرو تعلیم و تربیت فرزندان آن است .امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست که آموزش و پرورش ما با مشکلات عدیده ای از جمله روش قدیمی آموزشی و تربیتی ، نبوده برنامه جامع و مدون علمی با رویکرد به آینده‌های روشن،کمبود بودجه واعتبارات، گرفتاری اغلب معلمان به مسائل حاشیه ای زندگی،مدیریت های سلیقه ای و متمرکز ، عدم مشارکت اغلب دانش آموزان و والدین در فعالیت های درسی ، تهاجم فرهنگی بیگانگان،عدم تربیت برنامه ریزی شده افراد ماهر و متخصص مورد نیاز جامعه ، حضور کم رنگ تکنولوژی در عرصه آموزش و بسیاری از این فیصل مسائل که مورد اشار قرار گرفت همچون تار و توری بر پیکر نظام آموزش و پرورش کشور تنیده شده است که برای راهی از آن و نیل به توسعه همت مردمان بلند نظر را می طلبد.بدرستی که آموزش و پرورش گذرگاه رشدو توسعه فرهنگی ،اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و غیره می باشد و این مجموعه عظیم و حساس مرکز تحولات و پیشرفت جامعه است که کم توجهی به آن پیامدهای دهشتناکی به همراه خواهد داشت .

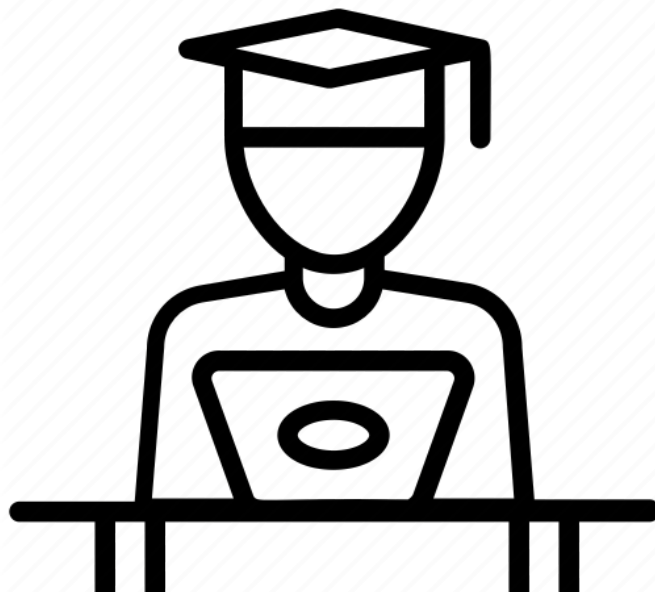
با گذاری برمتون نگاشته شده واشارات متعدد ، ما امروز وارث سیستم آموزشی منسوخی بر پایه مدیریت متمرکز و سلیقه ای با رویکرد معلم محوری و حفظ و انبار کردن معلومات توسط دانش آموزانی هستیم که ماهرتهای لازم برای زندگی فردی و جمعی را بطور معمول بدست نمی آورند .به همین جهت لازم است برنامه ریزان و مسئولین عالیرتبه آموزشی و تربیتی نسبت به برنامه ریزی علمی و

دقیق با موازین فرهنگی و اعتقادی با تامین بودجه کافی و سرمایه گذاری عظیم و وسیع برای بلند مدت بمنظور حضور در عرصه های گوناگون بر اساس نیازها و ضرورت های کشور اقدام عاجل نمایند.در ابتداءبرای اصلاح سیستم سنتی آموزش نیاز به استقرار یک نظام فلسفی متناسب مبتنی بر ویژگی‌ها و شرایط کشور است تا بتواند با در برگرفتن سایر عوامل از جمله تغییر، اصلاح، نوآوری و ارتقای نظام آموزشی و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری بر هر یک از آنها زمینه‌های ایجاد تحول در آموزش و پرورش را فراهم آورد.

به عبارت دیگر، نظام فلسفی آموزش و پرورش فعالیت‌های بخش را هدفمند و منسجم می‌کند. این نظام نه تنها اهداف و موازین تربیتی را با دید نقادانه مشخص و تعیین می‌کند، بلکه برای دستیابی به آنها رهنمودهای کلی را نیز ارائه می‌دهد. افزون بر این، با ابزار تحلیلی و نقادی، انتخاب محتوای برنامه درسی و روش‌های تدریس دقیق و کارآمد می‌شود و سرانجام با جست‌وجو و کاوش، قوت و ضعف نظام آموزش را ارزیابی و انجام دادن اصلاحات و تغییرات مطلوب را میسر می‌کند.

نظام فلسفی می‌تواند با تأثیر بر اعتلای کیفیت آموزش و پیامدهای آن، زمینه‌های تحول در بخش آموزش و پرورش را فراهم کند.در راستای اعتلای آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت علمی لزوم انتخاب مدیران با تجربه آموزشی و تربیتی که دارای مراتب علمی باشند امری بدیهی است که برای اجرای سیاست های برنامه ریزی شده از جمله تمرکز زدایی و مشارکت دادن مردم و سایر افراد بصیر در این امر خطیر و اولویت بخشیدن به امر تربیت و ارتقای سطح علمی ، فرهنگی و مهارت ها به دانش آموزان و آماده سازی نیروی متخصص و ماهربرای کشور به تلاش بپردازند .

چرا که توسعه کشور در تمامی زمینه ها متأثر از آموزش وپرورش کشوراست.پس لازم است از رویکردهای سیاسی و گروهی در این زمینه بطور جدی برحذر بود و در غیر اینصورت در کلاف سر درگم بی برنامه‌گی وعقب افتادگی باقی خواهیم ماندوهچنان گرفتار مدیریت آزمون وخطا باقی خواهیم ماند وراه بجایی نمی بریم.



تثبیت وتداوم هرگونه توسعه وتحولی، سرمایه گذاری در توسعه انسانی بمنزله رکن وهسته اصلی ومحوری آن می باشد. دانش و دانایی ملی، رکن اصلی توسعه ، و نظام آموزشی هم گذرگاه نیل به دانایی ملی بشمار می آید

در سیاستگذاری آموزشی باید هر ساله به تجدیدآموزش‌های لازم و به روز کردن اطلاعات معلمان اهتمام جدی ورزیده شود زیرا در شرایط متحول جهانی نباید فکر و عمل معلم محدود به مرزهای جغرافیایی خود باشد و باید از قدرت خلاقیت و ابتکار لازم بهره مند شود.

معلم نباید فعالیت‌های خود را محدود به کتاب و جزوه کند بلکه با استفاده مدام از تکنولوژی جدید همانند اینترنت، رایانه و غیره به بروز استعدادهای خلاق و نوآور کمک کند و بطور جدی باید بدنبال مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های علمی، درسی و اجتماعی و امثال آن بود و روش نا کارآمد محفوظات و امتحانات سخت و کسب نمره را با روشی نوین و علمی جایگزین نمود. از مسائل قابل توجه که بخصوص در سال‌های اخیر بیشتر بارز و محسوس بوده است موضوع معیشت معلمان می‌باشد که برای توسعه بخشیدن به امر تعلیم و تربیت و در نهایت پر فروغ نمودن چراغ توسعه کشور باید به منزلت و معیشت این قشر فرهیخته عنایت جدی نمود تا تمام تلاش خود را فارغ از مسائل حاشیه‌ای به رشد توسعه معلومات خود و دانش‌آموزانشان معطوف دارند.

از دیگر مسائلی که باید مدنظر قرار گیرد توجه به مسائل روحی بشر می‌باشد. توجه و توصیه به استفاده از دعا در آموزش و تربیت است. یکی از عمده‌ترین مشکلات جوامع پیشرفته، سرخوردگی بشر و آن جوامع و احساس آرامش نکردن آنان است. با توجه به پیشینه دینی و اعتقادی کشور ما لازم است مدیران آموزش و پرورش باتکیه بیشتر بر مسائل معنوی و اعتقادی، در عین حالی که برای رساندن افراد به سطح بالای علمی و فنی و اقتصادی تلاش می‌کند باید با بهره‌گیری از روش‌های نوین و جذاب از لحاظ روحی و روانی نیز آنها را رشد دهند. در این زمینه اسلام راهکارهای بسیار زیادی دارد و از طرف دیگر در جامعه‌ی ما زمینه‌های بسیار مثبتی چون ایام محرم و رمضان وجود دارد که برنامه ریزان از این مسائل و زمینه‌های باید به نحو احسن و شکل دادن صحیح و درست شخصیت افراد جامعه استفاده نمایند.

از دیگر مسائل آموزش و پرورش که باید مورد توجه مدیران واقع شود هنر و خلاقیت ویژه آن است. با توجه به این که هنر نقش والایی در تلطیف روح انسان داشته موجب رشد نگرش عاطفی انسان و درک زیبایی می‌شود که تأثیر مهمی در آموزش انسان دارد. خوشبختانه در این زمینه نیز در کشور ما در اکثر زمینه‌های هنری فعالیت‌های خوبی صورت گرفته است. اما هنر در آموزش و پرورش کشور ما بطور عمده به نقاشی و خط در یک ساعت کلاس هنر محدود شده است، لذا باید در برنامه ریزی‌ها ضمن افزایش ساعات هنر و یا به روش‌های دیگر زمینه را برای بروز استعدادهای مختلف هنری دانش‌آموزان و رشد خلاقیت هنری آنها فراهم آوریم تا در آینده با تلطیف روح آنها از مشکلات آنها کاسته شود تا ارزش‌هایی از قبیل عشق ورزیدن به مردم و کشور، صلح، احترام به محیط زیست و تعاون و همکاری نهادینه شود.

البته در این میان ذکر این نکته لازم است که تلاش‌ها و اقداماتی جهت ارتقاء و توسعه آموزشی پس از انقلاب اسلامی در کشور صورت پذیرفته است که قابل توجه بوده ولی کافی نیست. تاسیس موسسات آموزش از راه دور، اجرای طرح آموزش دختران بازمانده از تحصیل، توسعه آموزش و پرورش عشایری، توسعه آموزش و پرورش عمومی در روستاها و افزایش دبیرستانهای روستائی، برگزاری دوره آمادگی نوآموزان پایه اول در مناطق دوزبانه، توسعه آموزش و پرورش دانش‌آموزان استثنائی،

شناسائی و توجه ویژه به استعدادهای درخشان کشور و ایجاد تسهیلات لازم جهت شرکت آنان در المپیادهای جهانی از جمله، برگزاری المپیادهای در رشته‌های مختلف بمنظور انتخاب استعدادهای شکوفا و دانشمندان آینده، تاسیس دفتر امور زنان جهت پیگیری امور آموزشی و تربیتی دختران و راه اندازی پایگاه اطلاع رسانی، توجه ویژه به عدالت آموزشی و تلاش برای یکسان سازی بهره‌مندی پسران و دختران از تحصیل، توسعه مشارکت و همکاریهای علمی بین المللی از جمله ایجاد دبیرخانه کمیسیون ملی ایسکسو (ISESCO)، توجه و توسعه برنامه‌های ورزشی در کشور از جمله توسعه مدارس اختصاصی تربیت بدنی و رشته‌های ورزشی البته در این برهه زمانی که نیاز به تغییرات عمده و بنیادین در آموزش و پرورش از سوی مسئولین امر و دست اندرکاران برنامه ریزی احساس شده است اقدام به تدوین سند ملی آموزش و پرورش که همان طرح جامع توسعه آموزش و پرورش در افق ۲۰ ساله می‌باشد نموده‌اند که در بردارنده سیاستها و راهبردهایی است که باید در قالب برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت و از زمان تصویب نهایی سند، عملیاتی شده و به مورد اجرا گذاشته شود.

توجه به این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که بعضاً سند توسعه آموزش و پرورش در افق ۲۰ ساله به منزله تدابیری تصور می‌شود که در کوتاه مدت و میان مدت بر سیاستها و برنامه‌های آموزش و پرورش اثر گذار نخواهد بود.

بدیهی است آموزش و پرورش به دلیل ماهیت دیر بازده، برای تحقق وضعیت آرمانی باید از سال آغازین تصویب سند گام‌های لازم را در جهت تحقق وضعیت مطلوب بردارد. برای استقرار کامل و پیاده سازی احکام و راهبردهای سند ملی، حداقل ۱۰ سال یعنی زمان اجرای ۲ برنامه میان مدت توسعه کافی و معقول به نظر می‌رسد. تدوین سند ملی فرصتی است تا دو اصل اساسی، مکمل و بیش و کم مغفول بیش از پیش مورد تأکید و توجه قرار گیرد. این دو اصل عبارتند از:

- ۱- تحقق اهداف توسعه جامعه درگروتحقق آموزش و پرورش توسعه یافته است.
- ۲- به آموزش و پرورش توسعه یافته به عنوان یک پدیده بخشی که صرفاً در سایه عملکرد سازمان رسمی تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد.

پیشنهادهای

- ۱- طراحی و تدوین برنامه جامع علمی در زمینه نظام فلسفی و نظام اجرایی در آموزش و پرورش
- ۲- تأمین بودجه مناسب و تأمین منابع مالی مورد نیاز آموزش و پرورش در جهت ایفای نقش مهم خود در امر تعلیم و تربیت
- ۳- تمرکز زدایی در مدیریت و دگرگونی شیوه‌های مدیریت سنتی به مدیریت علمی و تخصصی
- ۴- مشارکت دادن بخش خصوصی و مردمی در کنار بخش دولتی در امر تعلیم و تربیت
- ۵- بهره‌گیری و بکارگیری روش‌های نوین آموزشی و تربیتی و استفاده از تکنولوژی روز دنیا با رعایت نکات اخلاقی
- ۶- ارتقا جایگاه و منزلت معلم و تأمین معیشت و شایسته‌انان
- ۷- تغییرات بنیادین علمی در برنامه‌های آموزشی و تربیتی بمنظور تحول در نظام آموزش و پرورش از جمله تغییرات اساسی در محتوای دروس و مشارکت توانان معلم و دانش



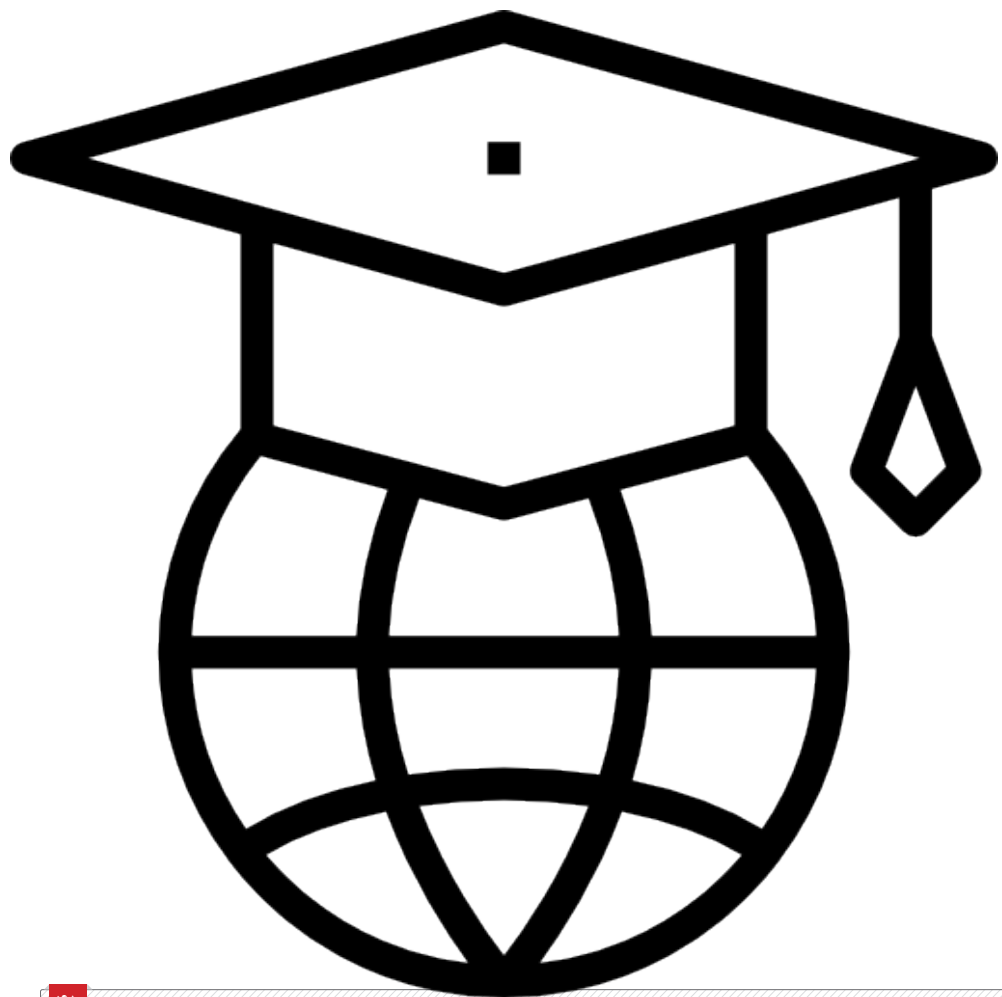
از دیگر مسائل آموزش و پرورش که باید مورد توجه مدیران واقع شود هنر و خلاقیت ویژه آن است. با توجه به این که هنر نقش والایی در تلطیف روح انسان داشته موجب رشد نگرش عاطفی انسان و درک زیبایی می‌شود که تأثیر مهمی در آموزش انسان دارد.

- آموزش و پرورش در برزخ، ابراهیم اصلانی، همشهری ۸۴/۴/۱۲
- آموزش و پرورش و توسعه، تدوین و تلفیق حسین دهقان و مسلم پرتو، پژوهشکده تعلیم و تربیت، زمستان ۱۳۸۱
- آموزش و پرورش و ایدئولوژی کارمندی، شیرزاد عبداللهی، روزنامه همشهری ۸۳/۸/۱۸
- اصلاحات در آموزش و پرورش، هماندیشی و مصاحبه با صاحب نظران و متخصصان، پژوهشکده تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۸۱
- اقتصاد و برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش و آموزشهای فنی و حرفه‌ای، با اهتمام منیره رضایی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳
- بررسی و برآورد سهم نیروی انسانی با سواد و بی سواد در ارزش افزوده بخشهای اقتصادی کشور، رحیم دباغ ۱۳۸۳
- تحلیل تطبیقی بازدهی اقتصادی سرمایه انسانی در بازار کار آموزش و پرورش ایران، دکتر ابوالقاسم نادری، ۱۳۸۳
- چالشهای رئیس جمهور نهم، مسعود نیلی، روزنامه شرق، ۸۴/۱/۳۰
- ریشه‌های توسعه نیافتگی و آموزش و پرورش ایران، در گفتگو با مسئولان و صاحب نظران، به کوشش احسان هوشمند، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲
- سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران

آموز در فرآیند آموزش با بهره گیری از شیوه های علمی ۸-تعریف و تعیین جایگاه دقیق آموزش و پرورش در تامین و توسعه منابع انسانی با سرمایه گذاری بلند مدت

منابع و مآخذ

- مولفان حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن (۴ جلد)، تهران: انتشارات سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات طهوری، ۱۳۷۴.
- شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه آموزش و تربیت، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۳۶۸.
- شعاری نژاد، علی اکبر، فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- لطف آبادی، حسین، روان شناسی تربیتی، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- آموزش و پرورش ایران در حاشیه، دکتر علی اصغر کاکو جویباری، سایت بازتاب، ۸۳/۱۲/۲۶



برگزاری المپیادهائی در رشته های مختلف بمنظور انتخاب استعداد های شکوفا و دانشمندان آینده، تاسیس دفتر امور زنان جهت پیگیری امور آموزشی و تربیتی دختران و راه اندازی پایگاه اطلاع رسانی، توجه ویژه به عدالت آموزشی و تلاش برای یکسان سازی

میزان حداقل حقوق از نظر نماینده کارگران

دارد: کف حقوق بدون در نظر گرفتن حق اولاد و سنوات به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده و با اعمال افزایش روی مزیایا و مولفه‌های مزدی به جز پایه حقوق، تغییر در ریل افزایش دستمزد کارگران را شاهد بوده‌ایم، رویه‌ای که چندان پسندیده نیست.

خواسته‌های کارگران مشخص است

خدای توضیح می‌دهد: حق و اولاد و سنوات، مزایای مستمر نیست و باید کف دریافتی بدون احتساب آنها به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌رسید؛ چراکه در قانون، شرط برخورداری از حق اولاد، ۷۲۰ روز بیمه‌پردازی است و پایه سنوات، مشروط به داشتن یک سال سابقه کار است؛ پس این مزیایا، شامل همه کارگران نمی‌شود؛ کارفرمایان و دولتی‌ها با احتساب پایه سنوات و تعلق دو حق اولاد، کف دریافتی را محاسبه می‌کردند که این، درست نیست؛ در عین حال چیزی که اهمیت بسیار دارد، افزایش پایه حقوق است؛ چراکه روی افزایش دستمزد در سال‌های آینده تاثیر دارد؛ اگر بار افزایش دریافتی روی سایر مزایای به جز پایه حقوق باشد، در افزایش دستمزد سال‌های بعد مشکل‌ساز می‌شود، چراکه پایه حقوق و درصد افزایش آن در سال‌های بعد مهم است و بر سر افزایش آن بحث می‌شود.

او اضافه می‌کند: با این حال، ما نمایندگان کارگری همیشه آماده مذاکره هستیم؛ منتها حضور ما برای مذاکره به معنای پذیرش کمتر از آن چیزی که در جلسات قبل مطرح کردیم، نیست؛ ما خواسته‌های خود را کامل و روشن مطرح کرده‌ایم و روی این خواسته‌ها ایستاده‌ایم. خدایی در پایان، هر گونه جلسه شورای عالی کار برای بازنگری در دستمزد ۹۹ را تا امروز تکذیب می‌کند و می‌گوید: برخلاف آنچه برخی رسانه‌ها گفته‌اند، تا امروز هیچ جلسه سه‌جانبه‌ای برای بازنگری در دستمزد ۹۹ برگزار نشده منتها رایزنی‌هایی داشته‌ایم؛ تصمیم‌گیری نهایی برای برگزاری مجدد جلسه شورای عالی کار برعهده دولت، به عنوان دبیرخانه‌ی شورا است. اگر جلسه‌ای برگزار کنند، حضور می‌یابیم و با تمام توان، از حقوق کارگران دفاع می‌کنیم.

حمیدرضا سیفی نماینده کارفرمایان از آمادگی کارفرمایان برای برقراری مجدد جلسات شورای عالی کار و چانه‌زنی مجدد در رابطه با دستمزد ۹۹ خبر داد؛ علی‌خداایی از اعضای کارگری شورای عالی کار در این رابطه با تاکید بر اینکه گروه کارگری همواره برای مذاکره و چانه‌زنی بر سر حقوق کارگران آماده است، می‌گوید: در جلسات برگزار شده شورای عالی کار، گروه کارگری قانع نشد که افزایش‌های صورت گرفته، مبتنی بر قانون است و به همین دلیل از امضای مصوبه خودداری کرد.

وی با بیان اینکه چهل ساعت مذاکره و چانه‌زنی داشتیم، ادامه داد: در این جلسات شریعتمداری (وزیر کار) بسیار تلاش کرد که به تفاهم برسیم و با اجماع کار تمام شود اما برداشت شخصی من این است که گروه دولتی اجازه افزایش دستمزد بیش از این رقم را نداشتند؛ البته در این رابطه اطلاع دقیقی ندارم.

خدایی افزود: بعد از جلسه بیستم فروردین، یکسری افراد واسطه شدند که دوباره جلسه برگزار شود که البته یک جلسه غیررسمی با حضور نمایندگان کارفرمایی و دولت داشتیم که دوباره در آن نظرات و خواسته‌های خود را مطرح کردیم. به گفته خدایی، خواسته‌های گروه کارگری مشخص است اما دولتی‌ها و کارفرمایان در رسانه‌ها پیشنهادات آخر خودشان را در مقابل پیشنهادات اول ما مطرح می‌کنند و قصد دارند به جامعه القا کنند که گروه کارگری حاضر به مذاکره و چانه‌زنی در یک بستر سالم نبوده است. نماینده کارگران در شورای عالی کار اضافه می‌کند: حقیقت این است که گروه کارفرمایی با پیشنهاد «عدم افزایش دستمزد» به جلسه آمده بودند؛ کما اینکه نامه رئیس کانون عالی کارفرمایان به وزارت کار قبل از مذاکرات رسانه‌ای شد و از پیشنهاد انجماد دستمزد کارفرمایان رونمایی شد؛ آنها نهایتاً پیشنهاد ۱۵ درصدی افزایش دستمزد را بدون افزایش مزایای مزدی مطرح کردند و آنچه در مصوبه مزدی می‌بینیم، حاصل چانه‌زنی‌ها و تلاش‌های نمایندگان کارگری بوده والا کارفرمایان حاضر به پذیرش نبودند.

به گفته او، مزد تعیین شده دو ایراد اساسی



با این حال، ما نمایندگان کارگری همیشه آماده مذاکره هستیم؛ منتها حضور ما برای مذاکره به معنای پذیرش کمتر از آن چیزی که در جلسات قبل مطرح کردیم، نیست؛ ما خواسته‌های خود را کامل و روشن مطرح کرده‌ایم

بورس مجازی

توسعه فرهنگ سهام داری و نگرانی از زیان تازه واردها به بازار، موجب شد سازمان بورس به طراحی یک تالار مجازی به آدرس www.irvex.ir مبادرت کند. تالاری که تقریباً با همان مکانیزم حاکم در تالار اصلی طراحی شده و کلاسی برای یادگیری تازه واردها است

خواهد شد، تا امکان ارزیابی شرایط بازار سرمایه کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی به راحتی فراهم شود.

وی یادآور شد: نسخه اولیه تالار مجازی بورس ایران در نیمه دوم سال ۱۳۸۹، توسط شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس (وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار) طراحی شده و در دی‌ماه همان سال، همزمان با آغاز به کار نمایشگاه بورس، بانک و بیمه، با حضور وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی افتتاح شد. مدیر روابط عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار تصریح کرد: البته نسخه اولیه این سامانه با نسخه موجود، هم از نظر فنی و هم از نظر قابلیت‌های کاربردی، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد و شاید بتوان گفت اساساً قابل مقایسه نیست.

وی ادامه داد: در واقع از آن زمان تاکنون تالار مجازی، به صورت مستمر در حال ارتقا و بهبود بوده و به موازات بهبود مستمر این سامانه، تعداد کاربران آن نیز به‌طور فزاینده، رو به رشد است. این گزارش می‌افزاید: سپهر نصیرالاسلامی ۲۳ ساله از شیراز نیز به عنوان یکی از کاربران این تالار به شروع فعالیت خود از سال ۹۰ در تالار مجازی اشاره کرد که در بیشتر مسابقات این تالار موفق بوده است. وی سرمایه‌ارائه شده به کاربران در این مسابقات را ۱۰ میلیون تومان عنوان می‌کند که با سودی که از محل خرید و فروش در این فضا حاصل می‌کرد، مجدداً بر نقدینگی آن برای خرید بیشتر سهام افزوده می‌شد. این کاربر علاوه بر تالار مجازی، فعالیت خود را در بازار سرمایه کشور با سرمایه ۳۰۰ هزار تومانی آغاز کرد؛ که پس از کسب بازدهی از بورس و دریافت جوایز از تالار مجازی، سرمایه خود را در بازار سرمایه به ۵ میلیون تومان افزایش داد. نصیرالاسلامی با بیان اینکه تالار مجازی با فضای واقعی بورس تفاوت دارد، عنوان کرد که در تالار مجازی می‌توانی به صورت ۲۴ ساعته فعالیت کنی اما زمان معاملات در بازار سرمایه محدود به ساعات ۹ صبح تا ۱۲:۰۰ است. از سوی دیگر حسین قنبری کاربر ۳۶ ساله اردبیلی نیز به فعالیت خود در این تالار مجازی از زمان راه‌اندازی آن اشاره کرد که طی مشارکت در تمامی مسابقات آن موفق شد در ۱۴ تا ۱۵ مسابقه آن برنده باشد.

مدیر روابط عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در این رابطه با اشاره به اقدام شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس در شبیه‌سازی بورس ایران به صورت مجازی اعلام کرد: این اقدام برای آن است، تا به این واسطه سرمایه‌گذاران توانایی خود را برای کسب بازدهی در این بازار به عنوان فضایی تقریباً واقعی و بدون نیاز به پول و تحمل ریسک محک بزنند. وی از شباهت این تالار با بورس واقعی کشور به عنوان عاملی برای استقبال کاربران از این فضای مجازی یاد کرد و ادامه داد: بر این اساس علاوه بر ثبت نام بیش از ۲۰۰ هزار کاربر در این تالار، روزانه هزاران نفر نیز از بورس مجازی ایران بازدید و در این بورس، سهام و سایر انواع اوراق بهادار را با اعتبار مجازی خود خرید و فروش می‌کنند.

سعید مستشار متوسط معاملات روزانه تالار مجازی بورس ایران را بین ۸ تا ۱۰ میلیارد تومان ذکر کرد و ادامه داد: به‌طور میانگین، روزانه بیش از ۲۵ میلیون سهم و واحد سرمایه‌گذاری صندوق‌ها در تالار مجازی دادوستد می‌شود. همچنین تعداد دفعات روزانه معاملات در تالار مجازی، بیش از ۶ هزار دفعه است.

وی پیش‌بینی کرد که تا پایان سال ۹۲، تعداد کاربران تالار مجازی به حدود ۲۵۰ هزار نفر افزایش یابد؛ مسأله‌ای که سبب شده تا سازمان بورس به کاربر میلیونی در تالار مجازی فکر کند.

مدیر روابط عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در خصوص کاربران این تالار، ابراز کرد: حدود ۷۵ درصد کاربران را آقایان و ۲۵ درصد را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین ۵۳ درصد کاربران بین ۱۸ تا ۳۰ سال و ۳۳ درصد کاربران بین ۳۰ تا ۴۵ سال سن دارند. وی در خصوص میزان تحصیلات آنها نیز عنوان کرد که حدود ۷ درصد کاربران دانش‌آموز هستند، در حالی که ۱۷ درصد دارای مدرک کاردانی، ۵۰ درصد کاربران دارای مدرک کارشناسی و ۱۳ درصد دارای مدرک کارشناسی‌ارشد هستند.

وی اضافه کرد: بیشترین آمار کاربران مربوط به کاربران استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، مازندران، آذربایجان شرقی و فارس است. مستشار به عضویت برخی از کاربران از کشورهای دیگر در تالار مجازی اشاره کرد که به این واسطه در آینده نسخه انگلیسی تالار مجازی نیز راه‌اندازی



مدیر روابط عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در خصوص کاربران این تالار، ابراز کرد: حدود ۷۵ درصد کاربران را آقایان و ۲۵ درصد را خانم‌ها تشکیل می‌دهند.

اخلاق و فناوری در کسب و کار

ما در عصری زندگی می‌کنیم که ویژگی آن پیشرفت فناوری است هر نسل تازه پیشرفت‌های فناورانه‌ای را تجربه می‌کند که نسل‌های پیشین از آن خبر نداشته‌اند عبارت است از چگونگی پایدار کردن و آسان کردن زندگی

مزایای فناوری

قابل کتمان نیست که جامعه از مزایای فناوری و نوآوری بهره‌فرآوانی برده است. فناوری امروزه توانسته زندگی ما را در همه نقش‌های خود بهبود بخشد. فناوری به ما کمک کرده است که بر طبیعت تسلط پیدا کنیم و یک زندگی شهری راحت را برای خود بسازیم.

طی سال‌ها، فناوری از چهار جهت به جامعه سود رسانده است: نخست، تولید کالاها و خدمات را برای جامعه افزایش داده است. این مزیت اساساً به بخش کسب‌وکار نسبت داده می‌شود. در اواسط سده نوزدهم، مردم و حیوانات همچنان منابع اصلی نیرو در مزارع بودند.

در اوایل سده بیستم، تراکتورها و سایر ماشین‌هایی که از قدرت بنزین و برق استفاده می‌کنند، رایج شدند. امروزه تقریباً همه کارهای مزارع را ماشین‌ها انجام می‌دهند.

دوم، فناوری میزان نیروی دستی مورد نیاز برای ساخت فرآورده‌ها و خدمات را کاهش داده است. در نتیجه نه تنها تولید افزایش یافته، بلکه بهره‌وری نیز بالا رفته است.

این امر باعث شده است که مردم تعطیلات بیشتری داشته باشند و سبک زندگی‌شان به شدت تغییر کند.

سوم، فناوری نه تنها تولید بیشتر با میزان کمتری از نیروی انسانی را ممکن ساخته، بلکه

فناوری هسته بسیاری از کسب‌وکارهای امروزی است و برای خلق فرآورده‌ها یا فرآیندهای جدید یا به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به سایر اهداف ارزشمند دیگر به کار می‌رود؛ اما فناوری همان‌طور که بسیاری گفته‌اند یک شمشیر دولبه است. بسیاری از منافع مثبت از پیشرفت‌های فناورانه حاصل می‌شوند؛ اما مشکلات و چالش‌های جدیدی نیز از پیشرفت فناوری‌ها برمی‌آیند.

جان نایزبیت ۱ که یک آینده‌شناس است این پرسش را مطرح کرده است که «آیا پیشرفت فناوری یک نیروی آزادی‌بخش در جامعه است یا یک نیروی مخرب؟» وی بیان کرده است که پیشرفت فناوری در بهترین حالت از زندگی انسانی پشتیبانی می‌کند و آن را بهبود می‌بخشد و در بدترین حالت باعث از خود بیگانگی، منزوی شدن، تحریف و نابودی می‌شود.

به هر رو، فناوری نقشی محوری در کسب‌وکارها در سده بیست‌ویکم یافته و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. افزون بر این، موضوعاتی اخلاقی که کسب‌وکار برای جامعه به دنبال دارد، در نتیجه پیشرفت‌های فناوری، شدت یافته‌اند. بسیاری بر این باورند که فناوری با سرعتی سرسام‌آور توسعه می‌یابد؛ به گونه‌ای که از ظرفیت جامعه، حکومت یا کسب‌وکار برای مقابله با پیامدهای آن فراتر می‌رود.



فناوری میزان نیروی دستی مورد نیاز برای ساخت فرآورده‌ها و خدمات را کاهش داده است. در نتیجه نه تنها تولید افزایش یافته، بلکه بهره‌وری نیز بالا رفته است.

کار را آسان‌تر و ایمن‌تر کرده است.

چهارم، نتیجه مستقیم صرفه‌جویی در نیروی کار، افزایش استاندارد زندگی بوده است. امروزه در اقتصادهایی که توانسته‌اند از مزیت فناوری بهره بگیرند، مردم خوراک، پوشاک و مسکن بهتری دارند و از سلامت و راحتی بی‌سابقه‌ای در تاریخ بهره می‌برند، حتی امید به زندگی نیز در نتیجه این عوامل افزایش یافته است.

عوارض جنبی و چالش‌های حاصل از فناوری

چهار دسته از عوارض جنبی را می‌توان برای فناوری برشمرد: نخست، آلودگی زیست‌محیطی است که یکی از نامطلوب‌ترین عوارض جنبی فناوری محسوب می‌شود. با وجود تلاش‌هایی که برای رفع این مشکل انجام شده است، اغلب کشورهای صنعتی امروزه با آلودگی چشمگیر هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی روبه‌رو شده‌اند. گرم شدن دمای هوای زمین و تاثیرات آب‌وهوایی نیز یکی از نگرانی‌های برخاسته از فناوری در جهان امروز است. دوم، تهی‌سازی زمین از منابع طبیعی است.

پیشرفت سریع فناوری پیوسته تامین منابع طبیعی را تهدید می‌کند. کمبود سوخت و کمبود منابع انرژی در زندگی امروزی به یک عادت تبدیل شده است. سوم، بیکاری حاصل از فناوری است. رایج‌ترین شکل این نوع بیکاری زمانی رخ می‌دهد که ماشین‌ها جای انسان‌ها را می‌گیرند؛ همان تجربه‌ای که در مرحله خودکارسازی کارها در توسعه صنعتی تجربه شد. شکلی دیگر از بیکاری فناوری، امروزه با انتقال مشاغل مبتنی بر فناوری به آن سوی مرزها و به مناطق ارزان‌تر جهان دیده می‌شود. در مجموع این مشکل آنگونه که تصور می‌شد جدی نیست، هرچند که در کوتاه‌مدت و برای اشخاصی که در پی انجام شغل‌های خاص با مهارت‌های محدود هستند، این موضوع همچنان یک تهدید جدی محسوب می‌شود. به‌طور قطع، فناوری منافع بسیاری برای بشر دارد؛ اما شبهاتی در استفاده اخلاقی از فناوری و نوآوری در کسب‌وکار مطرح است. اقدامات جامعه کسب‌وکار در ارتباط با فناوری همانند تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و جهانی‌سازی کسب‌وکار پیامدهایی اخلاقی دارد که باید آنها را برشمرد و مورد بحث قرار داد. هدف مدیریت باید دوری از کارهای غیراخلاقی و خلاف اخلاق در ارتباط با فناوری و حرکت به سمت مدیریت اخلاقی در بهره‌گیری از این منبع تجاری باشد. هدف مدیران و سازمان‌هایی که می‌خواهند اخلاقی باشند باید این باشد که کار درست و عادلانه را انجام دهد و از آسیب رساندن به دیگران خودداری کنند. در انجام داورهای اخلاقی، هنجارهای مقبولیت مربوط به فناوری

باید به‌وسیله اصول اخلاقی مورد آزمون قرار گیرند. مأموریت مدیران دوری از کارهای فناورانه غیراخلاقی در فرآورده‌ها، فرآیندها و روش‌ها باشد. در این زمینه فضای زیادی برای سوءاستفاده وجود دارد. فناوری موهبتی الهی برای بشر است که احتمال غفلت یا اشتباه در تشخیص ابعاد اخلاقی تصمیم‌گیری و به‌کارگیری آنها در موارد مربوط به آن بسیار زیاد است.

مدیران باید تلاش کنند که به استانداردهای رفتار و خط‌مشی‌های اخلاقی پایبند باشند؛ توجه دقیق به قانون (هم در لفظ و هم در روح) کنند و رهبری اخلاقی را در پیش‌بینی و پاسخگویی به تعارضات حل‌ناشدنی مربوط به فناوری از خود نشان دهند.

دو موضوع کلیدی مربوط به اخلاق و فناوری در کسب‌وکار

دو موضوع اخلاقی کلیدی در قلمرو فناوری وجود دارد که همه چیز را در این زمینه هدایت می‌کنند. موضوع نخست ایده جبرگرایی فناورانه ۲ است. جبرگرایی فناوری مبتنی بر آن است که «آنچه می‌تواند توسعه یابد توسعه خواهد یافت.» اگر زمانی پرسیده می‌شد که «چرا ما می‌خواهیم مردم به ماه بروند؟» همواره پاسخ این بود که «زیرا ما می‌توانیم انسان را به ماه ببریم.» به دیگر سخن، دانشمندان و کسانی که با فناوری‌های پیشرفته سروکار دارند تمایل زیادی به گسترش مرزهای توسعه فناوری دارند، بدون آنکه موضوعات و عوارض جنبی آنها را بسنجند.

دومین مفهوم عبارت است از مفهوم واماندگی اخلاقی ۳. واماندگی اخلاقی پدیده‌ای است که هنگام پیشی‌گرفتن سرعت تغییرات فناورانه از توسعه اخلاقی رخ می‌دهد.

برای تاکید بر بعد اخلاقی فناوری، باید توجه کنیم که ما در جامعه چگونه با فناوری و قدرتی که بر زندگی‌های ما دارد گره خورده‌ایم. تنها با درک این رابطه عاطفی ما با فناوری است که می‌توانیم بر جنبه اخلاقی آن تمرکز کنیم و اقداماتی را که باید انجام گیرد تعیین کنیم.

یکی از راه‌های فهم آنچه فناوری بر ما تحمیل می‌کند توجه به اندیشه‌های جان نایزبیت ۴، نانا نایزبیت ۵ و داگلاس فیلیپس ۶ مولفان کتاب «فناوری پیشرفته، تماس پیشرفته» است. در این کتاب اسارت کنونی ما در دام فناوری و نشانه‌های این اسارت مورد بحث قرار گرفته است.



پیشرفت سریع فناوری پیوسته تامین منابع طبیعی را تهدید می‌کند. کمبود سوخت و کمبود منابع انرژی در زندگی امروزی به یک عادت تبدیل شده است.

خواسته‌ها برسیم. فناوری قول می‌دهد که از زندگی ما سم‌زدایی کند، زندگی ما را ساده کند، ما را از تنش‌ها برهاند و اعصاب ما را راحت کند؛ اما این فرهنگ مبتنی بر سرعت کور در نهایت یک فرهنگ پوچ است. ما فریب قول‌های فناوری را خورده‌ایم.

۲. ما از فناوری می‌ترسیم و آن را می‌پرستیم. رفتار ما روی پیوستاری نوسان می‌کند که یک سر آن ستایش و سر دیگر آن ترس است. ما فناوری را می‌پذیریم، زیرا می‌ترسیم از رقیب و همکاران خود جا بمانیم. ما از فناوری استقبال می‌کنیم سپس هنگامی که نتایج مطلوب را نمی‌گیریم احساس ناامیدی می‌کنیم.

۳. ما دچار ناتوانی در تشخیص پدیده‌های واقعی از پدیده‌های تقلبی شده‌ایم. وقتی فناوری می‌تواند طبیعت را دچار دگرگونی کند ما همواره می‌پرسیم آیا این پدیده واقعی است یا ساختگی؟ آیا اصل است یا شبیه‌سازی شده؟

نشانه‌های مسمومیت جامعه با فناوری

نایزی در کتاب خود همه اعضای جامعه را به فهم و پرسش از جایگاه فناوری در زندگی ما فرا می‌خواند.

وی و همکارانش بیان می‌کنند که جهان ما از یک مکان «راحت فناورانه» به یک منطقه «مسموم فناورانه» تبدیل شده است. نایزیت با تحلیل جهان نتیجه می‌گیرد که شش نشانه از مسمومیت جامعه به وسیله فناوری وجود دارد. برخی از این نشانه‌ها شخصیت ما را به عنوان مردم تحت تاثیر قرار می‌دهد و برخی دیگر به موضوعات اخلاقی مربوط است که فناوری، کسب‌وکار را به آن دچار می‌کند. این ۶ نشانه به شرح زیرند:

۱. ما طرفدار سرعت هستیم. این امر در همه چیز (مثل رژیم غذایی) صادق است. ما یک دور باطل را در جست‌وجوی خواسته‌های خود طی می‌کنیم و می‌خواهیم به سرعت به آن



ما از فناوری می‌ترسیم و آن را می‌پرستیم. رفتار ما روی پیوستاری نوسان می‌کند که یک سر آن ستایش و سر دیگر آن ترس است.

چگونه سهامدار شویم

دوره‌های آموزشی مختلف شرکت کنید تا از این طریق با مفاهیم ابتدایی بازار سرمایه آشنا شوید؛ واژه‌هایی که در مسیر سرمایه‌گذاری تخصصی شما که کاری بیشتر از خرید و فروش ارز و سکه است مورد استفاده قرار خواهند گرفت. بنابراین با مطالعه کتاب‌های مختلف و گذراندن این دوره‌ها شما می‌توانید راحت‌تر اطلاعات تخصصی این بازار را درک کنید و از سوی دیگر می‌توانید با ریسک‌ها و مواردی که می‌تواند در این مسیر به شما زیان وارد کند آشنا شوید. در این بین رصد هر روزه بازار و نوسان‌های آن کم‌کم شما را با روند حرکتی سهام مختلف آشنا می‌کند؛ اینکه بازار روند قرمز دارد یا بیشتر نمادها در صف خرید با رنگ سبز در حال معامله هستند اولین نکاتی است که با مشاهده سایت tsetmc.com با آن مواجه خواهید شد. به این ترتیب اگر همچنان از هیجان به دور باشید و منتظر بمانید تا با کسب اطلاعات لازم خرید را شروع کنید.

راهی تالار شیشه‌ای شوید

در این مرحله شما می‌توانید با اطلاعات محدودی که دارید سری هم به تالار شیشه‌ای بورس بزنید و از نزدیک با برخی از معامله‌گران فعال در این بازار آشنا شوید، اما به یاد داشته باشید که آنها به احتمال زیاد سال‌ها است که در این بازار هستند و شما به عنوان یک تازه وارد بهتر است خود را از هیجان آنها دور نگه دارید و فقط به دنبال اطلاعات باشید. هر چند قبل از هر چیزی باید بدانید که تالار شیشه‌ای مملو از شایعات مختلف است که حکایت از رشد قیمت سهام مختلف دارد و آینده‌ای را سرشار از بازده سنگین به سهامداران نوید می‌دهد.

سید سهام بسازید

در اولین قدم برای اولین خرید بهتر است که «همه تخم مرغ‌های خود را در یک سبد نگذارید» و ترکیبی از چند سهم را انتخاب کنید و سید سهامی تشکیل دهید که بتوانید از یک طرف آن را اداره کنید و از طرف دیگر با اطمینان بیشتری در بازار فعالیت کنید. در این مسیر رصد هر روزه بازار در کنار انتخاب سهام با ارزش ذاتی و پر پتانسیل که در اصطلاح به آن سهام بنیادی می‌گویند می‌تواند سهم بسزایی در کاهش نگرانی شما داشته باشد. انتخاب سهام بر اساس سابقه سودآوری و شفافیت اطلاعات از مهم‌ترین موضوعاتی است که شما می‌توانید در انتخاب سهام مدنظر قرار دهید.

اخباری که از صعود شتابان بورس و بازار سرمایه شنیده می‌شود هر شنونده‌ای را برای شناخت بیشتر این بازار کنجکاو می‌کند و البته وسوسه سود در این بازار با اعداد و ارقام فوق‌العاده مطلوبی است که باعث شده بسیاری برای شناخت بیشتر و شیوه کار در بازار سرمایه شروع به جمع‌آوری اطلاعات کنند. اگر تا سال گذشته گزینه‌های پیش روی سرمایه‌گذاری را رصد می‌کردیم طلا و ارز از ساده‌ترین بازارهایی بودند که افراد حاضر بودند برای کسب سود حداقل سرمایه‌های خود را به این بازارها ببرند، اما به دنبال روند نزولی این بازارها در کنار رکود بازار مسکن حالا بیشتر صاحبان این سرمایه‌ها می‌خواهند به بازار سرمایه راه یابند تا از سودهای رویایی این بازار بی‌نصیب نمانند، اما چگونه برای خرید سهام و ورود به بازار پر ریسک سهام اقدام کنیم و از کجا شروع کنیم؟

اولین قدم برای سهامدار شدن

برای ورود به بازار سهام شما نیازمند یک کد سهامداری هستید. همان طور که برای امور بانکی نیازمند شماره حساب هستید، ورود به بازار سهام نیز نیازمند دریافت کد سهامداری است. برای این کار نیز شما باید از طریق یک کارگزار عمل کنید. از طریق سایت‌های مختلف سازمان بورس و اوراق بهادار شما می‌توانید به لیست تمام کارگزاران فعال در این بازار دسترسی داشته باشید و به نزدیک‌ترین کارگزار مراجعه کرده و با تکمیل فرم‌های مربوطه شما اولین قدم را برای ورود به بازار سرمایه برداشته اید. کارگزاران از اصلی‌ترین ارکان بازار سهام هستند که ارتباط بین سهامداران و سازمان بورس و نیز تمامی خرید و فروش‌ها را صورت می‌دهند. در واقع شما برای خرید و فروش سهام باید از طریق شبکه کارگزاری اقدام کنید که کانال رسمی و شفافی است. اما در این مرحله شما به دنبال خرید سهام خواهید بود. در بورس اوراق بهادار بیش از ۳۰۰ شرکت کوچک و بزرگ از بین ۳۰ صنعت مختلف فعال هستند. سهام خودرویی، بانکی، معدنی، دارویی، سیمانی، غذایی، پتروشیمی و... از صنایع کوچک و بزرگی هستند که در میان سهامداران دست به دست می‌شوند و شما ریسک خیلی زیادی خواهید کرد اگر بدون شناخت از این گروه‌ها اقدام به خرید سهام شرکتی کنید، اما بهترین راه برای جمع‌آوری و کسب اطلاعات چیست؟ مطالعه کنید تا...

برای انتخاب سهام مناسب بدون شک شما باید در



پیشرفت سریع فناوری پیوسته تامین منابع طبیعی را تهدید می‌کند. کمبود سوخت و کمبود منابع انرژی در زندگی امروزی به یک عادت تبدیل شده است.

بررسی نظریات رشد اقتصادی در کشورهای مختلف

مواجه شدند. اگرچه این مقالات یک جریان تحقیقاتی را به دنبال خود ایجاد کردند اما بخش کوچکی از تحلیل‌های این جریان در شکل‌گیری تفکر جاری نقش بازی کرد.

مقالات تأثیرگذار بعدی در حوزه رشد اقتصادی در سال ۱۹۵۹ از سوی سولو و سوان ارائه شد. فرم نئوکلاسیک تابع تولید، جنبه کلیدی مدل سولو-سوان بود که فرض بازدهی ثابت به مقیاس، بازدهی کاهنده نسبت به هر عامل تولید منفرد و کشش جایگزینی مثبت میان عوامل تولید را در دل خود داشت. این تابع تولید در کنار قاعده نرخ پس انداز ثابت، یک الگوی تعادل عمومی بسیار ساده را خلق می‌کرد. یکی از فرضیات تجربی مهم الگوی سولو-سوان، همگرایی مشروط بود. تحت مدل سولو-سوان، هرچه درآمد سرانه در سطح پایین تری قرار داشت، نرخ رشد اقتصادی بالاتر می‌بود.

لذا درآمد سرانه کشورهایی با درآمد کم، می‌بایست به دلیل رشد اقتصادی بالا، به سمت درآمد سرانه اقتصادهای توسعه یافته همگرا می‌شد. این همگرایی مشروط به شباهت نرخ پس انداز، نرخ رشد جمعیت و ویژگی‌های تابع تولید اقتصادها بود. با این حال، یافته‌های تجربی حاکی از آن است که سطح درآمد سرانه کشورها طی سالیان متمادی فاصله قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر داشته است و برای توضیح این اختلاف درآمد سرانه، نیازمند رجوع به سایر تفاوت‌های بین‌کشوری نظیر تفاوت در سیاست‌های دولت و سرمایه‌انسانی خواهیم بود.

توقف رشد اقتصادی در صورت عدم تداوم رشد تکنولوژیک، از دیگر پیش‌بینی‌های مدل سولو-سوان بود. این در حالی است که مشاهدات نشان می‌دهد رشد مثبت درآمد سرانه می‌تواند تا یک قرن تداوم داشته باشد و تمایل آشکاری به افت ندارد.

نظریه پردازان رشد اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و سال‌های ۱۹۶۰ متوجه ناکارایی‌های این نوع الگوسازی شدند و عموماً این ناکارایی را با توسل به فرض پیشرفت تکنولوژیک خود به خودی و برونزا، رفو می‌کردند. این رفوکاری تا حدودی می‌توانست از طریق تولید یک نرخ رشد مثبت و نسبتاً باثبات، تئوری رشد را با داده‌ها وفق

چپستی، چگونگی و سیاستگذاری رشد اقتصادی، از گذشته در فهرست مسائل بسیار مورد توجه علم اقتصاد بوده است

چپستی، چگونگی و سیاستگذاری رشد اقتصادی، از گذشته در فهرست مسائل بسیار مورد توجه علم اقتصاد بوده است. مجموعه‌ای از تلاش‌های انجام شده برای پاسخ به این مسأله، به شکل‌گیری ادبیاتی تحت عنوان نظریه رشد اقتصادی انجامیده است که نوشتار حاضر مروری بر ادبیات مذکور خواهد بود. بسیاری از اجزای بنیادی نظریات مدرن رشد اقتصادی از سوی اقتصاددانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت (۱۷۷۱)، دیوید ریکاردو (۱۸۱۱)، توماس مالتوس (۱۸۷۱) و بعدها از سوی فرانک رمزی (۱۸۹۱)، الین یانگ (۱۸۹۱) فرانک نایت (۱۹۹۱) و ژوزف شومپتر (۱۹۳۹) فراهم شد. این ایده‌ها مواردی نظیر رفتار رقابتی، پویایی‌های تعادلی، نقش بازدهی کاهنده در انباشت سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی، اثر متقابل میان درآمد سرانه و نرخ رشد جمعیت، اثر پیشرفت فنی بر تخصص‌گرایی فزاینده نیروی کار و کشف ابزارها و روش‌های جدید تولید و نیز نقش قدرت انحصاری به عنوان انگیزه تلاش برای دستیابی به پیشرفت‌های تکنولوژیک را در بر می‌گیرد.

مدل‌های رشد اقتصادی برونزا و درونزا

از منظر تاریخی، مقاله کلاسیک رمزی (۱۸۹۱) نقطه آغاز نظریه مدرن رشد اقتصادی است که رهیافت بهینه‌یابی بین دوره‌ای خانوارها در طول زمان را معرفی کرد. رهیافت وی در سال‌های ۱۹۶۰ به طور گسترده مورد استفاده اقتصاددانان قرار گرفت.

در فاصله ارائه مقاله رمزی تا اواخر سال‌های ۱۹۵۰، هارود (۱۹۳۹) و دومار (۱۹۶۱) تلاش کردند تحلیل‌های کینزی را با عناصر رشد اقتصادی ترکیب کنند. آنها با استفاده از توابع تولیدی که امکان جانشینی عوامل تولید را محدود می‌ساخت، تلاش کردند تا نشان دهند که نظام سرمایه‌داری ذاتاً ناپایدار است. از آنجا که مقالات آنها در خلال سال‌های رکود بزرگ انتشار یافت، این مقالات با اقبال



تحت مدل سولو-سوان، هرچه درآمد سرانه در سطح پایین تری قرار داشت، نرخ رشد اقتصادی بالاتر می‌بود. لذا درآمد سرانه کشورهایی با درآمد کم، می‌بایست به دلیل رشد اقتصادی بالا، به سمت درآمد سرانه اقتصادهای توسعه یافته همگرا می‌شد.

نفت مُرد، پژوهش های اقتصاد کلان برای ۵۱ سال بر تحلیل نوسانات کوتاه مدت، به کارگیری انتظارات عقلایی در مدل های ادوار تجاری و استفاده از رهیافت تعادل عمومی در نظریه ادوار تجاری حقیقی متمرکز شد. عبور از میانه های دهه ۰۸۹۱، موج جدیدی از تحقیقات با مقالات رومر (۶۸۹۱) و لوکاس (۸۸۹۱) آغاز شد. انگیزه این موج از تحقیقات به مواجهه با این پدیده مربوط می شد که شناخت عوامل تعیین کننده نرخ رشد اقتصادی بلندمدت بسیار حیاتی تر از تعیین مکانیسم وقوع ادوار تجاری و اثرات ضد چرخه ای سیاست های پولی و مالی است.

موج جدید تحقیقات رشد اقتصادی به این نتیجه رسیده بود که باید از فرضیه برونزایی رشد تکنولوژیک رهایی یابد. این امر به طراحی «مدل های رشد درونزا» منجر شد. رومر (۶۸۹۱)، لوکاس (۸۸۹۱) و ریلو (۱۹۹۱) بر مبنای کارهای آرو (۲۶۹۱)، ششینسکی (۷۶۹۱) و اوزاوا (۵۶۹۱) مقالات برجسته این موج بودند که درونزایی رشد تکنولوژی را پیگیری کردند.

سپس وارد کردن نظریات D&R و رقابت ناقص به چارچوب رشد اقتصادی توسط رومر (۷۸۹۱، ۰۹۹۱) آغاز شد و با دستاوردهای برجسته اقیون و هویت (۲۹۹۱) و گراسمن و هلپمن (۱۹۹۱) دنبال شد. در این مدل ها، پیشرفت تکنولوژیک محصول فعالیت هدفمند D&R بود که با اعطای یک حق انحصاری در صورت موفقیت آمیز بودن پروژه های D&R جبران می شد. اگرچه این رهیافت به نرخ رشد مثبت و نسبتاً پایداری می رسید اما به هر حال به دلیل انحراف ایجاد شده در تولید کالاهای جدید و روش تولید، این نرخ رشد فاقد شرایط بهینگی پرتو بود. این برنامه های تحقیقاتی در سال های ۰۹۹۱ نیز فعال باقی ماند و در حوزه هایی نظیر درک اثرات مقیاس بر فرآیند رشد (جونز، ۹۹۹۱) و ارزیابی سرمایه بر بودن یا کاربر بودن رشد (عجم اوغلو، ۲۰۰۲) به کار گرفته شد. تحقیقات جدیدتر نیز مدل های انتشار تکنولوژی را مورد بررسی قرار داده اند.

نهادها و رشد اقتصادی

مدل های سنتی رشد نئوکلاسیک، متعاقب سولو (۶۵۹۱)، کس (۵۶۹۱) و کوپمن (۵۶۹۱)، تفاوت در درآمد سرانه را به وسیله مسیرهای مختلف انباشت عوامل تولید توضیح می دهد. در این مدل ها، تفاوت های بین کشوری انباشت عوامل به تفاوت در نرخ پس انداز (سولو)، ترجیحات (کاس کوپمن) یا دیگر متغیرهای برونزا نظیر رشد بهره وری عوامل نسبت داده می شود. در این مدل ها نهادهایی مثل تضمین حقوق مالکیت و وجود بازارهای رقابتی، به طور ضمنی، از پیش تامین شده در نظر گرفته شده اند، و لذا فرض بر عدم تفاوت کشورهای مختلف از حیث چنین نهادهایی است. اولین موج خوانش اخیر از نظریه رشد، پس از رومر (۶۸۹۱) و لوکاس (۸۸۹۱) از این لحاظ با مدل های سنتی متفاوت بود که بر نقش آثار بیرونی

دهد اما حتی با این ابزار نیز مساله پیش بینی همگرایی مشروط به قوت خود باقی بود. نقص اصلی این الگوها در آن بود که رشد اقتصادی بلندمدت را معلول متغیری به نام رشد تکنولوژیک معرفی می کرد، بدون آنکه هیچ معرفتی در خصوص رشد تکنولوژیک به دست دهد یا توضیحی از چگونگی وقوع آن ارائه کند. در واقع رشد تکنولوژیک به عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی در این نوع الگوها در نظر گرفته می شد، متغیری بود که در «بیرون از مدل» رشد اقتصادی، در یک جعبه سیاه و به شکل نامعلومی تعیین می شد. از این رو این مدل ها به مدل های رشد برونزا شهرت یافتند. لذا در آن برهه از زمان، «تلاش اقتصاددانان به مدل هایی ختم شده بود که هر چیزی را توضیح می داد، الا رشد اقتصادی بلندمدت!». کس (۵۶۹۱) و کوپ من (۵۶۹۱) تحلیل رمزی از بهینه یابی مصرف کننده را به مدل رشد نئوکلاسیک وارد کردند و از این طریق امکان تعیین درونزای نرخ پس انداز را فراهم ساختند. لیکن به رغم درونزا شدن نرخ پس انداز، نرخ رشد تکنولوژیک همچنان برونزا تعیین می شد و مساله همگرایی مشروط نیز به قوت خود باقی بود.

رو (۲۶۹۱) و ششینسکی (۷۶۹۱) مدل هایی ساختند که در آنها، پیشرفت تکنولوژیک از طریق یادگیری حین کار رخ می داد. در این مدل ها، مکاشفات هر فرد در حین کار در زمینه بهبود شیوه تولید و خلق ابزار جدید، به دلیل رقابت ناپذیری دانش، به سرعت در اقتصاد منتشر شده و اثرات آن بر سایر بخش ها سرریز می کرد.

بعدها رومر (۶۸۹۱) نشان داد که می توان برای تعیین یک نرخ رشد تکنولوژیک تعادلی، چارچوب رقابتی را حفظ کرد اما چنین نرخ رشدی، عموماً بهینه پرتو نخواهد بود. به طور کلی، اگر کشفیات به D&R هدفمند وابسته باشند و اگر نوآوری های فردی تدریجاً به سمت سایر تولیدکنندگان منتشر شود، چارچوب رقابتی در هم می شکند. در چنین شرایط واقعی، ابداع یک تئوری پیشرفت فنی غیر متمرکز مستلزم تغییرات بنیادین در مدل رشد اقتصادی نئوکلاسیک است به نحوی که تحلیل رقابت ناقص در آن تعبیه شود. این اتفاق تا زمان ارائه مقاله رومر (۷۸۹۱، ۰۹۹۱) در پایان سال های ۰۸۹۱ رخ نداد. مدل پایه ای رشد نئوکلاسیک در کار کس (۵۶۹۱) و کوپ من (۵۶۹۱) تکمیل شد. پس از آن، نظریه رشد بیش از حد فنی شد و به طور مداوم ارتباط خود با کاربردهای تجربی را از دست داد. برخلاف نظریه پردازان رشد، اقتصاددانان توسعه که برای ارائه توصیه به اقتصادهای بیمار آماده می شدند، رهیافت کاربردی را حفظ کردند و به استفاده از مدل هایی گرایش یافتند که به لحاظ فنی غیر پیچیده و به لحاظ تجربی مفید بود. لذا مسیر اقتصاد توسعه و اقتصاد رشد کم کم جدا شد و این دو حوزه به کلی از یکدیگر تفکیک شدند. نظریه رشد، احتمالاً به دلیل عدم توجه به یافته های تجربی عملاً در اوایل سال های ۰۷۹۱ در آستانه انقلاب انتظارات عقلایی و شوک قیمت



نظریه رشد، احتمالاً به دلیل عدم توجه به یافته های تجربی عملاً در اوایل سال های ۱۹۷۰ در آستانه انقلاب انتظارات عقلایی و شوک قیمت نفت مُرد.

انباشت سرمایه انسانی و فیزیکی در رشد بلندمدت تاکید می‌کرد. اما به هر حال این موج نیز بدون هیچ انحرافی در مسیر اصلی سنت نئوکلاسیک برای توضیح اختلاف میان نرخ‌های رشد با استفاده از ترجیحات و مواهب اولیه باقی مانده بود. موج دوم مدل‌ها، مشخصاً رومر (۱۹۹۱)، گراسمن و هلمپن (۱۹۹۱) و اقیون و هویت (۲۹۹۱)، نرخ رشد حالت پایدار و پیشرفت‌های فنی را درونزا کردند اما توضیح دهندگی آنها در خصوص اختلاف درآمد، همانند نظریه‌های قدیمی‌تر بود. به عنوان مثال در مدل رومر (۲۰۱۱) یک کشور می‌توانست کامیاب‌تر از دیگری باشد اگر منابع بیشتری را به نوآوری اختصاص می‌داد، اما آنچه این تخصیص را تعیین می‌کرد لزوماً همان ترجیحات و ویژگی‌های فناوری خلق ایده‌ها بود.

گرچه این سنت نظری هنوز در علم اقتصاد فعال است و در خصوص مکانیسم رشد اقتصادی، بینش‌های متعددی را ارائه کرده لیکن برای مدتی طولانی است که به نظر می‌رسد این سنت قادر به ارائه توضیح بنیادین پدیده رشد اقتصادی نیست. به گفته نورث و توماس (۳۷۹۱): عواملی که ما فهرست کرده ایم (نوآوری، صرفه‌های مقیاس، آموزش، انباشت سرمایه و غیره) علل وقوع رشد نیستند بلکه آنها خودشان رشد هستند. در واقع، انباشت سرمایه و نوآوری صرفاً «سبب نزدیک» رشد هستند. در دیدگاه نورث و توماس، تفاوت میان نهادهاست که رشد نسبی را توضیح می‌دهد. در واقع نظریه اقتصاد نهادگرا نشان می‌دهد که نوآوری، سرمایه‌گذاری در آموزش، انباشت سرمایه فیزیکی و که در مدل‌های متعارف رشد اقتصادی به عنوان علل رشد در نظر گرفته می‌شوند، معلول ساختار نهادی جامعه هستند.

اما نهادها دقیقاً چه چیزی هستند؟ نورث (۲۰۹۱) این تعریف را پیشنهاد می‌دهد: «نهادها همان قواعد بازی در یک جامعه هستند یا به عبارت رسمی‌تر عبارتند از قیودی وضع شده از سوی انسان که نحوه برهم کنش و تعامل انسانی را شکل می‌دهند.» او در ادامه بر دلالت کلیدی نهادها تاکید می‌کند چرا که «در نتیجه این تعریف برای نهادها، ساختار انگیزشی در مبادلات انسانی توسط نهادها شکل می‌گیرد؛ خواه این نهادها سیاسی باشند، خواه اقتصادی یا اجتماعی.»

آنچه نسبت به خروجی اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، نهادهای اقتصادی درون جامعه نظیر ساختار حقوق مالکیت و وجود و درجه تکامل بازارهاست. نهادهای اقتصادی از آن رو اهمیت دارند که بر ساختار انگیزه‌های اقتصادی یک جامعه تاثیر می‌گذارند. بدون وجود حقوق مالکیت، افراد انگیزه سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی یا فیزیکی یا انگیزه منطبق شدن با تکنولوژی‌های کارآمدتر را ندارند. علاوه بر این، نهادهای اقتصادی به این دلیل اهمیت دارند که کمک می‌کنند تا منابع به کارآمدترین کاربردهایشان تخصیص یابند، و اینکه تعیین می‌کنند سودها، عواید و حقوق کنترل متعلق به چه کسی

است. در زمان فقدان یا حذف بازارها (به عنوان مثال همان طور که در اتحاد جماهیر شوروی رخ داد) عواید ناشی از مبادله مورد بهره برداری قرار نگرفته و منابع به طور نامناسب تخصیص می‌یابند. در این میان جوامعی کامیاب می‌شوند که دارای نهادهای اقتصادی تسهیلگر و مشوق امر انباشت عوامل تولید، نوآوری و تخصیص کارآمد منابع باشند. عجم اوغلو (۵۰۰۲) نشان داد که چگونه تفاوت در کیفیت نهادهای کشورهای مختلف، از طریق ایجاد تفاوت در انباشت عوامل تولید، انگیزه نوآوری و تخصیص کارآمد منابع، فاصله نرخ رشد اقتصادی بلندمدت و سطح توسعه یافتگی را تعیین می‌کند. وی با معرفی نهادهای فراگیر در مقابل نهادهای بهره‌کش در کنار شواهد متکثر تاریخی نشان داد رشد تکنولوژی، انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، پس‌انداز و محصول استقرار نهادهای فراگیر و مشوق فعالیت‌های مولد اقتصادی هستند و لذا ریشه و بنیان اصلی رشد بلندمدت اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

رشد فراگیر

توجه نظریات متعارف رشد اقتصادی، تنها به رشد تولید ناخالص معطوف است. به عبارت دیگر، تقریباً تمامی نظریه پردازان رشد اقتصادی، تنها به مدلسازی چگونگی رشد اندازه یک اقتصاد می‌پردازند.

در این رهیافت غالب، تحلیل شیوه تقسیم یک یا همان توزیع درآمد و ثروت، امری قابل تفکیک از تحلیل اندازه یک کشور در نظر گرفته می‌شود. لذا به طور ضمنی فرض بر آن است که شیوه تقسیم یک اقتصاد، تاثیری بر سرعت انبساط یا انقباض اندازه یک اقتصاد یا به عبارتی رشد اقتصادی ندارد. این در حالی است که یافته‌های برخی مطالعات اخیر، حاکی از تاثیر منفی نابرابری بر رشد اقتصادی است.

در پی مواجهه با اثرات نامطلوب سیاست‌هایی که تحقق رشد اقتصادی را بدون توجه به محروم ماندن بخش قابل توجهی از جامعه از مواهب رشد، پیگیری می‌کرد، مفهوم رشد فراگیر معرفی شد و مورد توجه قرار گرفت. رشد فراگیر به طور کلی به معنی اطمینان یافتن از آن است که تمامی اعضای جامعه در فرآیند رشد اقتصادی، فارغ از طبقه

اقتصادی-اجتماعی، سن، نژاد، جنس، مذهب و دربر گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر رشد فراگیر، مستلزم مشارکت حداکثری افراد جامعه و بخش‌های مختلف اقتصادی در تحقق رشد و بهره‌برداری از منافع ناشی از آن است.

رشد فراگیر بر اشتغال مولد تمرکز دارد و لذا مفهومی فراتر از یک بازتوزیع ساده به منظور افزایش درآمد گروه‌های محروم و جا مانده از رشد اقتصادی است. دولت می‌تواند در کوتاه مدت در واکنش به اثرات نامطلوب رشد غیرفراگیر اقدام به اجرای طرح‌های توزیع درآمد کند اما بازتوزیع نمی‌تواند راهکاری بلندمدت در نظر



اما آن‌ها بیش از یک قرن تجربه گذشتن از این موانع را نیز دارند. بعضی از داروهایی که از این دو سد عظیم نیز عبور کرده‌اند و اکنون توسط پزشکان تجویز می‌شوند، تأثیر بسیار اندکی در بهبود بیماری‌ها دارند. ۱

رشد پایدار نقش محوری ایفا می کنند. به عنوان نمونه، می توان کشورهای دارای منابع طبیعی را مد نظر قرار داد. این کشورها عموماً متکی به صنایع استخراجی هستند. صنایع استخراجی نیز غالباً از نوع صنایع سرمایه بر بوده و رشد آنها نیازمند مشارکت دادن بخش قابل توجهی از جمعیت فعال نیست. از طرفی سایر بخش های اقتصادی این کشورها در دوران رونق درآمد منابع طبیعی، در سایه بیماری هلندی، دچار انقباض می شوند.

لذا رشد اقتصادی مبتنی بر بخش استخراج منابع طبیعی، منجر به به جاماندن سایر بخش ها و نیروی کار فعال در آنها می شود. از این رو تامین رشد فراگیر در این نوع از کشورها، به مراتب دشوارتر بوده و سیاستگذاری دقیق تری را طلب می کند. فراگیر بودن رشد اقتصادی مستلزم استقرار نهادهای فراگیر به جای نهادهای بهره کش است. نهادهای فراگیر آن دسته از قواعد بازی در زمین اقتصاد و سیاست هستند که دسترسی تمامی افراد و شرکت های جامعه به فرصت ها را باز کرده و انگیزه و اجازه بروز و ظهور پتانسیل های مولد تمامی افراد و شرکت های جامعه را می دهد. در مقابل نهادهای بهره کش به آن دسته از قواعد اطلاق می شوند که دسترسی به فرصت ها را تنها برای بخش اندکی از جامعه فراهم ساخته و دسترسی سایرین به این فرصت ها را محدود می سازد. عدم توجه به استقرار نهادهای فراگیر، رشد اقتصادی بلندمدت را با چالش مواجه می سازد.

گرفته شود. با توجه به تعریف بانک جهانی، رشد اقتصادی زمانی فراگیر تلقی می شود که گستره وسیعی از بخش های اقتصادی و نسبت قابل توجهی از جمعیت فعال را در فرآیند رشد مشارکت دهد. فراگیر و مشارکتی بودن رشد اقتصادی در گرو دسترسی برابر تمامی افراد و شرکت ها به فرصت ها، بازارها، منابع و محیط قانونی و حقوقی عادلانه، ناریب و غیررانتی است. فراگیر بودن رشد اقتصادی از ملزومات رشد پایدار است. کمیسیون رشد و توسعه (۲۰۰۲) نابرابری نظام مند فرصت ها را سمی مهلک خوانده است که فرآیند رشد اقتصادی را از طریق تضادهای سیاسی از ریل خارج می کند.

شکی نیست که رشد اقتصادی سریع لازمه کاهش فقر است اما تامین پایداری این رشد، مستلزم آن است که تمامی بخش های اقتصاد به طور متناسب رشد کرده و اکثریت جمعیت فعال در تحقق آن مشارکت داده شده باشند.

این تعریف از رشد فراگیر، ارتباط میان عوامل کلان و خرد رشد اقتصادی را نشان می دهد. ابعاد خرد رشد اقتصادی، مواردی نظیر تخریب خلاق شومپیتری شغل ها و بنگاه ها در فرآیند گذار ساختاری اقتصاد را شامل می شود. بدون توجه به این ابعاد خرد، اجرای سیاست هایی که رشد اقتصادی، می تواند منجر به به جا ماندن برخی بخش ها و طبقات شده و پایداری رشد اقتصادی را با مشکل مواجه سازد.

سیاست های رشد فراگیر در اجرای استراتژی های



با توجه به تعریف بانک جهانی، رشد اقتصادی زمانی فراگیر تلقی می شود که گستره وسیعی از بخش های اقتصادی و نسبت قابل توجهی از جمعیت فعال را در فرآیند رشد مشارکت دهد.

پرداخت ۸ درصد از وام کرونا به گردن دولت افتاد

اما آنچه که امروز (سه شنبه) اتفاق افتاد این بود که با تصمیم ستاد اقتصادی دولت سود ۲۱ درصدی بین دولت و مردم تقسیم شد؛ به طوری که چهار درصد را یارانه‌بگیر و هشت درصد دیگر را دولت می‌پردازد. از سوی دیگر تعداد اقساط وام یک میلیونی از ۴۲ به ۰۳ ماه افزایش یافته است.

با تغییرات ایجاد شده، محاسبات نشان می‌دهد که دریافت‌کنندگان وام یک میلیونی باید در ۰۳ ماه، هر ماه ۵۳ هزار تومان قسط پرداخت کنند و سود کل دریافتی به حدود ۲۵ هزار تومان می‌رسد. بر این اساس وام یک میلیونی با سود چهار درصد، حدود یک میلیون و ۲۵ هزار تومان بر می‌گردد.

اما آن طور که همتی - رئیس کل بانک مرکزی - اعلام کرده است بعد از ثبت تقاضا این وام تا قبل از شروع ماه مبارک رمضان از طریق بانک‌های عامل به حساب یارانه متقاضیان واریز خواهد شد.

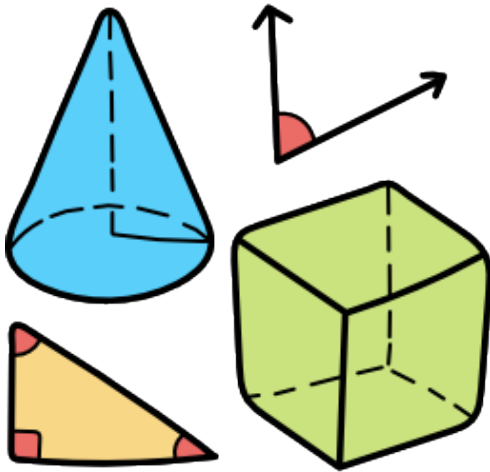
با تغییری که در سازوکار پرداخت وام یک میلیونی یارانه‌بگیران ایجاد و قرار شد تا به صورت قرض‌الحسنه در اختیار متقاضیان قرار بگیرد، اقساط آن در هر ماه از ۷۴ هزار به ۵۳ هزار تومان کاهش یافت و سود کل به ۲۵ هزار تومان رسید.

قرار بود تا با پیشنهاد بانک مرکزی و از محل منابع بانکی، به هر خانوار یارانه بگیر که حدود ۳۲ میلیون خانوار هستند، مبلغ یک میلیون تومان در قالب تسهیلات پرداخت شود. آنچه که در ابتدا پیش‌بینی شد این بود که با سود ۲۱ درصد و بازپرداخت ۴۲ ماهه به حساب یارانه متقاضیان واریز و اقساط آن در هر ماه از همین حساب کسر شود.

در این حالت در مجموع سود بازپرداخت کل حدود ۹۲۱ هزار تومان بود و یک میلیون و ۹۲۱ هزار و ۳۶۷ تومان به بانک بر می‌گشت. در عین حال که قسط در هر ماه به ۷۴ هزار تومان می‌رسید.



با تغییرات ایجاد شده، محاسبات نشان می‌دهد که دریافت‌کنندگان وام یک میلیونی باید در ۳۰ ماه، هر ماه ۳۵ هزار تومان قسط پرداخت کنند و سود کل دریافتی به حدود ۵۲ هزار تومان می‌رسد.



الگوی عمومی تدریس

الگوی تدریس چیست؟

الگو، معمولاً به نمونه کوچکی از یک شیء یا به مجموعه ای از اشیای بشمارگفته می شود که ویژگیهای مهم و اصلی آن شیء بزرگ یا اشیاء را داشته باشد. الگوی تدریس، چهارچوب ویژه ای است که عناصر مهم تدریس در درون آن قابل مطالعه است. انتخاب یک الگوی تدریس، بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرشهای تعلیم و تربیت خواهد داشت. تدریس یک فرآیند است و فعالیتی است که در داخل یک الگو صورت می پذیرد، الگوهای تدریس متعددی توسط صاحب نظران معرفی شده اند که به مهمترین آنها اشاره خواهیم کرد. الگوی عمومی تدریس (general teaching model) این الگو، توسط «رابرت گلیرز» در سال ۱۹۶۱ مطرح شد که در «راجرز» و «رابینسون» بسط داده شد. در این الگو، فرآیند تدریس به پنج مرحله تقسیم می شود:

۱) تعیین هدفهای تدریس و هدفهای رفتاری معلم باید هدفهای تدریس خود را به صورتی عینی و قابل اندازه گیری تعریف و مشخص کند.

۲) تعیین رفتار ورودی و ارزشیابی تشخیصی اصطلاح رفتار ورودی در اینجا منعکس کننده کلیه یادگیریهای گذشته فراگیران، تواناییهای عقلی، وضع انگیزشی و برخی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در یادگیری و میزان رشد آنان است.

۳) تعیین شیوه ها و وسایل تدریس در این مرحله معلم با آگاهی از شرایط و موقعیت

آموزشی یکی از روشها مانند روش سخنرانی، آزمایشی، آموزش انفرادی و ... را انتخاب کند و وسایل تدریسی را نیز با توجه به مفاهیم و شرایط و ویژگیهای فراگیران را برگزیند.

۴) سازماندهی شرایط و موقعیت آموزشی معلم باید قادر باشد که با ابتکار و خلاقیت، حداکثر استفاده از امکانات موجود، در امر تدریس و تحقق اهداف آموزشی را ببرد.

۵) ارزشیابی و سنجش عملکرد معلم در این مرحله علاوه بر ارزشیابی های معمولی می تواند عملکرد شاگردان را در موقعیتهای متعدد، مانند انجام دادن پروژه، شرکت در فعالیتهای آموزشی و ... را ارزیابی کند و در صورت عدم موفقیت با توجه به نتایج ارزشیابی به ترمیم و اصلاح مراحل قبلی الگو اقدام کند.

تعریف روشهای تدریس

از مراحل مهم طراحی آموزشی، انتخاب روش تدریس است. معلم بعد از انتخاب محتوی و قبل از تعیین وسیله، باید خط مشی و روش مناسب تدریس خود را انتخاب کند. به مجموعه تدابیر منظمی که برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ می شود «روش تدریس» گویند.

انواع روشهای تدریس

الف) روش نمایشی (نمایش علمی) این روش بر مشاهده و دیدن استوار است. افراد

اگر آنطور که جناب آقای دکتر نوبخت، معاون محترم برنامه ریزی و راهبردی ریاست جمهوری، اشاره کرده اند، دولت توان افزایش حقوق کارکنان بیش از رقم پیشنهادی را ندارد و برنامه دولت نیز کنترل تورم در سال آینده است

مهارتهای خاصی را از طریق دیدن فرا می گیرند. بعنوان مثال معلم در کلاس درس تصمیم دارد کار کردن با یک وسیله را به دانش آموزان یاد دهد که از طریق این روش می تواند عمل کند. مهمترین حسن این روش، به کارگیری اشیای حقیقی و واقعی در آموزش است و بیشتر برای درسهایی که جنبه عملی و فنی دارند کاربرد دارد.

مراحل اجرای روش نمایشی

۱- مرحله آمادگی

معلم باید هدف از تدریس را دقیقاً مشخص کند و امکانات لازم را از قبل فراهم نماید و از سالم بودن آن ابزار اطمینان حاصل کند.

۲- مرحله توضیح

معلم قبل از انجام تدریس، باید اهداف تعیین شده را برای شاگردان به وضوح بیان کند، نحوه و علت انجام دادن عمل را توضیح دهد و سوالاتی را که انتظار دارد شاگردان در پایان تدریس، پاسخ دهند را مطرح کند که باعث جلب توجه شاگردان شود.

۳- مرحله نمایشی

معلم باید روش صحیح کار و مراحل آن را به نمایش بگذارد و بعنوان مثال فرآیند کار یک موتور دیزل را به دانش آموزان توضیح دهد.

۴- مرحله آزمایش و سنجش

بعد از احرای مراحل بالا، معلم باید از دانش آموزان بازخورد دریافت کند تا متوجه شود که دانش آموزان موضوع را فهمیده اند یا نه (مهارت لازم را کسب کرده اند یا نه؟) و در صورت بروز مشکل، معلم نقایص را برطرف نماید که با پرسشهای کتبی یا شفاهی می تواند به این موضوع دست یابد.

محاسن و محدودیتهای روش نمایشی

از محاسن این روش می توان از به کارگیری اشیای حقیقی و واقعی نام برد. این روش، در مدارس فنی که اغلب با ماشین آلات سر و کار دارند، و وسایل کار بسیار محدود است، روش مناسبی است. اما با توجه به اینکه شاگردان نمی توانند از راه تجارب مستقیم و از راه عمل و تمرین و تکرار، مهارت لازم را کسب کنند، یادگیری از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نخواهد بود.

ب) روش آزمایشی (آزمایشگاهی)

اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی استوار

است. در این روش، موقعیت و شرایطی فراهم می شود تا شاگردان خود از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جواب مسأله را کشف کنند. این روش، فعالیتی است که در جریان آن، شاگردان عملاً با به کار بردن وسایل و تجهیزات و مواد خاص درباره مفهومی خاص تجربه کسب می کنند. برای موضوعات علوم تجربی روش بسیار مناسبی است ولی در روانشناسی و سایر علوم انسانی نیز از آن استفاده می شود. این روش می تواند کیفیت یادگیری را افزایش دهد. برای ارضای حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشاف و اختراع و پرورش تفکر انتقادی فراگیران بسیار مفید است و اعتماد به نفس و رضایت خاطر را در دانش آموزان ایجاد می کند. نقش معلم در این روش، هدایت شاگردان و نظارت بر کار آنهاست. با توجه به اینکه انجام بعضی از آزمایشها خطرناک است باید در ابتدا آن آزمایش توسط معلم با دقت صورت گیرد و سپس دانش آموزان در حضور معلم به آزمایش بپردازند با این حال، رعایت موارد ذیل می تواند مفید باشد:

- ۱- وسایل و ابزار آزمایش قبل از تدریس فراهم و سازماندهی شود.
- ۲- قبل از آزمایش، برای اطمینان و گرفتن نتیجه مطلوب، آزمایش به صورت تمرینی انجام شود.
- ۳- هنگام آزمایش، وسایل مورد نیاز روی جعبه آزمایش قرار داده شود.
- ۴- برای جلوگیری از انحراف توجه شاگردان، وسایل اضافی، در داخل جعبه آزمایش گذاشته شود.
- ۵- قبل از آزمایش به وسیله پرسش، توجه شاگردان به جریان آزمایش جلب شود.
- ۶- آزمایش به گونه ای انجام شود که همه شاگردان براحتی بتوانند آنرا ببینند.
- ۷- در ضمن آزمایش، از سایر روشها، مثلاً روش سخنرانی نیز استفاده شود.

محاسن و محدودیتهای روش آزمایشی

الف) محاسن

- ۱- چون یادگیری از طریق تجارب مستقیم حاصل شده است، یادگیری با ثبات تر و موثرتر خواهد بود.
- ۲- شاگردان علاوه بر دست یافتن به هدفهای آموزشی، روش آزمایش کردن را نیز یاد می گیرند.
- ۳- در شاگردان انگیزه مطالعه و تحقیق را تقویت می کند.
- ۴- حس کنجکاوی شاگردان را ارضا می کند و به آنها اعتماد به نفس می دهد.
- ۵- نیروی اکتشاف، اختراع، و تفکر علمی را در شاگردان



معلم قبل از انجام تدریس، باید اهداف تعیین شده را برای شاگردان به وضوح بیان کند، نحوه و علت انجام دادن عمل را توضیح دهد و سوالاتی را که انتظار دارد شاگردان در پایان تدریس، پاسخ دهند را مطرح کند که باعث جلب توجه شاگردان شود.

یا معلم، خود مولف به یافتن نتایج، اصول و راه حلها هستند و این در صورتی است که شاگردان به موضوع علاقه مند باشند. موضوعاتی چون ریاضیات، علوم طبیعی، مهندسی و ... برای بحث گروهی کارآیی ندارند و در عوض علوم چون اجتماعی، تاریخ، اقتصاد، فلسفه، علوم سیاسی و روان شناسی و جامعه شناسی با این روش قابلیت تدریس دارند.

درباره موضوعاتی که دانش آموزان کمتر به آن علاقه مند هستند معلم باید به نوعی در دانش آموزان ایجاد علاقه کند و در آنها حساسیت بوجود آورد مثلاً با طرح سوال، پخش یک فیلم و ... معلم باید تا حد امکان مفید را نیز به فراگیران معرفی کند و به هر یک از آنها یک منبع ارائه کند تا در بحث گروهی، دیدگاههای مختلف مطرح شود و این موضوع به توانایی علمی و منفی معلم بر می گردد. به عبارت دیگر، اجرای مطلوب روش بحث گروهی تا اندازه زیادی بستگی به شخصیت معلم و درجه خونگرمی او دارد. معلمی که از این روش استفاده می کند باید قدرت تصمیم گیری داشته باشند. و طوری بحث را هدایت کند که موضوع به بیراهه کشیده نشود.

در چه موقعیتی و برای چه هدفی می توان از روش بحث گروهی استفاده کرد؟

- ۱- ایجاد علاقه و آگاهی مشترک در زمینه خاص
- ۲- ایجاد و پرورش تفکر انتقادی (یعنی شاگرد بتواند براساس استدلال و شواهد به تجربه و تحلیل بپردازد).
- ۳- ایجاد توانایی اظهار نظر در جمع (بیشتر دانش آموزان از این که در کلاس اظهار نظر کنند، می ترسند).
- ۴- تقویت توانایی انتقاد پذیری (به شرطی که انتقادگری به معنای عیبجویی و ایراد گرفتن نباشد).
- ۵- ایجاد و تقویت توانایی مدیریت و رهبری در گروه (در این روش یک نفر بعنوان مدیر گروه انتخاب می شود که وظیفه اش زمانبندی و هدایت بحث است).
- ۶- تقویت قدرت بیان و استدلال. (در این روش اکثر دانش آموزان فعال هستند، ساکت نمی نشینند).
- ۷- تقویت قدرت تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری
- ۸- آشنایی با روش کسب اطلاعات و حل مسایل
- ۹- ایجاد رابطه مطلوب اجتماعی

مراحل اجرای روش بحث گروهی

مرحله اول: آمادگی و برنامه ریزی

- ۱- انتخاب موضوع : موضوعات و عناوین روش

تقویت میکند.

۶- این روش، فعالیتهای آزمایشی را برای فراگیران جالب و شیرین می کند، و در نتیجه آنان را کمتر خسته و بی حوصله می کند.

ب) محدودیتهای

- ۱- احتیاج به وسایل و امکانات فراوان دارد ، لذا در مقایسه با سایر روشهای تدریس از نظر اقتصادی گران تمام می شود.
- ۲- به معلمان آگاه و مجرب که خود با روش آزمایشی آشنایی داشته باشند، نیاز دارد.
- ۳- نسبت به سایر روشها ممکن است اطلاعات و معلومات کمتری در اختیار شاگردان قرار دهد، و دامنه لغات و مفاهیم آنان را تقویت نکند.
- ۴- در صورت عدم کنترل، ممکن است به صورت غلط اجرا شود، و این روش غلط در رفتار شاگردان تشبیه گردد. در روش آزمایشگاهی معلم برای هر چه بهتر کردن این روش باید نکات زیر را رعایت کند:
 - گروه بندی شاگردان بر اساس امکانات و تعداد شاگردان
 - تعیین وظایف شاگردان هر گروه و مراحل فعالیت
 - انجام روش صحیح آزمایش برای شاگردان
 - تقسیم بندی وسایل موجود در آزمایشگاه بر حسب نیاز هر گروه
 - رعایت نکات ایمنی
 - ارائه گزارش از شاگردان در مورد آزمایشهای صورت گرفته

روش بحث گروهی

روش بحث گروهی، گفتگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث است. این روش برای کلاسهای قابل اجراست که جمعیتی بین ۶ تا ۲۰ نفر داشته باشند. روش بحث گروهی، روشی است که به شاگردان فرصت می دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه های خود را با دلایل هستند بیان کنند.

چه دروس و موضوع هایی را می توان با روش بحث گروهی تدریس کرد؟

- ۱- موضوع هایی که بتوان درباره آن نظرات مختلف ارائه داد.
 - ۲- فراگیران درباره موضوع، اطلاعات لازم را داشته باشند یا بتوانند کسب کنند.
 - ۳- موضوع مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث باشد.
- (در این روش، شاگردان بیش از استفاده از کتاب



معلم باید به نوعی در دانش آموزان ایجاد علاقه کند و در آنها حساسیت بوجود آورد مثلاً با طرح سوال، پخش یک فیلم و ... معلم باید تا حد امکان مفید را نیز به فراگیران معرفی کند و به هر یک از آنها یک منبع ارائه کند تا در بحث گروهی، دیدگاههای مختلف مطرح شود

- تقویت حس همکاری و احساس دوستی
- ارزیابی افراد از خود
- تقویت اعتماد به نفس و پرورش روحیه نقادی
- تقویت قدرت مدیریت و رهبری فراگیران
- تقویت قوه استدلال و اندیشه و نظم بخشی به افکار
- (ب) محدودیتها
- ین روش برای کلاسهای پرجمعیت قابل اجرا نیست.
- برای شاگردان دوره ابتدایی چندان مناسب نیست.
- روش اجرای آن بسیار مشکل و به مهارت احتیاج دارد.

الگوی حل مسأله (problem-solving model) در این الگو، شاگردان با بهره گیری از تجارب و دانسته های پیشین خود، درباره رویدادهای محیط خود می اندیشند تا مشکلی را که با آن مواجه شده اند به نحو قابل قبولی حل کنند.

ویژگیهای الگوی حل مسأله

- ۱- مراحل اجرا در الگوی مسأله (الف) طرح مسأله یا بازنمایی مشکل مسأله را از راههای مختلف می توان در ذهن شاگردان ایجاد کرد. قبل از طرح مسأله باید به خصوصیات فراگیران نظیر سن، میزان تحصیلات، رشد ذهنی و عاطفی، ویژگیهای فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی و ... توجه کرد.

بحث گروهی و ارتباط آنها با هدف، باید در قالب کلمات و جملات صریح و روشن بیان شود.

۲- فراهم کردن زمینه های مشترک: قبل از شروع بحث گروهی، لازم است سطح اطلاعات شاگردان درباره موضوع یکسان شود.

۳- تعیین نحوه آرایش شبکه های ارتباطی: ترتیب قرار گرفتن و نشستن فراگیران، در نوع ارتباط موثر است. رهبر گروه، شاگردان، شخص مهمان، ناظر یا ارزیاب.

مرحله دوم: روش اجرای بحث گروهی

- ۱- وظایف معلم در روش بحث گروهی : (الف) فراهم کردن امکانات، (ب) شرکت در بحث: معلم موظف است در شروع بحث، تحت عنوان مقدمه هدف و ضوابط بحث گروهی را شرح دهد و باید نقش خود را در جریان بحث تا حد یک شنونده کاهش دهد، (ج) کنترل و هدایت بحث ۲- وظایف شاگردان در جریان بحث گروهی: معلم باید نقش شاگردان را بدقت به آنان بیاموزد. شاگردان باید درباره موضوع از قبل، مطالعه کنند و وسط حرف دیگران نپرند. با یکدیگر صحبت نکنند، کاملاً به صحبت های دیگران گوش کنند، انتظار نداشته باشند که نظر آنها حتماً پذیرفته شود.
- محاسن و محدودیتهای روش بحث گروهی (الف) محاسن
- سهیم شدن در عقاید و تجربیات یکدیگر (دانش آموزان)



تعیین نحوه آرایش شبکه های ارتباطی: ترتیب قرار گرفتن و نشستن فراگیران، در نوع ارتباط موثر است. رهبر گروه، شاگردان، شخص مهمان، ناظر یا ارزیاب.

در این الگو، همه شاگردان با معلم در ارتباطند. ارتباط دو جانبه است: گاهی به صورت فردی و گاهی به صورت جمعی نقش معلم، نقش مشاور و راهنماست. ارتباط اعضای کلاس براساس احترام و محبت متقابل است.

۴- منابع و موقعیت در الگوی حل مسأله عواملی چون معلم، کتاب درسی، کتابخانه، فیلم، موزه و ... می توانند منبع دریافت اطلاعات باشند. فعالیتهای آموزشی منحصر به کلاس درس نیست. **محاسن و محدودیتهای الگوی حل مسأله**

در این الگو، شاگرد فعال است، احساس مسئولیت بیشتری می کند، هنگام موفقیت یا شکست، خود را مسئول می داند نه معلم را، رشد شاگرد هدف اصلی است. روح پژوهش و انتقادگری را پرورش می دهد و شاگرد فردی خلاق و نوآور خواهد بود.

در مورد محدودیتهای می توان به: این الگو به معلمان قوی و باتجربه و پژوهشگر نیاز دارد. امکانات فراوانی را می طلبد. تعداد شاگردان در هر کلاس محدود است و بطور کلی تعداد شاگردان، در هر کلاس نباید از ۰۲ نفر تجاوز کند.

الگوی پیش سازمان دهنده (-preadvance organizer model)

«پیش سازمان دهنده» یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس می آید تا مبحثی را که

ب) جمع آوری اطلاعات منابع گردآوری اطلاعات باید از نظر علمی معتبر باشند و اطلاعات جمع آوری شده باید با توجه به معیارهای صحیح و علمی طبقه بندی شوند.

ج) ساختن فرضیه منظور از فرضیه سازی، پیش بینی راه حلهای احتمالی و حدسی برای حل مسأله است. شاگرد برای ساختن فرضیه ناگزیر است به تفکر بپردازد و برای حل مسأله چندین راه را برمی گزیند.

د) آزمایش فرضیه فرضیه، حدسی است که براساس اطلاعات پیشین و شواهد موجود، در برخورد با دنیای خارج، در ذهن شاگرد شکل می گیرد.

ه) نتیجه گیری، تعمیم و کاربرد فرآیند حل مسأله، باید به نتیجه منتهی شود. بدون نتیجه گیری مسأله حل نخواهد شد.

۲- چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به شاگردان در الگوی حل مسأله معلم نقش راهنما را در فرآیند تدریس بازی می کند. روش کسب اطلاعات را به شاگردان می آموزد. در این الگو علاقه و رغبت و توانایی همواره مورد توجه است و محتوی آموزشی از پیش تعیین شده نیست. در آموزش از انگیزه های درونی استفاده می شود. شاگردان دائما با معلم در ارتباطند.

۳- روابط میان گروهی در الگوی حل مسأله



عواملی چون معلم، کتاب درسی، کتابخانه، فیلم، موزه و ... می توانند منبع دریافت اطلاعات باشند. فعالیتهای آموزشی منحصر به کلاس درس نیست.



۴- شرایط و منابع لازم در الگوی پیش سازمان دهنده در این الگو، معلم و کتاب و کلاس درس فقط منابع و شرایط آموزشی هستند. در این الگو معلم باید بتواند مطالب کلی را از جزئی تمیز دهد. باید سخنران خوبی باشد، به فراگیران فرصت دهد تا در فرآیند آموزشی شرکت جویند. معلم در هر موقعیت آموزشی، یکی از منابع متعدد اطلاعات است و سایر منابع از جمله ابزارهای آموزشی، به شاگردان امکان می دهند تا به مطالب درسی از زاویه های مختلف نگاه کنند.

محاسن و محدودیتهای الگوی پیش سازمان دهنده الگوی پیش سازمان دهنده، الگوی مناسبی برای دروس نظری است و مناسب برای نظامهای آموزشی فقیر می باشد. در این الگو از یک زمان آموزشی محدود می توان حداکثر استفاده را کرد. از اتلاف وقت جلوگیری می شود. مفاهیم، بطور منظم در ساخت شناختی شاگردان جای می گیرد.

از محدودیتهای آن می توان به: در این الگو تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می شود به نیازها و علایق و تواناییهای شاگردان کمتر توجه می شود، محتوا با زندگی واقعی شاگردان چندان ارتباطی ندارد. به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان کمتر توجه می شود.

روشهای آموزش انفرادی

در این نوع روشها، شاگردان بر حسب تواناییشان پیش می روند. روحیه استقلال طلبی شاگردان در اجرای پروژه های کوچک و بزرگ تقویت می شود. اولین و اساسی ترین گام در راه تحقق چنین هدفی پذیرفتن مفهوم شاگرد محوری در طراحی و آموزش است.

اهداف آموزش انفرادی

۱- رعایت تفاوتهای فردی: اگر در کلاس تفاوتهای فردی در نظر گرفته نشود، خستگی، انزجار و تنفر از فعالیت آموزش تقویت خواهد شد.
۲- رشد استقلال در عمل و یادگیری: دانش آموزان در آموزش انفرادی روش آموختن مستقل می گیرند، یعنی یاد می گیرند که چگونه یاد بگیرند.
۳- عادت به مطالعه: در این روش شاگردان معلومات بیشتری را کسب می کنند. کسب معلومات بیشتر، رضایت از فعالیت های آموزش

به شاگردان ارائه داده می شود با مباحث پیشین همان درس مربوط سازد و پایه ای برای ارتباط مفاهیم جدید با پیشین شود. در این الگو، معمولاً مطالب از کلی به جزئی مورد بررسی قرار می گیرد.

ساخت شناختی چیست؟

مجموعه اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه یک رشته درس در ذهن فرد به وجود می آید، «ساخت شناختی» او را از آن مجموعه دانش تشکیل میدهد. مثلاً مفاهیم درس فیزیک که از قبل در ذهن دانش آموز به وجود آمده است، بر روی هم ساخت شناختی او را در علم فیزیک تشکیل می دهد.

یادگیری معنادار چیست؟

به آن نوع یادگیری گفته می شود که مفاهیم جدید، ریشه در مفاهیم گذشته فرد داشته باشد و براساس آن بنا شود.

ویژگیهای الگوی پیش سازمان دهنده

۱- مراحل اجرای الگوی پیش سازمان دهنده

در ابتدا پیش سازمان دهنده ارائه می شود که باید از مطالب درس جدید کلی تر باشد سپس معلم به ارائه مطالب و مفاهیم درس جدید می پردازد و در آخر کار برای تفهیم بیشتر مطالب جدید باید مثالها و نمونه هایی ارائه می دهد.

۲- چگونگی کنش و واکنش معلم نسبت به شاگردان در الگوی پیش سازمان دهنده

در این الگو معلم نقش انتقال و ارائه کننده مفاهیم درس را دارد و شاگردان، دریافت کننده و پذیرنده مطلب درسی هستند. برای اثر بخشیدن به این الگو، مهمترین نکته این است که معلم باید برای ارائه مطالب درسی، مناسبترین پیش سازمان دهنده را انتخاب کند. جهت ارتباط، همیشه از طرف شاگرد یا شاگردان است.

۳- ماهیت روابط میان گروهی

در این الگو، معلم با فرد فرد دانش آموزان یا با کل آنها ارتباط پیدا می کند ولی این ارتباط یک طرفه است یعنی شاگردان معمولاً با او و با یکدیگر ارتباط ندارند و در واقع معلم بر کلاس مسلط است. برای افزایش روابط میان گروهی در این الگو، معلم می تواند با طرح پرسشهای راهنمایی کننده، فراگیران را به شرکت در بحثهای کلاس علاقه مند کند.



در این الگو تمام تصمیمات توسط معلم گرفته می شود به نیازها و علایق و تواناییهای شاگردان کمتر توجه می شود، محتوا با زندگی واقعی شاگردان چندان ارتباطی ندارد. به مسائل روانی، عاطفی و اجتماعی شاگردان کمتر توجه می شود.

کننده مثبت مجهز باشد. هر شاگرد باید با خودش مقایسه شود. جلسات آموزش، باید به اندازه کافی کوتاه مدت باشد تا شاگرد از آموزش، خسته و بیزار یا متنفر نشود. محیط آموزشی باید راحت، همراه با تفریح و مناسب با من و وضعیت تحصیلی فرد سازماندهی شود.

آموزش برنامه ای **programmed instruction**

یک نظام آموزش انفرادی است که کوشش می کند یادگیری را با نیازهای شاگردان، هماهنگ سازد. در این روش، مواد آموزشی به واحدهایی کوچک تقسیم می شود که چهارچوب یا گام نامیده می شود. این گام ها براساس دانش قبلی شاگرد و تنظیم شده است. هر گام دانش آموز را به هدف نهایی نزدیک می سازد. از نظر تنظیم مطالب، آموزش برنامه ای به دو صورت خطی یا شاخه ای عرضه می شود. در آموزش برنامه ای خطی، شاگرد باید تمامی گام ها را مطالعه کند و قدم به قدم پیش رود و برای درک مطلب، شاگرد باید تمامی گامهای قبلی را با دقت مورد مطالعه قرار دهد. گامها باید کوتاه باشند. بازخورد بی درنگ داده شود.

در برنامه شاخه ای دانش آموز براساس توانایی خود این آموزش را دنبال می کند یعنی اگر بعد از هر گام به سؤال پاسخ صحیح بدهد به صورت خطی پیش می رود و در صورت دادن پاسخ غلط به گامهای جبرانی سوق داده می شود.

که هدف از گامهای جبرانی، این است که شاگرد با دریافت مطالب اضافی، اشتباه خود را تصحیح کند و در آموزش برنامه ای شاخه ای، همه دانش آموزان تمام قسمتهای برنامه را نمی خوانند. در این نوع آموزش نقش معلم، تهیه هدف های آموزش، آشنایی با مواد و تجهیزات آموزشی، رسیدگی به فرد شاگردان و ارزش یابی برنامه آموزش خواهد بود.



را فراهم می کند و در اثر ادامه فعالیت شاگرد به مطالعه عادت می کند.

۴- ایجاد مهارت در مطالعه: رابینسون روش SQ۳R را پیشنهاد کرده است:

الف) مطالعه اجمالی: یعنی مطالعه عناوین و یادآوری، اطلاعات گذشته. (Survey)

ب) سؤال : ایجاد سؤلهایی در ذهن، یعنی برگرداندن عناوین کتاب به سؤلهایی که احتمالا پاسخ آنها باید داده شود. (question)

ج) مطالعه (خواندن): یعنی قرائت دقیق متن برای یافتن پاسخ سؤالات (read)

د) از برخواندن : یعنی تلاش برای یافتن پاسخ های دقیق تر موالات، بدون استفاده از کتاب. (rectie)

ه) بازنگری : یعنی مرور یادداشت ها و به یادآوردن نکات مهم (review)

۵- مطالعه خود هدایت شده و مستقل : هر گاه هدف های فعالیتهای آموزشی برای شاگردان با ارزش تر باشد، یادگیری بارزتر می شود و شاگردان را در انجام کار منظم تر می سازد، در این روش یاد می گیرد که خود کنترل باشد. از نکات دیگر می توان به یادگیری تا حد تسلط اشاره کرد. در این روش شاگرد آنقدر به مطالعه و امتحان ادامه می دهد تا در یادگیری به سطح قابل قبولی برسد. معیار قابل قبول معمولا ۸۰ الی ۹۰ درصد پاسخ صحیح است.

یادگیری تا حد تسلط

براساس این نظریه، یادگیری و پیشرفت تحصیلی فراگیران به طور وسیعی با زمان یادگیری بستگی دارد. (کارول، ۱۹۶۳) به عقیده کارول شاخص اصلی استعداد تحصیلی شاگردان، زمان است. در یادگیری تا حد تسلط اگر روش تدریس مطلوب و عالی باشد، وقت کمتری نیاز خواهد بود و استعداد هر فرد در این روش نقش بسزایی دارد. بلوم معتقد است مهارت یادگیری در حد تسلط روی مفهوم خود، شاگردان اثر می گذارد. شاگردان به ارزش و کفایت خود پی می برند و این روش، یکی از قویترین منابع سلامت روحی است. در این روش معلم سعی می کند روشهای آموزش خود را براساس تفاوت های فردی تنظیم کند.

تدریس خصوصی

اساس کار در این نوع آموزش، توجه به زمینه ها، علایق و تواناییهای شخصی شاگردان است. در این روش، معلم باید به یک مجموعه عوامل تقویت

اساس کار در این نوع آموزش، توجه به زمینه ها، علایق و تواناییهای شخصی شاگردان است. در این روش، معلم باید به یک مجموعه عوامل تقویت کننده مثبت مجهز باشد.

نوآوری های تکنولوژی و تأثیر سود و درجه رقابت شرکت ها

کلمات کلیدی:

فناوری اطلاعات، مدیریت ارتباط مشتری، تجارت الکترونیک، آمادگی الکترونیکی، بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط.

پیشرفت پرشتاب و توسعه روزافزون فناوری اطلاعات در ارتباطات، مهم ترین مشخصه دنیای معاصر است. بهره گیری فراگیر و اجتناب ناپذیر از امکانات نوین ارتباطی و بزرگ راه های اطلاعاتی، باعث کوتاه شدن فاصله فاصله و زمان شده است و دهکده جهانی حاصل نفوذ و گسترش ابزارهای ارتباطی جدید و دستاوردهای کامپیوتری بر تمامی عرصه های زندگی انسان است. آنچنان که رفته رفته هیچ جنبه ای از زندگی بشر از نفوذ آن به دور نمانده و نخواهد ماند. امروزه دنیا شاهد آن است که خرده فروشی های اینترنتی با استفاده از آخرین تکنولوژی های نوین در ارتباطات و اطلاعات، نرم افزار، سخت افزار، امنیت تبادلات و تعاملات الکترونیکی داده ها، روش های پرداخت های الکترونیکی و بسیاری از عوامل دیگر، محیط خرید و فروش با ثبات تری را به مردم عرضه کرده اند و بسیاری از آن ها در این راستا یا حتی در حاشیه آن توانسته اند سود خوبی را در معاملات خود به دست آورند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱-۱).

بنابراین برای گسترش استفاده از TI در کشور باید نسبت به ایجاد زیر ساخت های مناسب مخابراتی، امنیت در تبادل اطلاعات، تدوین قوانین و مقررات حقوقی مناسب، بستر سازی فرهنگی و آشنا نمودن مردم و بنگاه های اقتصادی با مزایای تجارت الکترونیکی و پرداخت الکترونیک، ایجاد پهنای باند اینترنت با سرعت بالا و کاهش هزینه آن و همچنین استفاده آن برای عموم مردم اقدام نمود (فانگ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱-۱).

با آغاز قرن بیست و یکم، سازمان ها تغییرات اساسی

امروزه اهمیت اطلاعات به عنوان یک منبع تاکتیکی و استراتژیکی در شرکت ها مطرح می باشد. اطلاعات همیشه در محیط کار به عنوان یک فرصت رقابتی مطرح بوده اما نکته مهم این است که تغییرات واقعی که می تواند ارزش بالقوه اطلاعات را افزایش دهد، توانایی شرکت ها در استفاده از این منبع مهم از طریق کاربرد فناوری اطلاعات است. فناوری اطلاعات با ویژگی ذخیره سازی، پردازش، بازیابی و انتقال اطلاعات می تواند مدیران را در بهبود عملکرد شرکت هایشان یاری کند. بنگاه ها یا شرکت های اقتصادی کوچک و متوسط علی رغم آنکه به سرمایه گذاری کمتری نیاز دارند، می توانند بازدهی بالایی داشته باشند و بستر مناسبی برای ایجاد نوآوری، اشتغال و همچنین صادرات را فراهم آورند. در دو دهه گذشته با ظهور فناوری اطلاعات تحولاتی در روش های تولید، توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه ها رخ داده است که به نوبه خود بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی افزوده است. این شرکت ها برای پویاسازی زمینه های کار خود و افزایش قدرت رقابت و حفظ و تقویت موقعیت خود در شرایط رقابتی موجود، لازم است تا از فناوری اطلاعات و کاربردهای مرتبط با آن استفاده مطلوب را به عمل آورند. عوامل متعددی بر چگونگی استفاده از فناوری اطلاعات و سطح آمادگی الکترونیکی شرکت های کوچک و متوسط تأثیرگذار است. همچنین محدودیت هایی نیز بر سر راه به کارگیری TI توسط شرکت ها وجود دارد که ضروری است به دقت مورد مطالعه و شناسایی قرار گیرند.

در این تحقیق ارتباط و تأثیر استفاده نمودن شرکت های کوچک و متوسط از TI بر فروش، سود و درجه رقابت شرکت ها به عنوان فرضیه مطرح شده اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که بین بکارگیری TI و فروش، سود و درجه رقابت شرکت ها، ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد.



بنگاه ها یا شرکت های اقتصادی کوچک و متوسط علی رغم آنکه به سرمایه گذاری کمتری نیاز دارند، می توانند بازدهی بالایی داشته باشند و بستر مناسبی برای ایجاد نوآوری، اشتغال و همچنین صادرات را فراهم آورند.

شوند که هرگز قبل از این ها و در دنیای محدود و بسته سنتی نمی-توانستند عرضه کنند.

تجارت الکترونیکی از طریق فناوری اطلاعات (TI) از جمله بسته جهانی اینترنت، دارای پتانسیل قوی در ایجاد فرصت های تجاری جدید، شغل های جدید و ثروت فراوان است.

شرکت هایی که دارای اطلاعات هستند شرایط برتری در رقابت پیدا می کنند. اما شرکت هایی که فرهنگ توسعه و اشتراک دانش و اطلاعات را در بسته تولید و توزیع اطلاعات ایجاد و تقویت می کنند به موفقیت بزرگ تری دست می یابند (فانگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱-۰۱).

یکی از حوزه های فناوری اطلاعات تجارت الکترونیک می باشد که در آن طرفین ذینفع به جای تبادلات فیزیکی یا تماس مستقیم فیزیکی به صورت الکترونیکی تعادل می کنند.

برخی از مزایای تجارت الکترونیک عبارتند از:

- ۱- تجارت الکترونیک زمان بین سرمایه گذاری و دریافت محصولات و خدمات را کاهش می دهد.
- ۲- تجارت الکترونیک به رقابت کسب و کارهای کوچک یا سازمان های بزرگ کمک می-کند.
- ۳- تجارت الکترونیک هزینه فروش و بازاریابی را کاهش می دهد.
- ۴- تجارت الکترونیک باعث ارائه خدمات بهتر به مشتریان می شود.

تجارت الکترونیک باعث تسهیل تجارت جهانی شده و به سازمان ها کمک می کند تا در بازارهای جهانی نفوذ کنند و... (اریک و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۴۳-۶۳۳).

توسعه بنگاه های کوچک و متوسط در بسیاری از کشورهای جهان به عنوان مهم ترین برنامه اجرایی برای دستیابی به توزیع عادلانه در آمد و ثروت، ایجاد اشتغال، افزایش بهره وری و رشد اقتصادی محسوب می شود. کشورها با فراهم کردن بستر مناسب توسعه بنگاههای کوچک و متوسط مقیاس (SEMS) سعی در هدایت سرمایه ها در مسیر توسعه اقتصادی کشور خود را دارند. نیاز به سرمایه اندک، بازده بالا و انعطاف پذیری، توجیه اقتصادی بنگاه های کوچک و متوسط را بیش از پیش نمایان می سازد؛ اما با وجود امتیازات و نقش مهم بنگاه های کوچک در توسعه اقتصادی کشور، موانع و مشکلات فراوانی بر سر راه این بنگاه ها قرار دارد. برخی از مشکلات آن ها عبارتند از: عدم وجود بانکهای تخصصی جهت پرداخت تسهیلات به بنگاه های کوچک و عدم وجود اطلاعات که منجر به تصمیم گیری های غلط می شود و همچنین با توجه به مشکل رقابت بنگاه های کوچک با بنگاه های بزرگ این مشکل باعث کمبود تقاضا برای محصولات این بنگاه ها شده است که سوددهی پایین را در بر دارد. بنگاه های کوچک اقتصادی می توانند با استفاده از بکارگیری فناوری اطلاعات زمینه رقابت با دیگر شرکت ها را برای خود

و زیربنایی را پیرامون خود تجربه کرده اند. عدم توجه به این تغییرات بقا و موفقیت آنها را به طور فزاینده ای تهدید می کند. در چنین وضعیتی، بسیاری از این واحدها در اولویت های کسب و کار و دیدگاه های استراتژیک خود تجدید نظر کرده و تأکید خود را بر سازگاری با تغییرات محیط کسب و کار و پاسخ سریع به نیازهای بازار و مشتری از طریق روش های نوین همکاری قرار داده اند. آنچه مسلم است تغییرات سریع و غیر قابل پیش بینی به عنوان اصلی ترین محرک نیاز به پویایی و چابکی، فشار زیادی به سازمان ها برای تغییر فرایند های کاری بر اساس تغییرات محیطی وارد کرده است (اریک و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۴۳-۶۳۳).

تبیین موضوع

نقش TI در فرایند های سازمان، از قبیل تولید و فروش رشد چشمگیری داشته است. استفاده از فناوری اطلاعات علاوه بر اثر روی طبیعت کار و محیط کار نحوه رقابت سازمان ها را هم تغییر داده است. TI موجب توسعه و بهینه سازی عملیات داخلی سازمان ها، کاهش هزینه های داخلی و تسریع در امر تولید شده است. کاهش هزینه ها، فرصت سودآوری حتی در قیمت پایین تر برای محصولات را نیز ممکن ساخته است.

با سرعت عمل رساندن محصول به بازار، دسترسی به سود سریع تر رخ می دهد. TI به یاری فرایندهای بازاریابی و فروش آمده و سرعت عمل در بازاریابی را خصوصاً در مواردی که محصولات جدید موجب کاهش قیمت و پامال شدن فرصت ها می شود، بهبود بخشیده است (کریشناسوامی و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۳-۸۱).

اطلاعات از مشتری در اختیار عوامل فروش در سازمان قرار گرفته و نیاز مشتری به موقع تشخیص داده می شود. محاسبه قیمت دقیق محصول متناسب با نیاز و منابع هر مشتری امکان پذیر است. بکارگیری سیستم های TI فرایندهای خرید را ساده تر و سریع تر نموده است.

نقش TI تنها به خرید محصول توسط مشتری ختم نمی شود؛ بلکه می تواند خدمات مشتری را از طریق حفظ اطلاعات عمومی از هر مشتری و اطلاعات ارتباطات مشتری توسعه و بهبود ببخشد (اریک و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۴۳-۶۳۳).

استفاده از فن آوری اینترنت، حتی در شرکت های کوچک یا متوسط غیر قابل اجتناب است. پس از ایجاد زیر ساخت های فیزیکی، شرایط فرهنگی برای همکاری، هماهنگی و اشتراک اطلاعات و دانش روز ضروری است. گرچه پیاده سازی موفق زیر ساخت همکاری در تجارت الکترونیکی نیاز به یک سرمایه-گذاری اساسی دارد اما از طریق ارتباطات پیشرفته و همکاری پرسنل که در مراکز مختلف مشغول اند به سرعت این نوع سرمایه گذاری ها جبران می شود. با این روند شرکت ها فرایندهای کاری خود را تسریع بخشیده و قادر به تولید خدماتی می



هیچ مفهومی از عاملیت و فاعلیت انسانی وجود ندارد و تنها نکته مهم، نحوه پاسخ به دستمزدها، نرخ بهره و ثروت است. اقتصاد در این دیدگاه کاملاً مکانیکی است و به مانند روبات عمل می کند.



فراهم سازند (کریشناسومی و همکاران، ۴۱۰۲: ۱۳-۸۱).

بیان مسأله

فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) ماهیت روابط جهانی و منشاء مزیت های رقابتی و نیز فرصت های توسعه اقتصادی و اجتماعی را به طور بنیادی تغییر داده است. از سوی دیگر با افزایش توهم «شکاف دیجیتالی» رهبران دولت ها، شرکت های تجاری و سازمان های اجتماعی سعی دارند قدرت فناوری اطلاعات و ارتباطات را در جهت توسعه مهار کنند. برای استفاده اثربخش از فاوا، یک کشور باید از جهت زیر ساخت ها، میزان دسترسی به فاوا در سطح گسترده جمعیت و اثر چارچوب های قانونی و حقوقی بر استفاده از فاوا دارای آمادگی الکترونیکی باشد. بنابراین اگر قرار است شکاف دیجیتالی محدودتر شود، همه این موضوعات باید در یک استراتژی منسجم و دست یافتنی که جهت رفع نیازهای محلی یک کشور خاص توسعه داده شده است مورد توجه قرار گیرند. رهبران کشورها، شرکت ها و سازمان های در حال توسعه می توانند از ابزارهای ارزیابی آمادگی الکترونیکی جهت اندازه گیری و برنامه ریزی برای انسجام و یک پارچه سازی کمک گیرند (کریشناسومی و همکاران، ۴۱۰۲: ۱۳-۸۱).

فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) ماهیت روابط جهانی و منشاء مزیت های رقابتی و نیز فرصت های توسعه اقتصادی و اجتماعی را به طور بنیادی تغییر داده است. از سوی دیگر با افزایش توهم «شکاف دیجیتالی»، رهبران دولت ها، شرکت های تجاری و سازمان های

اجتماعی سعی دارند قدرت فناوری اطلاعات و ارتباطات را در جهت توسعه مهار کنند.

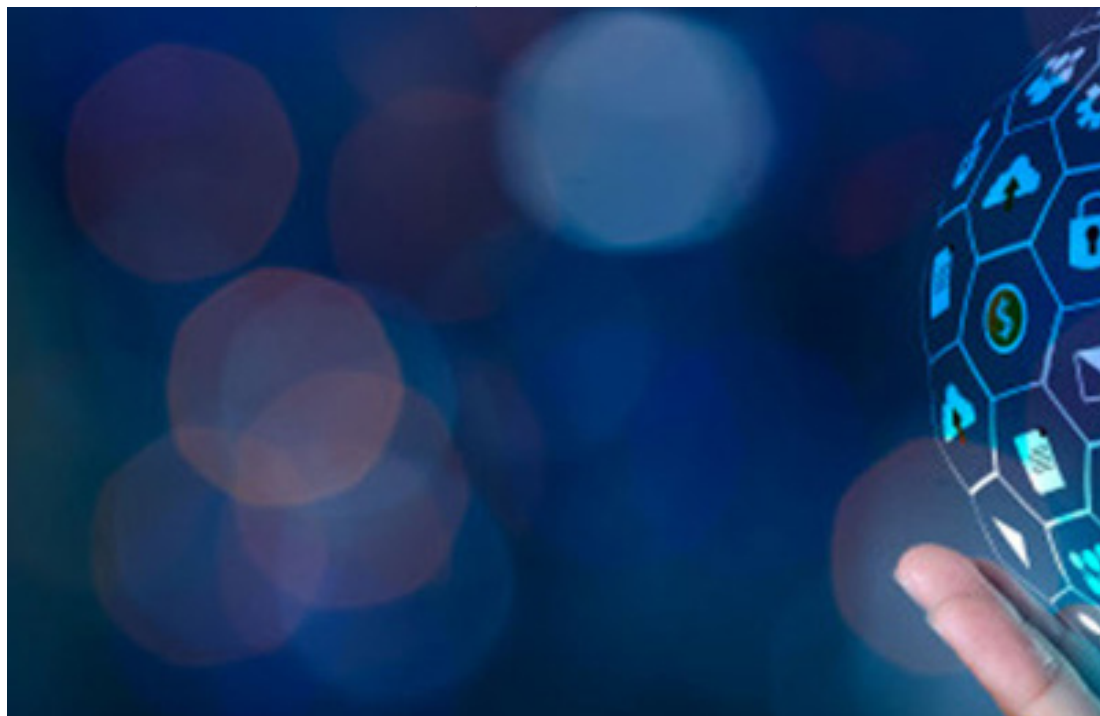
فناوری پیشرفته اطلاعات در حال تغییر دادن شیوه های مدیریت در سازمان ها و مهندسی مجدد است و همچنین تغییرات بسیار زیادی را در بازاریابی شرکت ها ایجاد نموده است. که همین امر باعث سقوط بسیاری از شرکت ها در دنیا گردیده و شرکت های غول پیکر را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است.

شبکه اینترنت یکی از مهم ترین شبکه ها جهت بازاریابی شرکت ها محسوب می گردد. شرکت ها می توانند از این طریق فاصله ها را کاهش داده، محصولات خود را در هر کجای دنیا به فروش برسانند و این مسأله خود باعث رقابت شدیدی در بین آن ها شده است. شرکت هایی که از فناوری اطلاعات استفاده می کنند، می توانند در این نبرد جهانی موفق تر باشند.

فناوری اطلاعات از طریق افزایش تنوع محصولات و بهبود کیفیت و جلب رضایت مشتری توانایی رقابت صنایع را افزایش می دهد و سبب تسهیل روند اداری می شود. یکی از نتایج عمده تکنولوژی اطلاعات (TI) تمرکز گرایی است. بدین معنی که می توان کارها را از راه دور انجام داد بدون آنکه لازم باشد تا در محل حضور فیزیکی و مستمر داشت. این ویژگی بر کوتاه شدن فواصل زمانی و مکانی به عنوان یک ابر شاهره تأکید دارد. با پیشرفت فناوری اطلاعات مشتریان قادرند در مقایسه با گذشته اطلاعات وسیع تری را نسبت به کیفیت تولیدات و خدمات مورد نظر خود به آسانی به دست آورند.



شاید فقدان دستمزد مناسب و یا فرصت های شغلی کافی برای شمار زیادی از افراد توجیه کننده این مسأله باشد که در اقتصادهای غیر غربی میل به موفقیت و شکوفایی کمتر وجود داشته است.



۴- محدودیت های بکارگیری فناوری اطلاعات در صنایع کوچک و متوسط کدامند؟
در این تحقیق رابطه بین بکارگیری فناوری اطلاعات و کارایی و قدرت رقابت در صنایع کوچک و متوسط مطمح نظر واقع می شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به آشنایی روز افزون مردم با اینترنت و مزایای فراوان تجارت الکترونیکی برای مشتری، شرکت و جامعه، شرکت ها و سازمان های عرضه کننده محصولات و خدمات بایستی بیش از پیش به دنبال ایجاد فضای مناسب مطمئن و قابل اعتماد برای مردم جهت انجام این مهم باشند.

امروزه صنایع کوچک و متوسط محور اصلی توسعه می باشند، لذا باید با فراهم ساختن شرایط مطلوب جهت بکارگیری فناوری اطلاعات در این صنایع، بتوانیم راه پیشرفت و راه رسیدن به یک اقتصاد کارا را هموار سازیم. پس بنابراین ضرورت دارد مزایای بکارگیری فناوری اطلاعات را روشن نموده و محدودیت های بکارگیری آن در صنایع کوچک و متوسط را شناسایی نماییم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی از انجام این تحقیق روشن نمودن نقش فناوری اطلاعات بر رقابت، سود و فروش محصولات در صنایع کوچک و متوسط می باشد. بنابراین آگاهی از این موضوع می تواند دانش مدیران شرکت را نسبت به اثرات فناوری اطلاعات بر کارایی شرکت ها را افزایش

امروزه فناوری اطلاعات به طور وسیعی مورد استفاده قرار می گیرد و ضرورت بکارگیری و نقش TI در صنایع کوچک جهت پیشرفت و بهره وری کاملاً مشهود است. البته در بکارگیری فناوری اطلاعات در این صنایع محدودیت ها و مشکلاتی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- کمبود امکانات مالی و عدم اولیت بندی در تخصیص سرمایه: بکارگیری TI نیازمند سرمایه گذاری و اختصاص بودجه لازم از سوی شرکت ها و سازمان ها است.
- ۲- مدیران صنایع کوچک و متوسط: مدیران این صنایع به اندازه کافی در جریان نقش TI نیستند.
- ۳- عدم هماهنگی بین نیازهای مدیران و کارکنان بخش TI: این افراد نیازهای اطلاعاتی مربوط به مدیران را درست درک نمی کنند و تنها به تکنولوژی علاقه مندند.

آموزش و زیر ساخت نامناسب: نیروهای انسانی آموزش مناسب جهت طراحی، پیاده سازی و توانایی استفاده از TI را ندارند. همچنین زیرساخت نامناسب شبکه های ارتباطی و مخابراتی مانند پایین بودن سرعت اینترنت و بالا بودن هزینه استفاده از آن از دیگر محدودیت ها می باشد (اریک و همکاران، ۳۱۰۲: ۳۴۳-۶۳۳).

با توجه به عنوان سؤال های پژوهشی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- آیا بکارگیری فناوری اطلاعات در صنایع کوچک و متوسط باعث افزایش فروش آن ها می شود؟
- ۲- آیا بکارگیری فناوری اطلاعات در صنایع کوچک و متوسط باعث افزایش سود آن ها می شود؟
- ۳- آیا بکارگیری فناوری اطلاعات در صنایع کوچک و متوسط باعث افزایش رقابت پذیری آن ها می شود؟



امروزه صنایع کوچک و متوسط محور اصلی توسعه می باشند، لذا باید با فراهم ساختن شرایط مطلوب جهت بکارگیری فناوری اطلاعات در این صنایع، بتوانیم راه پیشرفت و راه رسیدن به یک اقتصاد کارا را هموار سازیم.

پذیرش، استفاده و بکارگیری اطلاعات و کاربردهای مرتبط با آن در شرکت مورد نظر.

خلاصه تحقیق

در این تحقیق هدف اصلی بررسی ارتباط بین بکارگیری فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر فروش محصولات، سود و درجه رقابت پذیری در صنایع کوچک می باشد، تا بدین وسیله صاحبان صنایع کوچک از اهمیت بکارگیری فناوری اطلاعات آگاه شده و از آن در جهت پیشبرد اهداف و تسریع امورشان استفاده گسترده تری نمایند. نتیجه ای که از این تحقیق بدست آمد، این بود که از نظر کارشناسان و صاحبان صنایع کوچک بین بکارگیری فناوری اطلاعات و درجه رقابت پذیری در صنایع کوچک ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. نتایج کلی به دست آمده از تحقیق:

استفاده از اینترنت می تواند مسافت مورد نیاز جهت خرید را حذف نموده و فرایند خرید را برای مشتریان راحت تر نماید. شرکت می تواند با استفاده از اینترنت محصولات خود را به افراد مناطق دوردست معرفی نماید که در صورت ارائه خدمات بهتر توسط شرکت، مشتریان بالقوه تبدیل به مشتریان بالفعل می شوند. شرکت می تواند محصولات خود را از طریق اینترنت به نمایش بگذارد که در این صورت نیاز به شرکت در نمایشگاه ها و پیمودن فاصله طولانی مرفع می گردد. که این خود باعث کاهش هزینه و به تبع آن افزایش سود بنگاه می گردد. استفاده از اینترنت مشکل محدودیت زمان و مکان را حل نموده است که در این صورت مشتریان می توانند در هر زمان که به اینترنت دسترسی داشته باشند با شرکت مورد نظر ارتباط برقرار نموده و محصولات مورد نیاز خود را خریداری نمایند. فن آوری اطلاعات می تواند نقش واسطه گران را در کانال های توزیع حذف نماید که در این صورت کالاها با قیمت پایین تر به دست مشتری می رسد و رضایت مشتریان باعث وفاداری آنان می گردد. شرکت ها می توانند براساس سفارش مشتریان محصولی را تولید نمایند و بدون آنکه نیاز باشد مشتری مسافت زیادی را تا مکان تولید طی نماید، آن را به مقصد مورد نظر ارسال نمایند. که این امر باعث جذب مشتریان بیشتری در بلندمدت می شود. اینترنت به شرکت ها کمک نموده است که دفاتر مرکزی خود را در جاهایی دایر نمایند که از لحاظ هزینه بسیار پایین باشد. به این ترتیب به کمک اینترنت مشتریان خود را جذب می نمایند و نیازی به تبلیغ فیزیکی و ویتربینی ندارد. فن آوری اطلاعات نحوه نقل و انتقال وجه نقد را راحتتر نموده، یعنی می توان گفت که تا حد بسیار زیادی خطر عدم امنیت مرفع گردیده است و با استفاده از یک کارت رمزدار می توان میلیون ها واحد پول را جایجا نمود. که این خود باعث کاهش خطر جابجایی فیزیکی پول گردیده است.

دهد.

هدف های اصلی تحقیق عبارتند از:

- ۱- تبیین نقش فناوری اطلاعات در بازاریابی صنایع کوچک و متوسط.
- ۲- تعیین وضعیت مطلوب در بکارگیری TI و ارائه راهکارهایی در این جهت و متوسط.
- ۳- میزان قابلیت بکارگیری TI جهت نفوذ در بازارهای هدف و متوسط.
- ۴- تعیین مشکلات فرا روی بکارگیری فناوری اطلاعات در توسعه بازاریابی صنایع کوچک و متوسط.

فرضیه های تحقیق

فرضیه های این تحقیق عبارتند از:

- ۱- بین بکارگیری فناوری اطلاعات در صنایع کوچک و متوسط و فروش محصولات آنها ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد.
- ۲- بین بکارگیری فناوری اطلاعات و درجه رقابت صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنادار مثبتی وجود دارد.
- ۳- بین بکارگیری فناوری اطلاعات و سود صنایع کوچک و متوسط ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. چاقوب مفهومی پژوهش، منبع: (اریک و همکاران، ۳۱۰۲)

گردآوری داده ها

اسناد دست دوم و کتابخانه ای آن از طریق مرور منابع موجود در کتابخانه ها و مراکز اسناد و نیز مجلات علمی- پژوهشی معتبر منتشر شده بدست آمده اند. قابل ذکر است که برخی از منابع نیز از وب -لاگ های تخصصی افراد بی نام و سایت های اینترنتی مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته اند که آدرس دقیق دسترسی به آن ها به عنوان سند ذکر شده است.

تعریف واژگان

بنگاه های کوچک و متوسط (muideM llamS esirpretnE): شرکت هایی هستند که تعداد کارکنان آن ها کمتر از ۵۰ نفر باشد.
فناوری اطلاعات (ygonlhceT noitamrofni): مجموعه ای از سخت افزار، نرم افزار، مغز افزار می باشد که ذخیره و پردازش اطلاعات را میسر ساخته و امکان بهره برداری از آن را فراهم می سازد.
مدیریت ارتباط مشتری (pihnsnoitaleRremotsuC tnmeganaM): یک استراتژی کلی تجاری است که شرکت را قادر به مدیریت موثر ارتباط با مشتری می کند.
تجارت الکترونیک (ecremmoC-e): تجارت الکترونیک عبارت است از خرید و فروش از طریق شبکه اینترنت.

آمدگی الکترونیکی (ssenidaer-e): یعنی توانایی



استفاده از اینترنت مشکل محدودیت زمان و مکان را حل نموده است که در این صورت مشتریان می توانند در هر زمان که به اینترنت دسترسی داشته باشند با شرکت مورد نظر ارتباط برقرار نموده و محصولات مورد نیاز خود را خریداری نمایند.



نذر و کار خیر نیازمند ثروت و سرمایه نیست

می توانیم با کمترین مبالغ نذرمان را به ارزشمندترین هدیه خداوند پیوند بزنیم و سلامتی را به کودکان معصوم مبتلا به سرطان هدیه کنیم.

نذرتان قبول



۰۲۱-۲۳۵۴۰



+۷۲۰۰۲۳۵۴۰#

شماره حساب بانک پارسیان: ۸۱۰۴۴۴۹-۱۲۰۳
از اینترنت به پیام ما توجه کردید، سپاسگزاریم.



محک

سازمان خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان

mahak-charity.org



سس هزار جزیره

Thousands Island





سس گوجه فرنگی

Ketchup



MULTI POWER

عملکرد چندگانه

از بین برنده
چربی‌ها + غذاهای چسبیده



جدید

